اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۸۸
دوره دوم
دوشنبه ۱۲ مرداد ماه ۱۳۶۰
بها ۲۰ ریال

دشمن تنها آمریکاست، با متحدان و عمال و تفاله‌هایش

صفحه ۱۱

انتظار مردم از رئیس جمهور جدید

هفته‌های پرجنب و جوشی که با برکنارکردن گروه بنی‌صدریان و تمامی لشکر نفوذکنندگان به صف انقلاب آغاز شد، دارد با ایجاد نهادهای مهم جمهوری پایان می‌پذیرد. در هفته‌های آرامتری که شروع می‌شود، پس از تعیین رئیس جمهور، می‌بایست نخست‌وزیر نیز برگزیده شود و نمایندگان تازه انتخاب شده به مجلس وارد گردند و ترکیب آن را کامل کنند، تا با هربهانه و به هرمناسبتی کسانی نتوانند آنرا از اکثریت بیاندازند، و بالاخره وزراء نیز، اعم ازجدید و قدیمی درمناصب خود تثبیت شوند و اموراجرائی وزارتخانه‌ها، به جریان افتد.

بی‌شک طردبنی‌صدر و جبران آن سیلی که مردم ایران ازاشتباه خویش خوردند، گام بزرگ وموفقیت‌آمیزی بود وشرکت وسیع درانتخابات ریاست جمهوری نشان داد که مردم می‌دانند با این رای خود نه فقط یک رئیس جمهور انتخاب می‌کنند، بلکه اراده‌ٔ خود را به طرد بساط و راهی که گروه بنی‌صدر معرف آن بود، بیان می‌کنندو راه امام، راه انقلاب رابرمی‌گزینند. مردم بارای بزرگی که به آقای رجائی، برگزیده‌ٔ نیرو های

بقیه در صفحه ۲

بنی صدر و رجوی بدون نقاب

بلندگوهای امپریالیسم آمریکا "مسعود رجوی" را می ستایند

اگر تاچندی پیش در برخی دلها هنوز این شک باقی بود که آیا بنی‌صدر خائن است ویا بیمار خود-محوربینی که جاه‌طلبی مفرط، او را به ضدیت باحاکمیت انقلابی میکشاند، اینک با "فرمانی" که به مسعود رجوی "ابلاغ فرمود" تا "شورای جبهه" ضد-انقلاب راتشکیل دهد، وسپس سر از پاریس بدرآورد ودرکنار دیگر "یاران" فراری خود قرارگرفت، دیگر کمترین تردیدی باقی نمی‌ماندکه یک ضد-انقلابی خالص وخلص پرورده‌ای بیش نبوده ونیست.

اگر تاچندی پیش "تحلیل"ها و

بقیه در صفحه ۲

حماسه هائی که درخون می شکفند

صد پاسدار

در صفحه ۹

هشدار! به اعضاء و هواداران سازمان مجاهدین خلق

وصیت نامهٔ سید محمدرضا سعادتی

صفحه ۸

فرار سپهسالار

شجاع‌السلطنه، ابوالحسن خان "سپهسالار"، صورت‌بندانداخته و زیر ابروبرداشته، در ادامهٔ پایداری و استقامت‌فیروزمندانه‌اش‌سر از پاریس درآورد وبه "مرغ‌طوفان" پیوست. دلسوختگان "جبههٔ مقاومت"، زیر حمایت مشفقانه‌پلیس‌فرانسه، مقدمش را گرامی داشتندوشادی‌هانمودند: "ها! دیگه‌کارتموم شد! علی‌الخصوص که "مسعودخان‌بمب‌انداز" هم دیگرتوسنگر ماست."

ولی، بافرونشستن‌هیجان‌اولیه، این‌به‌آن وفلان به‌بهمان نگاهی‌کردوسر تکان داد. آخر، مگرنگفته‌اندکه: "وقتی مامادوتا شد، سربچه‌کج‌درمی‌آد"؟

البته، مشکل‌کار دراین نیست که یکی، به‌ادعای خودش، "مجتهد اسلام شناس" از دارلعلم پاریس‌است ودیگری "ملی‌گرای‌مبارز" و طبعا نباید انتظار داشت‌که‌آنشان‌ازیک‌جوبرود. کافی‌است "عموسام"، "برای‌مصالح‌عالیه‌ٔ" دنیای آزاد"، دستوربدهد وآنها، پیش چشم عالم‌وآدم، یکدیگر را در آغوش بکشند و، برای‌نرم‌کردن دل‌آوارگان‌دیار کفر و امیدوارکردن‌وگردآوردن‌شان در "جبهه

بقیه در صفحه ۹

فاجعهٔ زلزلهٔ کرمان را تسلیت می گوئیم

رویداد زلزله‌ٔ شدیدروز سه‌شنبه (۶۰/۵/۶) در استان کرمان بازفاجعه آفریدوهزاران تن از زحمتکشان روستاهای مارا زیر آوار سنگین خانه های فرتوت گلین مدفون وزخمی ساخت.

این‌مصیبت بزرگ وملی که‌قلوب‌مردم‌رنجدیده‌ٔ میهن ماراداین‌دقایق حساس مبارزه گسترده باامپریالیسم خونخوار آمریکا وجبههٔ متحد ضد-انقلاب داخلی سخت به‌درد آورده، تنها با از خود گذشتگی‌وپایداری‌همین توده‌های فداکار وزحمتکش التیام‌پذیراست.

ماضمن ابراز اندوه عمیق خود نسبت به‌این حادثه دلخراش به خانواده‌های مصیبت‌دیده ومردم قهرمان وبردبار ایران که یگانه یاورروز-های سخت‌ودشوار سرزمین استوار خویش‌اند، صمیمانه تسلیت‌می‌گوئیم و به نوبهٔ‌خود از عموم هموطنان‌شریف وپاکباز خود می‌طلبیم که مانند همیشه دوشادوش دولت ونهادهای‌انقلابی برای ترمیم خسارات سنگین به یاری فاجعه‌دیدگان‌برخیزند.

میلیونها تن در مراسم باشکوه بزرگداشت روزقدس یکصدا شعار میدادند:

مرگ بر آمریکا - مرگ بر اسرائیل



امام خمینی:

ایران به رغم تبلیغات امپریالیسم وصهیونیسم ... به سوی سازندگی نهایی پیش می رود

* دولت درجهت ایجاد یک جبههٔ متحد اسلامی وضد امپریالیستی وضد صهیونیستی درکشورهای اسلامی خواهد کوشید

در صفحه ۱۰

نشناختن دوستان انقلاب، بزیان انقلاب است

روند پیشرفت هرانقلابی به‌سوی هدف‌اصلی، روند مبارزه‌انقلابی برضد دشمن‌اصلی انقلاب، درعین‌حال روند شناخت دوستان‌ودشمنان انقلاب، اتحادنیروهای‌انقلابی‌ازیکسوونیرو-های ضدانقلابی‌ازسوی‌دیگر و مشخص شدن‌نیروهای‌انقلابی‌ونیروهای‌ضد-انقلابی‌است.

این‌روند پیشرفت‌انقلاب درکشور ما، به‌سوی‌هدف اصلی انقلاب (استقلال) ودرمبارزه‌ٔ انقلابی‌برضد-دشمن‌اصلی‌انقلاب (امپریالیسم به سرکردگی‌امریکا)، باعث‌شده‌است که "جبهه‌متحدضدانقلاب" وترکیب آن‌و اتحادعمل‌نیروهای‌ترکیب‌کننده‌ٔ آن مشخص‌شود. ولی‌این‌روندمتاسفانه‌هنوز منجربه‌شناخت‌کامل‌دوستان‌انقلاب، اتحادعمل‌کامل آنها، تشکیل جبهه متحدانقلاب نشده‌است. هنوزمتاسفانه مشاهده‌میشودکه‌برای‌برخی‌ازنیروهای راستین‌انقلابی‌محدودیت‌هائی وجود دارد، ویادرشرایط گوناگون به‌صورت-های‌گوناگون‌محدودیت‌هائی به وجود می‌آید، که‌البته‌به سودتقویت اتحاد عمل‌نیروهای‌انقلابی‌نیست، ودرنتیجه به‌سودانقلاب‌نیست.

این‌کندی‌نسبی‌انسجام نیروهای انقلابی، احیانامعلول‌دوعلت‌است: یکی‌اینکه‌به‌احتمال‌قوی هنوز عناصر مشکوکی در میان‌نیروهای‌حاکم‌انقلابی ازجمله‌دربرخی‌نقاط حساس‌وجوددارند

بقیه در صفحه ۵

کارنامهٔ ابوالحسن بنی صدر ۴

معامله کارتر - بنی صدر - قطب زاده برای آزادکردن "گروگان"های جاسوس آمریکایی

"باگرفتن‌گروگان‌ها، گروگان آمریکاشدیم..." (بنی‌صدر-انقلاب‌اسلامی- ۱۵آبان۱۳۵۹)

این‌جمله، نظر واقعی ابوالحسن بنی‌صدر رادرباره‌ٔ انقلاب دوم بیان می‌کند. البته‌این‌نظریک سال‌بعد از واقعهٔ‌تاریخی‌اشغال "لانهٔ‌جاسوسی"، که در ژرفش‌وگسترش خط ضدامپریا-لیستی‌انقلاب ایران‌اثرتعیین‌کننده‌ای داشت، بیان شده‌است.

روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸، وقتی دانش-جویان مسلمان‌پیروخط‌امام، در همان حال که سران دولت موقت‌در الجزایربا برژینسکی ملاقات می‌کردند، "لانهٔ‌جاسوسی" رااشغال‌کردند، بنی صدردراوج ریاکاری خودبرای جمع کردن‌آراء بیشتروبیشتربود.

"انقلاب دوم"، ازآنجا که از نیازراستین‌انقلاب‌مایه‌می‌گرفت، چون

بقیه در صفحه ۶

رژیم ضیاء الحق به ژاندارم امپریالیسم آمریکا در منطقه تبدیل می شود

در صفحه ۴

انتظار مردم از . . .

بقیه از صفحه ۱

پیرو خط امام ، دادند ، بار دیگر بلوغ سیاسی چشمگیر خودرا ثابت کردند ونشان دادندکه دیگر در پی شخصیت و نام و شهرت نمی‌روند ، بلکه "خط" را تشخیص می دهند .

متجاوزاز ۱۳ میلیون رایی که آقای رجائی کسب کرد ،رائی بودکه به‌تداوم انقلاب درخط اصیل ضدامپریالیستی ومردمی و اسلامی آن داده شد . مردمی‌که سوزش سیلی اشتباه یازده میلیون رای قبلی خویش را به مدت بیش ازیکسال برگونه‌جان خویش وبرروندانقلاب خویش حس می‌کردند با ۱۳ میلیون رائی‌که دادند ،برلیبرالیسم و سازشکاری ، برتسلیم طلبی ، ومسخ انقلاب ، برپاگذاشتن بر سر آرمانهای انقلابی "استقلال ، آزادی ، جمهوری اسلامی" دست ردگذاشتند و بدین ترتیب و درحقیقت یک‌بار دیگر انقلاب را ، درمرحلهٔ نوینی از تکامل آن پیروز ساختند .

"اتحاددموکراتیک مردم ایران" که از نامزدی آقای محمدعلی رجایی برای مقام ریاست جمهوری پشتیبانی کرده و عموم هم میهنان و هواداران خود را دعوت کرده‌بود که با شرکت وسیع ومتحد دراین انتخابات یکبار دیگراراده راسخ خودرا درنبردمشترک باامپریالیسم آمریکاوضدانقلاب پرورده آن نشان دهند" (اتحادمردم ، شمارهٔ ۸۶) ، خرسنداست کەمی‌تواند نتیجهٔ انتخابات رابمثابه یک علامت دیگر پیروزی انقلاب وسرآغاز دیگری برای ورود به مرحلهٔ ژرفش آن ،به سود توده‌های‌مردم محروم ومستضعف ، بسود تعمیق نبرد اصولی‌ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی ماارزیابی کند .

اینک کشورانقلابی‌ما دارای‌رئیس جمهورجدیدی است ،رئیس جمهوری که متعهد شده‌است در خط امام باشد و ازاهداف انقلاب پاسداری کند وقانون اساسی راحرمت داردو ازآرمان های زحمتکشان هرگز بیگانه‌نماند ، رئیس جمهوری که سازمانها ونهادهای‌مختلف سیاسی ومذهبی ضمانت مسئولیت او را تقبل کرده‌اند .درست‌است که در گرماگرم نبرد باخط بنی‌صدرودرهنگامه کوشش برای زدودن آثاراین خط ضدانقلابی وغرب گرا ،بارها بدرستی بر محدودیت وظایف واختیارات ریاست جمهوری تکیه شد ،تابرگرایشهای‌سرکش قدرت‌طلبی وخودکامگی ،که در شخص بنی‌صدر به‌وفور وجودداشت ، دهنه زده‌شود .ولی درهرحال‌ریاست‌جمهوری تنها یک‌مقام تشریفاتی نیست وابدا شیر بی‌یال ودم واشکم ،که‌وجود و عدمش علی‌السویه‌باشد ، به‌شمارنمی‌رود ،بلکه طبق قانون‌اساسی جمهوری‌اسلامی‌ایران این‌مقام دارای‌یک رشته وظایف و مسئولیت‌هائیست‌که ،اگر بدانجام شود ، آنچنان خواهدشدکه در زمان بنی‌صدر شدواگر به‌درستی انجام شود ،به گردش چرخ‌های کشور موثراکمک‌خواهدکردو به یک‌عامل محرک وراینده‌بدل‌خواهد شد ، که امیدواریم در زمان آقای رجائی چنین‌شود .

واما در این ماه‌هائی که آغاز میشود ومردم مابااینهمه‌امید به‌آن‌چشم دوخته‌اند ،چه‌انتظاری از آقای رجائی داریم ؟رئیس‌جمهور تازهٔ ما چه باید بکند ،تابه‌وظایف‌خطیر خود عمل کرده باشد ؟به‌جبران‌آن سیلی‌که از انتخاب نادرست‌قبلی خوردیم ،چه‌کنیم تا این بارمشت محکم‌تری برچهرهٔ تبهکارامپریالیسم آمریکاوضدانقلاب پرورده آن‌بزنیم ؟

رئیس‌جمهور جدید باید بتواند بیانگراصیل‌مرحلهٔ سوم انقلاب‌ما باشد ، یعنی به‌بهترین‌وجهی‌کمک‌کند ،تااهداف انقلاب برآورده‌شودوباهماهنگ ساختن قوای سه‌گانه ، در جهت تعمیق محتوای ضدامپریالیستی ومردمی‌انقلاب گام بردارد .

مرحله‌جدیدانقلاب با فریادهای "مرگ‌برآمریکا" ، "مرگ‌برخط سازش و تسلیم" شکل‌گرفت وهرگونه‌بند و بست آشکار و پنهان ، هرگونه گرایش به امپریالیسم ،درهرشکل وشمایلی ، توسط توده محروم محکوم شناخته شد . رئیس جمهورتازه‌باید معرف این خط آشتی‌ناپذیری با امپریالیسم جهانی ، به سرکردگی امپریالیسم‌آمریکا ،باشد . او باید مظهر قهرانقلابی مردم‌انقلابی ما علیه دست‌نشاندگان منطقه‌ای امپریالیسم و وابستگان مستقیم وغیرمستقیم آنها و صهیونیست‌ها وضدانقلاب دست‌پروردهٔ امپریالیسم باشد .یعنی ما انتظارداریم‌که رئیس‌جمهور از اختیارات و مسئولیت‌هاو وظایف قانونی خود استفاده کند ، تا بتواند ،چه‌در راس قوهٔ مجریه ،چه به عنوان‌هماهنگ‌کنندهٔ سه‌قوه ،چه به‌عنوان رئیس جلسات هیئت‌وزیران ، هنگامی‌که درآن شرکت‌میکند ،چه‌بعنوان عضوشورای عالی دفاع وچه‌به‌عنوان عالی‌ترین مقام رسمی کشور در رابطه باسایر کشورها ، و خلاصه درهمه‌مسئولیت‌های سنگینی‌که بر عهدهٔ اوست ،در راه استقلال ایران — این هدف اصلی انقلاب — مبارزه‌کند . این‌مبارزه البته کارهمهٔ مردم‌ایران‌است ولی برای‌آقای رجائی این امکان استثنائی فراهم‌شده است که برای استقلال همه‌جانبهٔ جمهوری اسلامی ایران‌دریکی از موثرترین و حساس‌ترین مناصب‌مبارزه‌کند .ما از نظر اقتصادی‌و سیاسی فرهنگی واجتماعی و نظامی و غیره‌نیازحیاتی‌به استقلال کامل داریم . انتظارمردم‌از رئیس جمهور آنست که‌به نوبهٔ خود ودرمقام‌خود ،این‌نیازانقلاب راباهوشیاری و واقع بینی برآورده‌سازد .

درمرحله جدید انقلاب باز هم آشکارتراز‌پیش توده‌های زحمتکش مردم به‌میدان‌آمدند .هیچکس‌نمی‌تواند انکار کندکه‌آن‌مردم حاضر درصحنه ،که‌تاریخ رارقم‌زدند وانقلاب رابه‌جلو راندند ، جز توده‌های مستضعف نبودند .آنها‌در انتظاردگرگونیهای‌بنیادی‌هستند . باید وضع زندگی آنها از ریشه عوض شود . بدین‌منظور ،باید‌علیه استثمارگران ،که پایگاه امپریالیسم و طاغوت هستند تدابیرجدی‌وعمیق اتخاذ شود . باید ثمرات‌انقلابی‌که‌متعلق به‌کوخ‌نشینانست به‌آنان‌برسد .رئیس‌جمهور رجائی باید به‌این‌انتظار تودهٔ محروم ،در جهت نبرد علیه طبقات و اقشار استثمارگر و زورگو و مزور و در جهت خدمت به آنهائی که نسل‌هاست زحمت‌می‌کشندو بهره‌ای از رنج خود نمی‌برند ، پاسخ دهد .

دوران‌نبردهای سخت‌تروجدی‌ترکه درآن‌صف‌ها بیش از پیش مشخص میشود ،آغاز شده‌است . رئیس جمهور میتواند وباید در مشخص‌شدن وضع به سودتودهٔ محروم وریشه‌کن‌کردن مبانی محرومیت‌ها ورنج‌ها واستضعاف نقش موثر خود راایفاکند .علیه سرمایه‌داران غارتگر ،مسبب بدبختی‌ها و گرانی‌ها وبیکاری‌ها ،علیه‌فئودال های مزور وخوانین وارباباِن‌خونخوار ،علیه عقب‌ماندگی دردناکی که‌امپریالیسم و رژیم طاغوتی وابسته‌ایران‌رادچار آن ساخته‌است ،علیه هرج و مرج‌ها و بی‌برنامگی‌ها ومماشات‌های غیراصولی و ساخت پاخت‌های لیبرال‌منشانه باید گام جدی‌وموثربرداشت ، وگرنه‌از مرحله سوم‌انقلاب چه‌باقی‌میماند ؟ بی‌شک رئیس جمهور میتواند نقش مهم وموثر خودرا دراین زمینه‌ایفاکند مسلمامردم از ۱۳ میلیون رائی‌که‌به سود آقای رجائی داده‌اند ،این‌انتظار رادارندکه وی برعکس سلف‌خویش در این سمت مردمی عمل‌کند ،مردم تشنهٔ عمل هستند ،عملی که‌موثر باشد واثرات‌آن در دیگرگون‌شدن وضع و بهبود آن محسوس‌افتد .

مردم در سال قانون به پای صندوق‌های رای‌رفتند و به روش‌های تخریبی وجنایتکارانه‌ضدانقلاب ، با روشی‌قانونی ،پاسخ‌دندان‌شکن دادند . مردم‌تشنه‌احترام به‌قانون وبه‌آزادی‌های فردی واجتماعی هستند واز هر گونه‌زورمداری وچماقداری وروش های خودکامه‌ودیکتاتورمآبانه‌بیزارهستند . رئیس جمهور جدید بایدبتواند سال قانون رابه‌شالوده بنای احترام دائمی به‌قانون‌بدل‌کندوکاری کند که‌سالی نباشدکه‌درآن به‌قانون و آزادی های فردی واجتماعی مصرحه‌درقانون‌اساسی جمهوری‌اسلامی ایران‌ارج‌و احترام گذاشته‌نشود .ازهر جانب که این آزادی‌هامورددخدشه‌قرارگیرد وبه‌هرنام وبه‌هربهانه‌ایکه‌باشد ، او باید بتواند جلوی‌آنرابگیردو پاسدار عملی قانون اساسی‌باشد .میدانیم که‌مقاومت در برابر گروه‌های فشار وکسانیکه مشتاق خودکامگی وانحصارطلبی ویکه‌تازی و خودقانون‌بینی هستند ،به راستی هشیاری وتزلزل‌ناپذیری‌وپایبند‌بودن به‌اصول رامی‌طلبد ،ومردمی که ۱۳ میلیون رای به‌آقای رجائی داده‌اند ، منتظرند که‌وی پاسخگوی این خواست آنهانیزباشد .

درانتخاب رئیس جمهور جدید همهٔ مردم انقلابی‌ما ، صرفنظر از وابستگی‌های سیاسی ومعتقدات‌مسلکی خودشرکت‌کردند .این‌اتحادنظر ناشی از آن‌وحدتی است که‌همهٔ این‌انقلابیون رادر نبرد علیه‌امپریالیسم وصهیونیسم به‌سرکردگی امپریالیسم‌آمریکا و تفاله‌های داخلی‌آن به‌هم‌پیوند می دهد . وثیقهٔ پیروزی‌های آیندهٔ ما و ضامن پیشرفت وتداوم انقلاب ،ادامهٔ این اتحاداست . اتحاد نیروهای‌انقلابی را صرفنظرازتفاوت‌های عقیدتی ومسلکی آنها ،باید حفظ‌کرد و باید تحکیم کرد .رئیس جمهوریکه‌برشالودهٔ یک چنین‌اتحادی‌وبخاطرخط وهدف‌واحدی انتخاب‌شده‌واگربدرستی‌عمل‌کند ،می‌تواند مظهریگانگی همهٔ مردم‌وآرمان‌های‌آنها‌در نبرد علیه‌آمریکاولیبرال‌هاومستکبران وزورگویان و بهره کشان باشد ،باید‌در دوران ریاست‌جمهوری خویش این‌اتحاد را ،که به‌قول معروف از نان‌شب هم‌واجب‌تراست ، مستحکم کند . مصالح‌انقلاب ما ،مصالح حیاتی کشورما ،ایجاب‌میکندکه‌آقای رجائی با تمامی آنچه‌درنیرودارد برای‌این‌اتحاد وارتقاءآن به‌اشکال بالاتر و پر ثمرتری بکوشد .انتظارمردم ازایشان در این مورد‌انتظاریست که ازعلاقهٔ مردم به تعمیق انقلاب واز امیدآنها به ریشه‌کن‌کردن تمام‌تفاله‌های آمریکایی و وابستگان طاغوتیان خیانتکار و نابود کردن جبههٔ متحد ضدانقلاب سرچشمه می‌گیرد .به‌این‌انتظار باید پاسخ‌داد .

از رئیس جمهور جدید مردم انتظار روشن‌بینی‌دارند .نمی خواهند دیگر داستان پرادبار رئیس جمهور پیشین تکرارشودکه‌گروهی مشکوک و متظاهر ،به‌دور مقام ریاست‌جمهوری گردآیندو در منحرف‌کردن‌خط انقلاب کوشاباشندودراین انحراف به‌موفقیت‌هایی هم نائل شوند .نمی‌خواهنددیگر سیلی‌های‌تازه‌ای ازمزوران‌چهره‌سازان بخورند .نمیخواهند عمال‌آمریکاوعمده‌مالکان‌وسرمایه‌داران‌بزرگ زیر نقاب "اسلامی" ویازیرنقاب ماوراء چپ‌و انقلابی‌نمای‌کاذب‌وبافریادهای "پیکار‌گونه" و "رنجبر"آسا و "مجاهد" نماسعی درگمراه‌کردن مردم وبه‌بیراهه‌بردن انقلاب بنمایند .

مقام‌ریاست‌جمهوری مقام پرمسئولیتی‌است‌که‌میتواند دربه‌انحراف‌کشاندن‌یادرسالم نگهداشتن‌خط انقلاب نقش‌مهم داشته‌باشد .اولی را باآن تجربه‌تلخ ودردناک آزمودیم و دیگر نمی‌خواهیم تکرارکنیم .از رئیس‌جمهور جدیدانتظارداریم‌که‌دومی را ، یعنی‌راه سلامت‌واستحکام‌خط انقلاب‌را ،پیشبرد قاطع خط ضدامپریالیستی ومردمی را ، زیررهبری‌امام‌خمینی ، پاسدار باشد .

بنی‌صدر و رجوی . . .

بقیه از صفحه ۱

اعمال‌رهبری‌سازمان‌مجاهدین خلق ، هنوز در برخی از دلها شگفتی‌برمی‌انگیخت که‌چگونه‌سازمانی‌که خود را انقلابی وضدامپریالیستی‌معرفی‌میکند ، حاکمیت‌انقلابی‌ضدامپریالیستی را "ارتجاعی" مینامد ،که‌باید آن راسرنگون‌کرد ،وباآن "تحلیل‌ها" و اعمال درصف بختیارها ،قاسملوهاولیبرال‌ها ومائوئیست‌های‌آمریکائی وساواکی‌هاقرارمیگیرد ،اکنون دیگر جائی برای شگفتی‌باقی‌نمانده‌است .

رجوی ،با "پیامی" که درآن "فرمان" بنی‌صدر راپذیرفت و برای "تشکیل شورای ملی مقاومت" از همهٔ ضدانقلابیون "قبول‌زحمت" نمود و سپس در رکاب "سپهسالار" به پاریس فرارکرد ،علنا وعملا ثابت‌کردکه‌جز یک ضدانقلابی تمام عیارچیزی نبوده و نیست .

فرمان‌بنی‌صدربه مسعود رجوی ، که "فعلا" یک "شورای جبهه" یا یک "شورای‌مقاومت‌ملی" تا "انتخابات‌آزاد" تشکیل‌دهدوبعدازآن "اداره‌امورکشور را برعهده "گیرد ونیز "قبول‌زحمت"اجرای این‌فرمان‌ازجانب‌رجوی ، به‌مصداق این ضرب‌المثل‌فارسی‌بود که : "یارو رابده راه‌نمی‌دادند ،سراغ کدخدارامی‌گرفت" این‌جنبه‌مضحک‌قضیه ،بافرار "مظفرانه" آنهامضحک‌ترشد .

جنبه‌جدی‌ترقضیه این است که بنی‌صدر (اگراو را در زمره در "آب‌نمک خوابیده‌های "سیا"هم "ندانیم) حالا دیگر "امیدی" در ناامیدی آمریکا شده و رجوی نیز (اگر فرض‌کنیم که از همان آغاز "زدگی "نداشته) حالادیگر تا حد پادوی "سپهسالار "همه ضد انقلابیون سقوط‌کرده‌است .

امریکاالبته‌طبق نسخه "در ناامیدی بسی‌امیداست" ،سعی‌کرده‌وسعی میکند و درآینده نیز سعی بیشتری خواهدکرد که‌این‌بار اکثر ضدانقلابیون رادرخارج و داخل کشور زیر علم بنی‌صدربکارگمارد و از مسعود رجوی نیز برای جلب جوانان‌فریب‌خورده مجاهدبه‌کارآنارشیستی‌وتروریستی‌ضدانقلابی استفاده‌کند .همانطورکه‌بختیار واویسی رابه‌ایستگاه فرستندهٔ رادیو مجهز کرد ،یک‌رادیو نیزدراختیاراینان قراردهد .اینان را نیز ، مانند دیگر مهره‌های گوش‌به‌فرمان ،با پول و دیگر وسائل وکمک‌های "معنوی" ماموران "سیا" وخدمات‌ساواکی‌ها و اوباش مزدور "تقویت" کند ،تاشایدآنچه‌را به دست بختیارهاواویسی‌ها و نیم پهلوی ها (اشرف‌ورضا و فرح وغیره) نتوانسته انجام دهد ،بدست "علیل‌ترین مغز عصر حاضر" تحقق‌بخشد .

این مسئله که چگونه "مرغ طوفان" به این ضد انقلابی بکلی ورشکسته لبیک خواهد گفت و یا مثلا اردشیر زاهدی ،کهنه‌جاسوسی که بیش‌ازسی‌سال سابقه "خدمات‌ارزنده" به "سیا" دارد ،زیرعلم او سینه‌خواهد زد ،کارخصوصی "عموسام"است که در سازماندهی‌گانگسترها آزموده و کهنه‌کاراست .فعلا قاسملورامیتوان‌در "ستاد عملیاتی‌سپهسالار "گمارد چون این یکی غریقی است که‌به‌ناچار می‌بایستی به‌هرخاشاکی تشبث جوید . و باز آمریکای جنایتکار میتواند برای خود خواب‌های خوش‌تعبیرکند ،بخشی از ایران‌را "تجزیه "کند" و درآن حکومت "قانونی "بنی‌صدر را علم کند . مانند "دولت‌آزاد "بختیار ،که‌بنابود بعد از تهاجم "ظفرمند "صدام‌تشکیل داده شود و "به‌رسمیت" شناخته‌شودوپایگاهی برای جنگ‌داخلی گردد ، این بار "جمهوری‌اسلامی "بنی‌صدر با مسعود رجوی در راس "اداره‌امورکشور "ایرانی آزاد از "دیکتاتوری ارتجاع" به‌وجود آورد و . . .

مضمون این‌ضرب‌المثل درست است‌که : "توبه‌گرگ‌مرگ‌است :اگر آمریکا می‌توانست‌آزموده‌هارا دیگر نیازماید و پس ازصدبار شکست باز به‌آزمودن آزموده‌نپردازد ،آنگاه "عقلی" میداشت ودیگرامپریالیسم‌نبود .ولی‌امپریالیسم "عقل "ندارد ،عقل‌باسرشت‌او سازگار نیست ،حرص‌اودربه‌بندکشیدن و غارت خلق‌ها "عقل" را از او میربایدوماجراجویی‌راجایگزین‌آن میسازد .

سخن‌برسراین‌نیست‌که نقشهٔ "بنی‌صدری "آمریکا نیز مانند دیگر نقشه‌های آن بطورقطع شکست‌خوردنی است‌چنانکه‌اکنون‌شکست مفتضحانه آن مشهوداست‌ودرآینده نیز شکست آن رسواتر خواهدبود. سخن‌بر سراین‌است که‌این‌جوانان‌صادق ،ولی‌فریب‌خوردهٔ "مجاهد" را باید از چنگ بنی‌صدرهاو رجوی‌ها نجات‌داد .باید به‌آنهاتفهیم کردکه‌اطاعت‌کور و دنباله‌روی‌کورکورانه شایسته‌جوان‌آزاده و آزاد اندیش و آزادیخواه‌نیست .بایدتمام اسلوب‌شبه‌مافیایی سازماندهی‌مجاهدین‌وپیکاری‌هاورنجبری‌ها وغیره‌رابرای‌آنهاتوضیح دادونشان‌دادکه‌یک چنین سازماندهی محصور ومجبوری نمیتواندانقلابی ودر خدمت انقلاب باشد . باید تمام "تحلیل "های‌رهبری سازمان‌مجاهدین را "کالبدشکافی "کرد ونشان‌دادکه‌تماما ساختگی ،باهدف تسخیر دلهای پاک ، ولی‌ازنظر سیاسی‌کم‌مایه و بی تجربه بوده‌اند .باید با "عقل "این جوانان فریب‌خورده‌کار کرد .باید به‌روی آنها آغوش محبت‌گشود وبه‌آنها نشان‌دادکه به‌گفته‌حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی ، "نورچشم ما "هستند .ضمنا البته‌بایدبه آنها هشداردادکه اگر هرچند از روی نادانی یالجاج‌جوانی‌نتوانند راه را از گمراهی‌تشخیص‌دهند ،چاره‌ای‌جزمقابله قاطع باآنهاباقی‌نمی‌ماند .باید به این جوان‌های بی‌گناه فریب‌خورده تفهیم کردکه‌مسئله‌جدی‌است و بازی فلان آرتیست در فلان فیلم سینمائی‌کابوئی نیست .مسئله‌نبردبین‌انقلاب با ضد انقلاب ،با آمریکا وتفاله‌های آنست ،و این‌نبرد شوخی‌بردارنیست . باید‌به‌این جوانان‌فریب‌خورده‌چهرهٔ کریه و خبیث ضدانقلابی رجوی‌ها — رهبری سازمان‌را چنانکه‌هست ،نشان‌داد ،تابتوانندخود را از چنگ اطاعت کور از آنهارهاسازند بهترین‌سند خیانت‌بنی‌صدرها ورجوی‌ها ،حمایت‌گسترده دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم خبری ازآنها است باید این سند را در برابرچشم جوانان فریب‌خورده‌گشود ،تابه‌رهبری ضد — انقلابی خود پشت‌کنند و به انقلاب روی‌آور شوند .

کارتوضیحی‌برای به‌هوش آوردن این‌جوانان ،باید اذعان‌کرد ،که به‌قدر کافی‌انجام‌نگرفته‌وهنوز هم‌نمی‌گیرد . باید این‌نقص را برطرف کرد .

بلندگوهای امپریالیسم آمریکا «مسعود رجوی» را می‌ستایند

صدای‌آمریکادر۱۶تیرماه ۱۳۶۰ ،به‌نقل ازروزنامه‌واشنگتن‌پست "مسعود رجوی" و "مجاهدین‌خلق" راچنین‌ستوده‌است :

"مجاهدین‌تنهاگروهی هستندکه‌سازمان‌دهی‌وتجربه و امکانات کافی مقابله‌بارژیم جمهوری‌اسلامی‌ایران رادراختیاردارندوچریک‌های مجاهد که سازمان‌یافته‌وباتجربه‌هستند ،ازشبکه‌ارتباطی وسیعی‌نیزبرخوردارندودریکی دوسال‌اخیرنیزازمحبوبیت‌زیادی‌برخوردارشده‌به‌تعداداعضایشان‌به مقدار قابل‌توجهی اضافه‌گشته‌است .این‌تحول‌به‌خودی‌خودجالب‌توجه‌است . . . مسعودرجوی‌که‌این‌سازمان‌چریکی‌را رهبری‌میکند ،احتمالا به عنوان چهره‌عمدهٔ مقابله‌بارژیم حاکم‌ظاهرمیشود ."

درجای‌دیگر "مسعودرجوی" بعنوان "مسلمان‌مومن‌ومتعهد" معرفی‌شده است .

ستایش‌بلندگوهای‌امپریالیسم‌آمریکااز "مسعودرجوی" درحالی‌است که ارگان‌های‌تبلیغاتی امپریالیسم‌آمریکاشب‌وروزنیروهای‌انقلابی‌ایران را مورد پلیدترین‌ناسزاهاوافتراهاقرارمیدهند .

آیاآن‌ستایش واین‌ناسزا ،هواداران‌صدیق ،ولی‌گمراه‌وفریب خوردهٔ "مجاهدین‌خلق" رابه‌فکرنمی‌اندازدوبه‌این‌نتیجه‌نمی‌رساند که "رهبری مجاهدین‌خلق" درجبهه‌ضدانقلاب قرارگرفته ،لذابایدازآن‌برید ، آن را محکوم‌کردوبه‌راه‌واقعی خلق ،راه‌دفاع‌ازانقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران گام گذارد ؟

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت :

پایگاه عمده جبههٔ براندازی، بزرگ مالکی و سرمایه داری بزرگ، همچنان باقی است

- شرکت فعال مردم در انتخابات دوم مرداد نشانهٔ هشیاری و عشق و ایمان مردم به انقلاب بود .
- فرار بنی‌صدر و رجوی باندازه هزار کتاب و مقاله روشن‌کننده رسوائی جریان آنهاست .
- ریشه‌های آمریکا هنوز در کشور انقلابی ما باقی است .
- مبارزه با لیبرالیسم باید تا نابودی آن ادامه یابد .

مجلس‌شورای اسلامی درهفته‌گذشته ۵ جلسه علنی داشت . دراین جلسات نمایندگان کلیات لایحه‌مطبوعات رامورد تصویب‌قرار دادند و موادی از طرح قانونی اراضی شهری را تصویب کردند . در جلسات علنی این‌هفته مجلس‌شورای اسلامی همچنین‌اعتبارنامه ۶تن از نمایندگان موردتصویب قرارگرفت .

امریکا مسئول اصلی جنایات لبنان است

درجلسه‌علنی‌روز ۴مرداد ۶۰ابتدا‌خزائی نماینده‌ٔ مردم‌رشت طی سخنانی جنایت عوامل ضدانقلاب دراستان گیلان راکه‌روز انتخابات صورت‌گرفت محکوم کرد واز مقامات‌قضائی کشور خواستار اعمال قاطعیت بیشتر درمقابله‌با‌عوامل ضدانقلاب شد‌سپس‌حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی طی سخنانی ضمن ستایش از مردم انقلابی‌ایران که‌با "ساخت درست‌سیاسی "در رای‌گیری‌ریاست جمهوری ونمایندگان مجلس‌شرکت کردندو"عشق وایمان‌خود‌را نسبت‌به‌انقلاب نشان‌دادند" ، از مقامات‌مسئول‌کشورکه‌تمام‌کوشش‌خود را جهت انجام‌صحیح انتخابات‌بکاربردند‌تشکرکرد . وی همچنین‌بااشاره‌به‌کشف تعدادی از مکان های تجمع ضدانقلاب توسط مردم از آنها‌سپاسگزاری کرد . رئیس‌مجلس‌شورای‌اسلامی دربخش دیگری‌از سخنانش بااشاره‌به‌جنایت‌اسرائیل درلبنان ، "مسئول‌اصلی "آنراآمریکادانست وگفت . "مسئول اصلی آن‌آمریکاومجری مستقیم آن اسرائیل و تائیدکنندگان‌بی‌نام‌ونشان‌که‌ارتجاع‌منطقه و وابستگان‌به‌سیاست‌غربند ، (بود) " .وی‌افزود : "این‌جنایت)آبروی استعمارجهانی غرب رایکبار دیگربردوچهره‌ٔ سازشکاران‌مدعیان‌اسلام‌وعروبت راهم‌برملاساخت . " سپس مجلس واردد‌ستورشد و قبل‌ازطرح‌لایحه‌مطبوعات‌اعتبارنامه‌ٔ حسن‌زاده و محمداسحاق مدنی نمایندگان‌کاشمر وسراوان ، طرح‌شد وبه‌تصویب‌نمایندگان‌رسید .آنگاه لایحه‌ٔ مطبوعات در دستور قرارگرفت و نمایندگان در کلیات آن‌به‌عنوان موافق و مخالف بحث کردند . ازجمله‌دکترهادی به‌عنوان‌مخالف گفت :

"هرقانونی که‌برای‌مطبوعات‌نوشته‌می‌شود ومی‌خواهدتصویب‌شود باید‌حتما‌متضمن دومحورباشد یکی‌این‌که‌آزادی‌حتما‌تضمین‌بشودودیگر این که زهرگونه‌توطئه‌واخلال‌بشدت‌جلوگیری بشود"

وی‌گفت : "اگرچنانچه‌آزادی‌رابدون‌هیچ‌ضابطه‌ای‌وحتی‌همراه‌با‌توطئه‌وخیانت‌اجازه‌بدهیم به خود آزادی‌ضربه‌زده‌ایم ،واگر چنانچه‌از آن‌طرف باسم اینکه‌میخواهیم‌جلوی‌توطئه‌رابگیریم آنقدر محدودکردیم آزادی راکه‌کسی‌نتوانست حرفی بزند ،بازآنهم به‌آزادی ضربه‌زدیم .بنابراین‌باید تعادلی‌بین‌ایندومحورباشد . " وی همچنین خاطرنشان‌کردکه‌این‌طرح‌با‌مصوبه‌ٔ شورای انقلاب تفاوت‌اساسی‌ندارد . همچنین حجت الاسلام مجتهد‌شبستری در مخالفت بااین طرح سخن گفت وازجمله تاکیدکرد : به‌عقیده‌ٔ من غفلت یا مسامحه‌ای‌می‌شده‌درمعنی‌کردن آزادی‌های‌موجود درقانون‌اساسی ، . . . آزادی‌که در قانون‌اساسی‌ما ودرهمه‌قانون‌های‌اساسی به‌احزاب یا مطبوعات‌یا اشخاص‌داده‌می‌شود آزادی در برابر هیئت‌حاکمه است . وی‌افزود : "متاسفانه‌دیده‌می‌شود قضیه درست عکس این تلقی‌می‌شود .یعنی‌این آزادی دربرابردولت وهیئت‌حاکمه‌تصورنمی‌شود ، بلکه دولت‌وهیئت‌حاکمه‌تعیین‌کننده‌حدودآزادی‌تصور می‌شود . درقانون‌اساسی‌اینجورنیست " .وی‌گفت . "اصلا تعیین تکلیف برای مطبوعات که چه بکنید .با روح قانون اساسی و نص قانون اساسی مخالف است .می‌شود گفت فلان وفلان عمل برای مطبوعات جرم است واگر مرتکب شدند قوه‌ٔ قضائیه باید به آن جرائم رسیدگی بکند و چون چهارچوب‌اصلی‌این‌طرح در منافات کامل با این مسئله‌است ،این‌طرح‌انتظام وهماهنگی با قانون اساسی‌ندارد" .کلیات‌این‌لایحه پس از بحث نمایندگان‌وتوضیح‌وزیرارشاد به‌رای گذاشته‌شد و با ۹۲رای موافق‌تصویب شد . سپس لایحه‌ٔ تمدید مهلت تسلیم‌اظهارنامه‌وترازنامه‌سودوزیان‌شرکت‌های‌مشمول‌قانون‌حفاظت وتوسعه‌ٔ صنایع ایران‌طرح شد . درمورداین‌لایحه‌احمد کاشانی به عنوان مخالف از جمله‌گفت : اطلاعی‌که‌دارم اینست که الان تیپ‌های به‌اصطلاح لیبرال در راس صنایع مملکت‌ماهستند وبایک چنین وضعی هیچ امیدی برای بهبودآینده‌اش نیست " . انصاری موافق‌این لایحه ضمن‌اشاره به‌لزوم تحویل ترازنامه‌این شرکت‌ها ، علت‌تمدید مهلت ۶ماهه را "از هم ‌پاشیدگی صنایع " و "نابودی دفاتراصلی توسط صاحبان‌قبلی‌اش "ذکر کرد . نماینده‌دولت ضمن توضیحاتی‌بااشاره‌به‌مشکلات کنونی‌صنایع در "زمینه ارائه‌چنین‌ترازنامه‌ای واز ۶۰۰ شرکت ملی شده سخن‌گفت وخواستار تصویب چنین‌تمدیدی شد . تمدید ۶ماهه مهلت تسلیم ترازنامه شرکت‌ها به تصویب‌نمایندگان‌رسید .

لزوم طرد کامل لیبرال‌ها

در جلسه‌علنی روز ۵ مرداد ابتداچندتن ازنمایندگان درنطق‌های قبل از دستور مطالبی رابیان‌داشتند . حجت‌الاسلام محمدیزدی‌نماینده مردم‌قم در سخنان‌خود بااشاره به‌بمب‌گذاری‌ها ازجمله‌گفت : "بااینکه‌هنوز نمی‌شودگفت امید دشمنان‌انقلاب قطع شده‌است‌ولی‌به‌مقدارزیادی امید آمریکاودیگرقدرت‌هایی‌که‌چشم به‌این کشور دوخته‌اند قطع شده‌است" وی‌همچنین‌بااشاره به نتیجه‌ٔ آراء انتخابات‌گفت :

"این آراء نشان می‌دهد دشمن باتوجه‌به‌بسیج‌نیروهایش چقدر ضعیف است" انزابی نماینده مردم تبریز نیز در سخنان‌خود به‌فداکاری سپاه‌پاسداران انقلاب درکشف مراکز و توطئه‌های‌عوامل‌ضدانقلاب اشاره کرد واز مسئولان‌خواست تا "به‌کارهای رفاهی‌مردم‌توجه بیشتری‌شود تاضدانقلاب‌بهانه‌ای‌نداشته‌باشد " .

آخرین‌ناطق‌قبل‌ازدستوراین‌جلسه ،عابدین‌زاده نماینده‌مردم‌خوی‌بود که‌طی سخنانی بااشاره به فعالیت‌سازمان‌یافته ضدانقلاب ، "ساواکی‌ها و سرمایه‌داران "که‌درآغازانقلاب‌پنهان‌شده‌بودند" علت‌را "قدرت‌ترمزکننده ویاس‌آورلیبرالیسم که بعدازپیروزی‌انقلاب‌به‌صورت‌ٔ قدرت‌حاکم برجامعه انقلابی‌ایران "جلوه‌کرد ،دانست .وی از جمله گفت : "وبدینسان‌بودکه‌تیمسارمقدم قرار بود به ریاست رکن ۲ ارتش (انتخاب‌شود)وساواکی ها جلوی‌نخست‌وزیری‌اجتماع‌می‌کنندو طلبکارمی‌شوند "وی بااشاره‌به‌چنین‌جوی ووجود "برنامه‌ریزانی "مانند "امیرانتظام‌هاومیناچی ، خلق مسلمانی‌هاو . . . "تاکیدکرد "درچنین‌جوی‌ضدانقلاب‌زمینه‌ٔ رشد بسیار مناسب‌پیدامی‌کند " . وی‌تاکیدکرد "لیبرالیسم را تامرگش باید تعقیب کرد " .ناطق دربخش دیگری از سخنانش‌بااشاره به‌فعالیت "خلق‌مسلمانی‌ها "در آشوب‌های آذربایجان گفت " درجریان‌خلق‌مسلمان ، این ترکیب قدرت‌حاکم درقم که‌اعتقادشان‌به‌اوست درتقسیم‌آذربایجان‌موافقت‌می‌کنند" .وی‌آنگاه با اشاره‌به‌فعالیت‌بنی‌صدر واطرافیانش گفت :

"مائوئیست‌های‌آمریکایی ،این‌خوک‌های‌آمریکایی بررادیو تلویزیون وجاهای‌دیگرمسلط می‌شوند و بنی‌صدرصحنه‌گردان‌میدان‌می‌گردد " .ناطق در پایان‌سخنانش‌ازقوه‌قضائیه‌خواست ، "مبادا در جریان‌تعقیب بنی‌صدر‌همان‌جریان‌مدنی پیش بیاید " .وی‌همچنین‌بااشاره‌به‌جریان‌ترورهاتاکید کردکه‌هیچ‌یک‌ازلیبرال‌ها هم در این جریان‌ها کشته‌نشده‌اند " .آنگاه‌مجلس واردد‌ستورشدوطرح اراضی‌شهری‌برای‌شور دوم موردبحث و بررسی نمایندگان‌قرارگرفت‌وپیشنهادهای‌مختلف‌درمواد این‌طرح‌به‌بحث‌گذاشته‌شد . دراین‌جلسه‌همچنین اعتبارنامه‌حسینی‌نیاواخلاقی‌نیانمایندگان‌رودسر وسیرجان به‌تصویب‌مجلس‌رسید . طبق توضیح مخبرکمیسیون‌مسکن وشهرسازی در این طرح‌سعی شده‌است‌که‌اراضی‌شهری دراختیار دولت قرار گیرد " .وی‌تذکرداد " این‌طرح به سرنوشت و اقتصاد‌مملکت‌مربوط‌می‌شود " .جلسه‌بعدی مجلس روز ۶مرداد تشکیل‌شد .

حمایت از مستضعفین فرمان امام است

دراین‌جلسه‌دکترهادی‌اولین‌ناطق قبل از دستور ضمن‌شادباش به رزمندگان انقلاب به خاطر پیروزی‌های‌آنهادرجبهه‌ٔ کرخه‌کوردرباره انتخابات ۲مردادصحبت کرد وآراء مردم‌را در این‌روز "رای‌اعتماد "به جمهوری‌اسلامی‌ایران خواند .وی‌ازجمله‌گفت : . "این‌رای برای‌اینست که‌ایران به‌استقلال‌کامل‌سیاسی ،اقتصادی و فرهنگی‌برسد "دکترهادی بااشاره‌به "گرانی ، تورم وبیکاری وسایرمشکلات اقتصادی "خواستار "برنامه‌ریزی وکارجدی " درمورد مسائل اقتصادی‌کشورشدوتاکیدکرد "باتوجه‌به‌شکست‌کامل خطهای‌دیگردرمقابل خط‌امام ،فرصت این کار هست " . وی همچنین از تاکیدات مکرر امام خمینی ،رهبرانقلاب ، درزمینه‌ٔ لزوم توجه به "زاغه نشینان‌ومستمندان " سخن‌گفت وبرلزوم انجام این دستورات امام‌خمینی تاکید کرد . سپس بااشاره به روز قدس و جنایات اسرائیل در لبنان دکترهادی ،خواستار مبارزه‌ٔ همه جانبه‌با "صهیونیسم‌وامپریالیسم‌آمریکا "حامی اصلی‌آن شد . وی تاکیدکرد : . "نگذاریم کاری‌راکه برسرفلسطینیان‌آوردند‌برسرمسلمانان‌جنوب لبنان‌بیاورند " .سپس حجت الاسلام رفسنجانی‌باتبریک به رزمندگان انقلاب‌بخاطر پیروزی‌های چشمگیرشان درجبهه‌ٔ کرخه کور ، اظهار امیدواری کردکه این پیروزیها "طلیعه پیروزی‌های پی‌درپی "رزمندگان‌انقلاب‌باشد . وی‌همچنین‌بااشاره‌به‌حادثه‌ٔ سقوط هواپیمای آرژانتینی ،تبلیغات خبرگزاریهای‌امپریالیستی را درمورداین‌که گویا این‌هواپیما برای ایران ازاسرائیل اسلحه حمل می‌کرد ،کاری‌درجهت "مشوه کردن چهره‌ٔ انقلاب "ایران دانست و آن‌را به شدت محکوم کرد . وی‌همچنین‌ازموضع روشن جمهوری‌اسلامی‌ایران‌درمقابل اسرائیل سخن‌گفت ودراثبات دروغ خبرگزاریهای‌امپریالیستی به وجود بارنامه وکلیه‌مشخصات این هواپیما درنزدایران‌اشاره کرد . سپس مجلس وارد دستور شدوبحث‌پیرامون‌طرح‌اراضی شهری، ادامه یافت .

آقا محمدی نماینده‌ٔ همدان ضمن‌ارائه پیشنهادی‌در مورد یکی از مواد طرح ، اظهار امیدواری کردکه تصویب این طرح‌مقدمه‌اجرای اصل۴۹ قانون‌اساسی‌باشد .

درهمین‌جلسه‌اعتبارنامه‌ٔ شهاب‌الدین بیمقدار ازشهرستان اهر طرح شدو به تصویب نمایندگان رسید .اعتبارنامه‌ٔ محمدکاظم صبوری ازشهرستان‌شیروان نیز به تصویب نمایندگان رسید .جلسه‌ٔ علنی بعدی مجلس روز ۷ مرداد تشکیل شد .

دراین‌جلسه‌ابتدا بشارت نماینده‌سمیرم ، اولین‌ناطق قبل از دستور طی‌سخنانی از روز قدس یادکرد و بااشاره به زوال ونابودی‌قریب الوقوع حکومتهای ارتجاعی منطقه مانند "حکومت سعودی ،ملک حسن و ملک حسین " ، تاکیدکرد که اکنون "اسرائیل خود را بیش از پیش درمعرض خشم توفنده‌ٔ ملتهای مسلمان می‌یابد" وی همچنین ضمن گرامی داشت یادشهید محمدمنتظری او را "تجسم راستین‌ضد آمریکائی و ضدصهیونیستی و پیشتاز در راه‌پیمائی‌های روز قدس " دانست .ناطق در بخش دیگری‌ازسخنانش بااشاره به سقوط بنی‌صدرکه "تاکمر درلجن متعفن خودسری وسیاست‌بازی‌و دغل‌کاری فرورفته‌بود " ، از توطئه‌ٔ عوامل ضد انقلاب در به آشوب کشیدن کشور سخن گفت . همچنین ، بااشاره‌به‌تاکیدات‌صریح‌امام‌خمینی وقانون‌اساسی جمهوری‌اسلامی‌ایران‌در زمینه‌ٔ انجام‌اقدامات عمرانی در روستاهاورسیدگی به وضع روستائیان ،ازمسئولین خواست گامهای موثرتری دراین جهت بردارند . درهمین‌جلسه مجیدانصاری نماینده‌ٔ زرندکرمان در سخنان کوتاهی به حادثه‌ٔ زلزله‌ٔ کرمان وحومه‌ٔ آن که منجر به تلفات و خسارات‌فراوانی شده است اشاره کردو از مسئولین خواست هرچه سریعتر و باتمام‌امکانات به‌یاری مصدومین وخسارت دیدگان این‌حادثه بشتابند . حجت الاسلام رفسنجانی نیز ،ضمن اظهارتاسف‌ازاین‌حادثه‌ٔ تاسف‌بار ،خواستار رسیدگی جدی به وضع‌زلزله زدگان‌شد . رئیس مجلس همچنین طی سخنانی، بااشاره‌به توطئه‌هاودسایس دشمنان انقلاب خواستار وحدت تمام اقشاروبخصوص هموطنان "شیعه وسنی " شد . دراین جلسه اعتبارنامه‌ٔ فهیم‌کرمانی نماینده‌ٔ مردم‌کرمان‌طرح شد وبه علت‌اعتراض حجتی‌کرمانی‌به‌آن‌برای‌رسیدگی به‌کمیسیون تحقیق ارجاع شد . سپس بحث در مورد طرح اراضی‌شهری‌ادامه یافت .

جلسه‌ٔ علنی‌بعدی‌مجلس روز ۸مرداد ۶۰ تشکیل‌شد . .دراین‌جلسه‌ابتدا علم‌الهدی‌اولین ناطق قبل از دستور طی سخنانی با اشاره به این‌که انقلاب ایران‌تاکنون‌پس‌از ،تجربه‌ٔ دولت لیبرال‌توانسته‌است چهره‌های "امیرانتظام ها ، نزیه‌ها ، مقدم‌مراغه‌ای‌ها ،قطب زاده‌ها ، سلامتیان وبنی‌صدرها " را افشاءکند و به کنار زند ، از فراربنی‌صدر ورجوی به فرانسه سخن‌گفت و پرسید : "وقتی‌بختیارها ،نزیه ومقدم‌مراغه‌ای‌ها ازمرزبازرگان فرارکردندچطورشدبنی‌صدر در معیت رجوی از طریق هوائی آنهم با هواپیمای جنگی فرارکرد؟ آیا این سستی‌وعدم مراقبت دولت را نمی‌رساند؟ " وی اشاره‌کرد که‌این‌گونه سستی‌ها و تسامح‌ها "لطمات سنگینی‌نیز‌درزمینه ازدست دادن "شخصیت‌های‌ارزنده "به‌انقلاب ایران وارد می‌آورد " ، آنگاه دولت را مورد سئوال قرار داد وگفت : "واقعا‌باندفرودگاه را چه کسی به روی اینهاباز کرد و چراتا بحال بازداشتش نکرده‌اند؟ "وی همچنین بااشاره به "توطئه‌هفتم‌امپریالیسم‌آمریکا " در نابودی انقلاب که‌اکنون‌بصورت ترور وکشتارنمایندگان مجلس‌وشخصیت های ارزنده تجلی پیدا کرده است ،گفت : "آمریکا ودشمنان‌داخلی‌وخارجی جمهوری‌اسلامی باوجودشکستهای پی‌درپی از انقلاب ایران هنوز سرکوب نشده‌است ، درست است که باشکستهای اخیرمواضع سیاسی‌مهمی‌را که انقلاب اسلامی‌ایران راتهدیدجدی می‌کرد ازدست داد ،ولی‌تصور اینکه ریشه‌هایش‌درسرتاپای‌دستگاههای قانون‌گذاری ، وقضائی واجرائی ودرنهادهای‌گوناگون‌انقلاب خشکیده‌باشد به کلی‌دور از واقعیت است . مهمترآن‌که‌پایگاه‌عمده اقتصادی این جبهه‌ٔ براندازی ،یعنی‌بزرگ‌مالکی وسرمایه‌داران‌غارتگر وابسته به‌آمریکا همچنان باقی‌است و اینهاهنوز بخش مهمی‌از عمده‌ترین شریانهای‌اقتصادی کشور را در دست دارند " . ناطق‌گفت : "مستضعفین شهری ودهاتی ، پس از گذشت دوسال‌ونیم ازانقلاب ،هنوزلذت‌برابری و برادری رانچشیده‌اند " .

سپس حجت الاسلام‌خلخالی نماینده‌ٔ مردم قم طی سخنانی بااشاره به فراربنی‌صدرو رجوی به فرانسه ،آنرا ،مرتبط با انتخابات ۲ مرداد دانست وگفت : "این‌انتخابات مشت محکمی به دهان ایالات‌متحده‌آمریکاوسردمداران‌فسادمنجمله بنی‌صدربود" . وی خطاب‌به دولت‌فرانسه‌بخاطرپناهندگی‌دادن‌به این‌افراد تاکیدکرد : "ملت‌ایران‌ازاین‌هانخواهدگذشت" .

وی‌بااشاره به‌اینکه‌درکشورفرانسهٔ "نزیه و مراغه‌ای ومدنی ،امینی ،بنی‌صدر و رجوی‌علیه ماتوطئه‌می‌کنند ،ازمقامات مسئول خواستار رسیدگی به وضع سفارت فرانسه درایران شد . وی ضمن‌انتقاد شدید از دولت در مورد فرار بنی‌صدر ،آن‌هم از فرودگاه پایگاه یکم شکاری و باهواپیمای جنگی گفت : " این‌همه مسامحه کاری رامردم نمی‌توانند از شما قبول کنند . وی‌افزود : " نباید مسامحه کرد و نبایدفکرکرداین‌آخرین‌دسیسه‌ٔ آنهاست " . ناطق گفت : "وقتی نیروی هوائی شما دراختیار شما نباشد ،پایگاه یکم شکاری شمادردستتان نباشد ، جنگنده‌هایتان دراختیارتان‌نباشد ،باچه‌میزانی می‌خواهیداین‌مملکت رااداره کنید؟ دیروز یکی فرارکرد رفت به مصر ، شماعبرت نگرفتید ،آقای بنی‌صدر رفت ، باز عبرت نگرفتید" وی ضمن تقدیر از رزمندگان صادق و جانبازنیروی‌هوائی

بقیه درصفحه ۴

رژیم ضیاءالحق به ژاندارم امپریالیسم آمریکا در منطقه تبدیل می شود

در ماه ژوئن سال جاری (اواخر خرداد ۱۳۶۰) یک هیئت نمایندگی بلندپایهٔ دولت آمریکا به ریاست بکلی معاون وزیر امور خارجهٔ ایالات متحدهٔ آمریکا به پاکستان مسافرت کرد. دیدار این هیئت از پاکستان به دنبال مسافرت ماه آوریل (اردیبهشت) سال جاری آقاشاهی وزیر امور خارجه پاکستان به واشنگتن بود. در جریان مسافرت آقاشاهی به آمریکا مذاکراتی در مورد همکاری های نظامی وگسترش کمکهای نظامی وتسلیحاتی آمریکا به پاکستان انجام گرفت. در مسافرت بکلی به پاکستان این مذاکرات با مقامات پاکستانی ادامه یافت. از جمله مسائل مربوط به تجدید نظر در پیمان نظامی دوجانبهٔ سال ۱۹۵۹ آمریکا و پاکستان، جوانب مختلف کمکهای نظامی و تسلیحاتی از محل اعتبارات ۲/۵ میلیارد دلاری که آمریکا برای این منظور در اختیار پاکستان گذارده و دیگر مسائل سیاسی و نظامی مطرح و مورد مذاکره قرار گرفت. در آستانه مسافرت هیئت نمایندگی دولت آمریکا کمک نظامی به پاکستان علیرغم نقض پیمان بین المللی پاکستان، کمیسیون خارجی سنای آمریکا پیشنهاد کمک نظامی به پاکستان را تصویب نمود و بدین ترتیب تصمیم قبلی دولت آمریکا مبنی بر منع کمک نظامی به پاکستان به علت نقض پیمان بین المللی در مورد تحریم کوشش برای دستیابی به سلاح اتمی لغو گردید.

اکنون در پاکستان ساختمان کارخانهٔ غلیظ اورانیوم که محصول آن می تواند برای تهیه سلاحهای اتمی بکار برده شود در شرف اتمام است. بنا بر گزارش خبرگزاریها دولت پاکستان به زودی نخستین انفجار اتمی خود را آزمایش خواهد کرد. در همین رابطه دولت چین اعلام کرده است که پاکستان برای آزمایش سلاح اتمی خود می تواند از میدانهای آزمایش سلاح هسته‌ای چین استفاده کند. این خود از همکاری های نزدیک نظامی چین و پاکستان و شرکت فعال کارشناسان چینی در ساختمان کارخانهٔ غلیظ اورانیوم و دیگر آزمایشگاهها و تاسیسات اتمی پاکستان است.

ریگان رئیس جمهور آمریکا در یک مصاحبه مطبوعاتی که در ماه ژوئن انجام گرفت در زمینهٔ روابط آمریکا و پاکستان اظهار داشت که با توجه به رویدادهای افغانستان، پاکستان موقعیت استراتژیکی بسیار مهمی دارد. در این مصاحبه ریگان تاکید نمود که دولت آمریکا معادل سه میلیارد دلار کمکهای نظامی و تسلیحاتی در اختیار پاکستان خواهد گذارد. چندی پیش مطبوعات و رسانه‌های گروهی جهان دربارهٔ انعقاد پیمان "دفاعی" جدید میان آمریکا و پاکستان اخباری منتشر کردند.

جک اندرسون، مفسر روزنامهٔ "واشنگتن پست" در تفسیری پیرامون روابط آمریکا و پاکستان نوشت که دولت ریگان مسئلهٔ مربوط به انعقاد پیمان "دفاعی" جدید با پاکستان را مورد بررسی قرار می دهد. در این تفسیر این مطلب تاکید شده است که رژیم ضیاءالحق از نظر واشنگتن مناسب ترین رژیم نظامی برای پاسداری وحراست منافع آمریکا در منطقهٔ خلیج فارس است و به همین علت آمریکا سعی دارد که با انعقاد پیمان "دفاعی" جدید با پاکستان موقعیت رژیم ضیاءالحق را تثبیت کند.

سیاست نظامیگری ونقشه‌های نظامی - استراتژیکی امپریالیسم آمریکا در این منطقه پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران واستقرار نظام جمهوری اسلامی در میهن ما و نیز پس از عقیم ماندن توطئه‌های آمریکا، چین و پاکستان برای سرکوبی رژیم دموکراتیک در افغانستان همچنان با مقیاس وسیعتری دنبال میشود. هدف اصلی این سیاست قبل از هر چیز تلاش در براندازی انقلاب ونظام جمهوری اسلامی در ایران وتشدید تجاوز ومداخلهٔ نظامی علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان است. پیروزی انقلاب واستقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران و پیروزی انقلاب دمکراتیک وتثبیت رژیم دموکراتیک در افغانستان دو رویداد تاریخی مهمی هستند که موجب تحولات ژرفی به نفع نیروهای رهائی بخش واستقلال طلب در سراسر این منطقه گردید ومواضع سیاسی ونظامی واقتصادی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را به نحوی بی سابقه وبازگشت ناپذیر متزلزل وتضعیف نمود.

تلاشهای امپریالیسم آمریکا برای گسترش حضور نظامی خود در این منطقه، کمکهای نظامی و تسلیحاتی آن به رژیمهای ضدخلقی ووابسته وتبدیل سرزمین آنان به پایگاه نظامی و سرپل تجاوز علیه خلقهای منطقه، تلاشهای عبثی است برای جبران مواضع از دست رفته وکوشش در جهت تهدید، تضعیف ودر صورت امکان براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و رژیم دمکراتیک در افغانستان.

امپریالیسم آمریکا تلاش دارد که در نقاط استراتژیکی منطقهٔ خلیج فارس وخاور نزدیک ومیانه پایگاههای نظامی وسیاسی برای خود ایجاد کند، با کشورهای عربی عضو جبهه پایداری، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دمکراتیک افغانستان را در محاصرهٔ نظامی خود قرار دهد وبا همکاری رژیمهای وابسته خود به توطئه‌های سیاسی ومداخله وتحریکات نظامی علیه رژیمهای مستقل ملی وترقیخواه در این منطقه ادامه دهد وبا تضعیف این کشورها وبراندازی نظامهای مستقل ملی وضد امپریالیستی و جلوگیری از گسترش وتعمیق جنبشهای انقلابی ورهائی بخش خلقهای منطقه، تناسب نیروها را در خاور نزدیک، خلیج فارس واقیانوس هند به سود خود دگرگون سازد.

پاکستان بعلت موقعیت جغرافیائی و ماهیت ضدخلقی رژیم آن در نقشه‌ها وطرح‌های نظامی آمریکا مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. از سوی دیگر، طی سالهای اخیر پس از پیروزی انقلاب‌های ایران وافغانستان و تحت تاثیر انقلابی این دو رویداد، ونیز در نتیجه جو اختناق پلیسی حاکم بر پاکستان، جنبش اعتراض ومقاومت دربرابر رژیم دیکتاتوری ضیاءالحق به اوج بی سابقه‌ای رسیده وتوده‌های عظیم زحمتکشان واقشار مختلف اهالی کشور را فراگرفته است. حکومت ژنرال ضیاءالحق در راه زوال حتمی به سوی همان سرنوشت رژیم محمد رضای معدوم روان است. این رژیم ضدخلقی برای نجات خود آمادهٔ هرگونه خیانت به منافع ملی واستقلال کشور وارتکاب جنایت در حق مردم پاکستان برای خدمت به اربابان امپریالیستی خویش است.

روزنامهٔ آمریکائی "لوس آنجلس تایمز" به این پرسش که چه انگیزه‌ای ایالات متحدهٔ آمریکا وچین را وادار ساخته که با این مقیاس گسترده به تقویت نیروی نظامی پاکستان اقدام کنند و این کشور را به پایگاه نظامی وسرپل تجاوز و کانون عملیات ماجراجویانه خود تبدیل سازند چنین پاسخ می دهد: . "پاکستان برحسب ماهیت دیکتاتوری حکومت وموقعیت جغرافیائی و استراتژیکی آن مناسب ترین کشور در این منطقه است که آماده و قادر است نقش مجری فعال سیاست آمریکا در این منطقه را ایفاء کند".

رومش چاندرا رئیس شورای جهانی صلح درمورد روابط آمریکا و پاکستان به این مطلب اشاره کرده است که آمریکا پاکستان را به پایگاه نظامی جدید در منطقه تبدیل کرده وضیاءالحق دیکتاتور پاکستان بجای شاه معدوم ایران نقش ژاندارم آمریکا در این منطقه را بعهده گرفته است.

روزنامهٔ "تایمز اف ایندیا" دربارهٔ روابط آمریکا و پاکستان نوشت که آمریکا می خواهد نقش ژاندارم منطقه را که درگذشته رژیم سرنگون شدهٔ شاه معدوم ایران به عهده داشت به ضیاءالحق دیکتاتور نظامی دست نشانده خود در پاکستان واگذار کند.

قراردادهای نظامی و تسلیحاتی که طی دو سال اخیر، رژیم دیکتاتوری نظامی ضیاءالحق منعقد ساخته بخوبی نشان می دهد که جریان تبدیل پاکستان به پایگاه تجاوز وتوطئه‌های نظامی از کانالهای گوناگون یعنی هم مستقیما از جانب آمریکا و هم از جانب کشورهای عضو پیمان "ناتو" چین و رژیمهای ضدخلقی و وابسته به آمریکا در منطقه انجام می گیرد.

چندی پیش صندوق بین المللی پول که زیر نفوذ وکنترل آمریکا و دیگر دول امپریالیستی عضو پیمان "ناتو" قرار دارد، موافقت خود را با واگذاری وامی به مبلغ یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار به پاکستان اعلام کرد. ناظران سیاسی بر این عقیده‌اند که وام صندوق بین المللی پول، به منظور تامین هزینه‌های نظامی سنگین که پاکستان صرف خرید اسلحه و تجهیزات نظامی می کند به رژیم ضیاءالحق داده شده است.

از سوی دیگر عربستان سعودی ومصر نیز با رژیم ضیاءالحق قراردادهای نظامی منعقد کرده‌اند واعتبارات نظامی وکمکهای تسلیحاتی در اختیار این رژیم می گذارند. واحدهائی از ارتش پاکستان در مقابل کمکهای نظامی و تسلیحاتی بلاعوض عربستان سعودی برای تقویت نیروی نظامی آن کشور و شرکت در ساختمان تاسیسات نظامی آن به آنجا اعزام شده‌اند. همچنین بخش اعظم هزینه‌های نظامی وسایر هزینه‌های اردوگاههای ضد انقلابیون افغانی در خاک پاکستان به وسیلهٔ عربستان سعودی، مصر ودیگر رژیمهای ضدخلقی ووابسته به آمریکا در منطقه تامین می شود.

افزون براین همه، ژنرال ضیاءالحق در اجرای سیاستهای توطئه‌گرانه وسرهم بندی بلوکهای نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه نقش فعالی دارد. چندی پیش ضیاءالحق به کشورهای حوزهٔ خلیج فارس و ترکیه مسافرت کرد. وی درجریان این مسافرت طرح تشکیل پیمان نظامی در منطقه را که از جانب وزارت دفاع آمریکا تهیه شده است با سران این کشورها در میان گذاشت. طبق این طرح تلاش می شود که یک پیمان نظامی باشرکت عربستان سعودی، سومالی ودیگر رژیمهای وابسته به آمریکا در منطقه تشکیل شود که پاکستان در آن نقش ویژه‌ای خواهد داشت.

به موازات امپریالیسم آمریکا وکمک های نظامی وتسلیحاتی آن به پاکستان، رهبری مائوئیستی چین نیز در تبدیل پاکستان به پایگاه نظامی و سرپل تجاوز در این منطقه نقش مهمی را بعهده گرفته است.

طبق گزارش خبرگزاری "پرس تراست آو ایندیا" در ماههای اخیر دیدوبازدیدهای هیئت‌های نظامی چین وپاکستان گسترش یافته است. چندی پیش یک هیئت نظامی پاکستان از چین دیدن کرد و یک هیئت نظامی چینی به ریاست کفیل فرماندهی نیروی دریائی چین به پاکستان مسافرت نمود. درجریان این دیدارها ومذاکرات مسئلهٔ ایجاد پایگاه دریائی چین در بندر کراچی بررسی شد وخبرگزاری‌های هند از انعقاد یک قرارداد نظامی محرمانه میان رژیم ضیاءالحق و رهبری چین خبر دادند که ایجاد پایگاه نظامی دریائی چین وپاکستان از جمله مواد این قرارداد است. درگزارش همین خبرگزاریها گفته می شود که تجهیزات نظامی ووسایل فنی این پایگاه را دولت آمریکا تامین خواهد کرد.

بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا ورهبری چین در تبدیل پاکستان به پایگاه نظامی تجاوز وتوطئه علیه کشورهای مستقل ملی این منطقه و قبل از همه علیه جمهوری اسلامی ایران وجمهوری دمکراتیک افغانستان همه جانبه همکاری دارند. واشنگتن تلاش دارد که پاکستان را به پایگاه نظامی و رژیم ضیاءالحق را به ژاندارم منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان وکشورهای عضو جبههٔ پایداری تبدیل کند و رهبری پکن سعی دارد از پاکستان بمثابه متحد نظامی و پایگاه تجاوز برضد هند ونیز به عنوان همدستی در اجرای نقشه‌های توسعه طلبانه خویش در جنوب شرقی آسیا استفاده کند. با این وصف، هدف‌ها ومحتوای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با پاکستان با اهداف ومحتوای سیاست خارجی رژیم ضیاءالحق درهیچ زمینه‌ای نمی تواند وجه مشترک و هم سوئی داشته باشد. بندو بست سیاسی - نظامی پاکستان با امپریالیسم آمریکا و رهبری چین منافع همه خلقها وکشورهای مستقل ملی این منطقه را مورد تهدید جدی قرار می دهد از این رو طبیعی است که همهٔ کشورهای مستقل ملی این منطقه ومقدم برهمه جمهوری اسلامی ایران، جمهوری دمکراتیک افغانستان و کشورهای عضو جبههٔ پایداری عرب، با گسترش همکاری همه جانبه خویش برای تشکیل جبههٔ متحد ضد امپریالیستی، دربرابر این خطر تدابیر مشخص وجدی اتخاذ کنند.

مجلس در ...

بقیه از صفحه ۳

خواستار تصفیهٔ نیروی هوائی از عوامل ضد انقلاب شد و تاکید کرد که پرسنل انقلابی نیروی هوائی در این کار پشتوانه ویاری دهنده خواهند بود.

آنگاه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ریاست مجلس شورای اسلامی طی سخنانی بپاس گرامیداشت خاطرهٔ شهید حجت الاسلام محمد رضا کامیاب نمایندهٔ مردم مشهد وبه گرامیداشت خاطرهٔ شهادت سرگرد شهرام فر از مسئولان خواست به وضع زلزله زدگان کرمان رسیدگی جدی کنند. حجت الاسلام رفسنجانی، سپس به ماجرای فرار بنی صدر ورجوی به فرانسه پرداخت وبطور مشروح در این مورد سخن گفت. رئیس مجلس شورای اسلامی از جمله گفت: "**فرار آن چنانی بنی صدر و قبلش فرار بوئینگ دیگری به مصر کاملا نشان می دهد که محیط نیروی هوائی آلوده است. البته این آلودگی چیزی نیست که از چشم ماها دور بوده و یا ملت ایران نمی دانسته و یا مجلس نمی دانسته، بارها در این مجلس این حرف زده شده. شخص آقای بنی صدر در این آلودگی سهم عظیمی دارد. همین سرهنگ معزی که حکم اخراجش از سوی دادگاه انقلاب موجود است را آقای بنی صدر نگاهداشته است. امثال سرهنگ معزی فراوانند، اینها را حساب شده مهره چینی کرده‌اند. برای روز معینی و کار معینی این مطلبی بود که بارها تذکر داده‌ایم و دنبالش بوده‌ایم ولی شرایط جنگ وشرایط خاص وفرماندهی ایشان ومسائل دیگری مانع اجرای خواست ما و تصمیم ما بود**" حجت الاسلام رفسنجانی افزود: "**درخود نیروی هوائی اکنون این جو بوجود آمده... که محیط نیروی هوائی از این به بعد سالم بشود**".

وی گفت: "**زمینه مساعد است ومن به همهٔ خلبانان محترم وهمافران ومسئولان دیگر اعلام می کنم که الان ملت وامام ومجلس از شما انتظار دارند که همکاری کنید تا محیط زندگی و کار شما هماهنگ با انقلاب باشد**".

رئیس مجلس آنگاه با اشاره به "**شروع کار**" و "**تصمیمات قاطعی که اخذ شده وخدمت امام نیز عرض شد**"، گفت: .

"**الان کنترل کامل درسطح فرماندهی و پایگاههای نیروی هوائی وکنترل فرودگاهها و باندهای نظامی برقرار شده که امیدواریم در جهت خیر این ملت این راه پیش برود**".

وی آنگاه درخطاب به دولت فرانسه که خود را "**مهد آزادی**" می داند، کار دولت فرانسه دراعطای پناهندگی به این افراد را "**پناهندگی دادن به تروریستها**" دانست و تایید کرد: "**ملت ایران از شما نخواهد گذشت**". رئیس مجلس آنگاه به این نکته اشاره کرد که فرار بنی صدر و رجوی باعث بسیاری سئوال در اذهان جوانان ایران شده است. وی گفت: "**آن جوانانی که اسلحه درخانه‌هایشان جاسازی کرده بودند، الان سئوال می کنند این اسلحه را به فرمان کی بکار ببرند، وکسی که با توطئه مشترک آمریکا، ترکیه، فرانسه وحتما اسرائیل وضد انقلاب داخلی اینجور حرکت می کند، برای او می شود آدم کشت؟ این سئوال درمغز جوانها نمی آید؟ اگرنیاید خیلی باید بی شعور باشند، واگر سئوال بیاید، برای این جواب لازم است**". وی با تاکید براین که: . "**برای ملت ما بنی صدر با امثال رضا پهلوی تفاوتی ندارد**". درمورد انتخاب قبلی وی به ریاست جمهوری گفت: . "**مردم دیگر اشتباه گذشته را تکرار نمی کنند. مردم اشتباه کردند و اشتباهشان را خیلی زود جبران کردند**"

رئیس مجلس تاکید کرد: "**برای مردم انقلابی ما مسئلهٔ انتقام گیری مطرح نیست مسئله، مسئلهٔ یک انقلاب است و یک جریانی که این فرار توانست همه چیز آن را روشن کند، ترس، بی عرضگی، دروغگوئی، شعار بی محتوی و ادعای مقاومت تا آخرین لحظه را و...**"

رئیس مجلس آنگاه با اشاره براین که با "**این فرار خیلی ماجراها روشن شد**" تاکید کرد که: .

"**این فرار بنی صدر و رجوی**" **به اندازهٔ هزار مقاله وکتاب روشن کننده جریانها بود**".

وی درپایان با تاکید براین که: "**هرمسئولی که دراین جریان کوتاهی و تسامح کرد، باید به جزای خودش برسد**".

ونیز گفت: "**درمجموع این عمل به نفع انقلاب بود**".

درحاشیه

مرز بازرگان

درجلسهٔ علنی روز ۸ مرداد مجلس شورای اسلامی هنگامی که علم الهدی ناطق قبل از دستور به فرار امثال نزیه ومقدم مراغه‌ای و بختیار از "مرز بازرگان" اشاره کرد، مهندس مهدی بازرگان اعتراض وبا خندهٔ اعلم الهدی که می گفت: "منظورم شما نبودید". مواجه شد.

اشتباه بزرگ

حجت الاسلام رفسنجانی پس از پایان سخنان قبل از دستور حجت الاسلام خلخالی، درجلسه روز ۸ مرداد مجلس، از اقدام وی در دادن حکم آزادی به ۵۰ افسر کودتاچی در دزفول سخن گفت و آن را "اشتباه بزرگ" وی دانست.

تفسیر وقایع مهم جهان

راهپیمایی بین المللی صلح

جهان روزهای تب‌آلودی رامیگذراند . نبرد بین نیروهای امپریالیسم محتضر و توده‌های مردمی که‌تشنه عدالت ،صلح‌وآزادی‌هستند درهرجا به‌شکلی نمایان میگردد .اما شکل هر چه باشد ،محتوای‌آن یکی‌است : جهان‌دیگر تاب نظام‌فرتوت سرمایه‌داری راندارد ودیگر نمی‌خواهد ونمی‌تواند به‌عوارض‌اقتصادی ،اجتماعی سیاسی وفرهنگی این‌نظام محکوم به مرگ تن دردهد . در اروپای غربی بیکاری ،تورم ، مسابقه تسلیحاتی ،خطر جنگ و درآسیا وآفریقا و آمریکای‌لاتین‌فقر ،گرسنگی ، بیماری و هزاران مصیبت‌دیگرتوده‌های میلیونی رابه مبارزه در راه‌نظامی بهتربرانگیخته‌است .

ایستادگی خلق‌های اروپای غربی در برابر سیاست‌امپریالیستی احیای‌جنگ‌سردشدتی بی‌سابقه‌بخودگرفته‌است . موج‌تازه‌مسابقه‌تسلیحاتی که‌صدهامیلیارد دلار را درکام خودفرومیبرد و سودسرسام‌آوری‌به‌انحصارات اسلحه‌سازی‌میدهد باسدی‌ازمقاومت‌توده‌های‌مردم اروپای‌غربی روبه‌روشده‌است . نیرباک "خطرشوروی" دیگر نمی‌تواندخلق‌های اروپای غربی‌را تخدیر کند ، به ویژه آنکه نسل جدید در دوران پیروزی‌سیاست تشنج‌زدائی به‌عرصه‌رسیده‌است و برای تبلیغات زهرآلودامپریالیستی گوش‌شنوا ندارد . میلیونها جوان در اروپای‌غربی بیکارند و حکومت‌های کشورشان بجای‌کاربه‌آنان وعده‌ٔ مرگ اتمی می‌دهند . استقرارقریب ۶۰۰ موشک‌امریکائی درخاک اروپای غربی به‌بهانه روباروئی با برتری‌نظامی شوروی با اعتراض عمومی خلق‌های‌اروپای‌غربی وبخصوص‌جوانان روبروشده‌است راهپیمایی بین‌المللی صلح ،که در ۳۱ خرداد از کپنهاک آغازشد و در هفته‌آینده (ششم اوت‌روزبمباران‌هیروشیما) درپاریس‌پایان خواهدگرفت ،یکی از مهم‌ترین تظاهراتی‌است که‌جوانان کشورهای‌اروپای غربی به‌عنوان اعتراض نسبت‌به‌استقرار موشک های آمریکائی‌در اروپای‌غربی برپاکرده‌اند .جوانان‌و حتی برخی ازمیان‌سالان وسالخوردگان ، گاهی دست در دست فرزندان‌وهمسران‌خود ،درمسیر ۷۰۰ کیلومتری‌این راه‌پیمائی ،ازجاده‌های آلمان غربی ،دانمارک ،هلند ،بلژیک‌وفرانسه‌گذشتندو درهریک از این‌کشورهادر برابر مقر سازمان‌های نظامی (ازجمله‌در برابر ستاد ناتو در بلژیک) میتینگ‌های پرعظمتی تشکیل‌دادند .رسانه‌های گروهی‌غرب که درانحصارسرمایه‌داران بزرگ و طراحان‌مسابقهٔ تسلیحاتی‌هستند و حتی خبر همجنس‌بازی فلان‌سناتور آمریکایی و یا لرد انگلیسی رابا آب وتاب منتشرمیکنند ، درباره این‌حادثه‌مهم ،که‌صدهاهزارنفر در آن شرکت دارند ،مهرسکوت‌بر لب‌زدند .

جالب‌است‌که زنان ،این‌آفرینندگان‌حیات مبتکراین‌راه‌پیمائی‌بودند و درتمام طول‌مسیرنیز شرکت‌آنان‌در راه‌پیمایی چشمگیراست .گروهی‌از رجال‌وشخصیت‌های‌برجسته‌سیاسی ،سندیکایی ، مذهبی‌نیز دراین‌راه‌پیمایی شرکت کرده‌اند ، عده‌ای‌ازنمایندگان‌پارلمان‌اروپای غربی ، از احزاب‌کمونیست ، سوسیالیست‌وسوسیال‌دمکرات نامه سرگشاده‌ای‌درتائیدراه‌پیمائی‌صلح منتشر کرده‌اند .

راه‌پیمائی‌بین‌المللی‌صلح‌تنهایکی‌ازاشکال اعتراض‌جوانان‌کشورهای اروپای غربی علیه سیاست جنگ‌افروزانه‌وتشنج‌فزایی امپریالیسم است . مبارزهٔ جوانان با این سیاست به اشکال دیگراز جمله‌امضای طومارهای چندین‌هزارنفری ، تظاهرات‌محلی وغیره‌ادامه‌دارد .

مبارزه‌در راه صلح جزئی از مبارزه‌وسیع‌تری است‌که‌زحمتکشان‌اروپای‌غربی علیه‌مجموعهٔ نظام سرمایه‌داری انجام می‌دهند . اما سرمایه‌داران‌حاضرنیستند مواضع‌خودرابسادگی ازدست‌داده صحنه راترک‌کنند .هر قدر فشار توده‌های مردم برای ریشه‌کن‌کردن‌این نظام منحط بیشترمیشود ،مقاومت سرمایه‌داران نیز سرسخت‌تر وخونین‌ترمیشود .امپریالیست ها حاضرند دنیا رابه‌خاک و خون بکشانند ، اما کیسه‌های پول خود راازدست‌ندهند .واشنگتن ستاد امپریالیسم جهانی ،برای‌حفظ موجودیت این‌نظام ستمگر طرح‌میریزد .

دکترین ریگان

روسای جمهور آمریکا هریک دکترینی با خودمیآورند وهمهٔ این "دکترین"ها یکی پس‌از دیگری باشکست مفتضحانه‌روبرومیشود . دکترین آیزنهاور ،دکترین‌جانسون ، دکترین‌نیکسون ، دکترین‌کارتر و بالاخره دکترین ریگان همه در یک‌جمله‌خلاصه‌میشود :استفاده از زور برای تحمیل سلطه‌امپریالیسم‌آمریکابرجهان .

شکست‌ها نیز درسی به امپریایست های آمریکایی‌نمی‌دهدونمیتواندبدهد ،زیراسیاست زورگوئی‌ازخصلت‌امپریالیسم سرچشمه‌میگیرد . البته‌امپریالیسم تاآن‌حدمیتواند زوربگوید که زورش‌میرسد . اما اغلب طراحان‌سیاست‌های امپریالیستی میزان زورخودرابدرستی تشخیص نمی‌دهند و به‌همین دلیل‌هم‌پی‌درپی‌باشکست مواجه‌میشوند . به‌هرحال ،ریگان‌هم دکترین‌خود رابه‌میان‌آورده‌است . این‌دکترین برپایهٔ تهیهٔ مقدمات دوجنگ ،یکی دراروپا ودیگری‌درخاور میانه‌وخلیج‌فارس‌پی‌ریزی‌شده‌است . استقرار موشک‌های‌آمریکایی در خاک‌اروپای‌غربی‌وایجاد یکفرماندهی‌مستقل در خاور میانه وخلیج فارس، به عنوان مهم ترین عناصر این‌دکترین‌درنظرگرفته‌شده‌است . درهردومورد بهانه‌روباروئی باقدرت روزافزون‌نظامی‌شوروی است ،که‌گویاطی بیست‌سال‌اخیر به سرعت افزایش یافته‌وتوازن قوارا درهردومنطقه بر هم‌زده‌است . اما‌اگر از جنبه‌های صرفا اقتصادی دکترین ریگان ،که‌افزایش تولیدات جنگی‌رابه سودانحصارات‌اسلحه‌سازی یگانه‌راه خروج از بحران‌همه‌گیر سیستم سرمایه‌داری میداند ، صرف‌نظرکنیم وبه‌جنبه‌های‌اجتماعی و سیاسی این‌دکترین توجه‌کنیم ،می‌بینیم‌که هدف‌ازاین طرح‌های نظامی‌قبل از هر چیز تهیه مقدمات لازم‌برای سرکوب جنبش‌های‌کارگری در اروپای غربی وجنبش‌های‌آزادیبخش ملی در منطقهٔ خاورمیانه‌وخلیج‌فارس‌است ،منطقه‌ای که‌آبستن انفجارهای‌انقلابی‌است ،که میتواند شاهرگ حیاتی‌امپریالیسم راقطع‌کند و مرگ ناگزیر آن راتسریع‌کند .

فرماندهی‌جدیدآمریکا در منطقهٔ خاور‌میانه‌وخلیج‌فارس برپایه نیروهای‌واکنش‌سریع تشکیل‌شده‌است . حدودجغرافیائی‌این‌فرماندهی جدیدازیکسو پاکستان وازسوی دیگر مصر را دربرمیگیرد .فرماندهی‌جدیددارای نیروهای هوائی ،دریائی ،زمینی وموشکی مخصوص به خودخواهدبود . بخشی‌ازاین‌نیروهای‌زمینی در خودآمریکاوبخشی دیگر درمنطقه در پایگاه‌های آمریکائی‌مستقرمیشوند . ستاد فرماندهی دریکی‌ازکشورهای "دوست "فعالیت‌خواهدکرد . شمار‌این‌نیروها‌به ۳۲۵ هزار (حتی به‌گفته‌برخی‌از محافل‌پنتاگون ،که‌درمطبوعات امریکا انعکاس یافته‌است‌به ۶۰۰ هزارنفر) افزایش‌خواهدیافت . ترکیب‌این‌نیروهاو تجهیزات‌و سلاح‌های آنها طوری انتخاب‌شده‌است که‌باتجربه‌گیری از انقلاب ایران‌بتوانندجنبش‌های توده‌ای را به سرعت سرکوب‌کنند . علاوه‌بر تانک‌وهواپیما و غیره‌توجه‌خاصی‌به‌هلیکوپتر و زره‌پوش‌های چرخدار وبه‌ویژه سلاح‌های شیمیائی مبذول شده‌است . استفاده‌ازسلاح‌های‌شیمیائی‌میتواند دهها‌هزارنفری راکه‌مجهز به وسایل دفاعی مخصوص‌نیستند ،در ظرف چنددقیقه و حتی چند ثانیه ،بکلی از میدان بیرون کند .

بین‌فرماندهی جدید آمریکا در منطقهٔ خاورمیانه وخلیج‌فارس وکشورهای "دوست " در منطقه ،بویژه‌اسرائیل ، مصر ،پاکستان‌وعربستان سعودی‌همکاری‌نزدیک‌سیاسی ـ نظامی بر قرار خواهدشد . اسرائیل‌همچنان‌نقش متحد اصلی امپریالیسم‌آمریکا را درمنطقه به‌عهده خواهد داشت . امپریالیست‌های‌آمریکائی از این متفق وفادار خودبرای اعمال فشار برکشورهای عرب عضوجبهه‌پایداری ،تفرقه‌افکنی‌بین خلق‌های منطقه ودامن‌زدن به‌بحران‌های‌مصنوعی برای تبرئه‌حضورنظامی‌خود واستقرارنیروهای‌تازه‌در منطقه‌استفاده‌میکنند .

اسرائیل سگ زنجیری امپریالیسم درمنطقه

حملات‌وحشیانه‌اسرائیل به‌مردم بی‌دفاع لبنان‌وپناهندگان‌فلسطینی ،بیش‌ازآنکه‌هدف‌نظامی داشته‌باشد ،دارای‌هدف‌های‌سیاسی‌است هدف‌هائی‌که‌درارتباط نزدیک با امپریالیسم آمریکاتعیین‌واجرامیگردد . اگربتوان برای روبهان صهیونیست‌هنری قائل‌شد ،هنرتفرقه‌افکنی درمیان‌دشمنان‌خویش‌است . صهیونیست‌های‌اسرائیلی‌توانسته‌اندبااستفاده‌از تمام‌نقاط ضعف‌فردی واجتماعی دشمنان‌خوداز تشکیل جبههٔ واحدآنان برضدخود جلوگیری‌کنند . در تل‌آویو انستیتوی‌مخصوصی‌وجود دارد که‌درآن به‌اصطلاح‌بزرگترین "مغزهای‌متفکر "اسرائیل گردآمده‌اندوبرای‌مسائل سیاست جهانی امپریالیسم طرح‌میدهند . اینکه‌باید در صفوف دشمنان‌تفرقه‌افکند وازاین تفرقه استفاده‌کرد ، اصل‌مسلمی‌است‌که‌ازهزاران‌سال پیش برطبقات حاکمه غارتگرو ستمگر روشن‌بوده‌است . اماآنچه "این‌مغزهای‌متفکر " می‌یابند شیوه‌های موثر این تفرقه‌افکنی‌براساس‌اطلاعات‌وسیع از وضع‌جامعه وتمایلات‌فردی واجتماعی در کشورهاست . سیاست‌تفرقه‌افکنی‌آنان‌به‌ویژه‌به‌دلیل وجود رهبرانی خائن وخودپرست ،مانند سادات ، صدام وغیره درکشورهای عرب ثمربخش‌تربوده است ،یعنی بگین‌ها ،سادات‌ها وصدامها از دو سو به‌هدف‌واحدمیرسند . اسرائیل برسر لبنان و پناهندگان فلسطینی بمب میریزد ، تااختلاف بین‌فلسطینی‌هاولبنانی‌ها ، سوری‌هاولبنانی‌ها ، سعودیهاوسوریها ، مسیحیان‌راستگرا و نیروهای چپ‌فلسطینی‌وغیره‌راتشدیدکندوآنها رابه‌جان یکدیگربیندازد و درضمن دست‌وبال‌آمریکائی‌ها رابرای‌توسعه‌حضورنظامی‌خود درمنطقه‌بازتر کند . سادات‌ونمیری گناه‌بحران‌لبنان رابه‌گردن سوریها می‌افکندوازسوریه‌میخواهند که‌موشک‌های‌دفاعی‌خودرا ازلبنان خارج کند و به فلسطینی‌ها‌پیشنهاد میکنندکه‌باآسرائیل‌مستقیما واردمذاکره‌شود . عربستان‌سعودی سیاست‌دورویانه‌ومزورانهٔ خودراکه‌در گفتاراز " مجازات اقتصادی‌آمریکادم میزند و در کردار کوچکترین گامی درجهت‌اعمال فشار براسرائیل‌ومتحدانش برنمی‌دارد ،ادامه‌میدهد .

اگر حماقت وخیانت کسانی چون صدام وسادات وخالد وغیره‌نباشد ،سیاست تفرقه‌افکنی اسرائیل نیزتاثیر چندانی‌نخواهدداشت برای‌اینکه‌خلق‌های‌منطقه‌بتوانند خطر مداخلهٔ امپریالیستی آمریکا و اسرائیل ،نیروی ضربتی‌آن را خنثی کنند ، باید جبههٔ واحد ضدامپریالیستی وضدصهیونیستی خودراتشکیل دهند وبه‌اتکاء نیروهای‌خلقی وانقلابی سراسر جهان ،پای غارتگران‌بین‌المللی‌رابرای همیشه ازخاک‌کشورهایشان‌کوتاه‌کنند . یگانه‌راه نیل به این‌وحدت‌نیز انقلاب‌است . انقلاب برای سرنگونی رژیم‌های‌خیانت‌پیشه‌ای که‌صدام‌وسادات وخالد در راس آنها نشسته‌اند .

سادات درماتم مرگ شاه ملعون

خبرگزاری‌هااطلاع دادند که سادات استراحت‌خودرا درکاخ ساحلی مدیترانه‌اش‌ناتمام‌گذاشته وبرای شرکت درسالروزمرگ محمد رضاپهلوی‌شاه‌مدفون‌ایران به‌قاهره‌بازگشته‌است . دوستی‌سادات‌وشاه‌سابق‌ایران‌حلقهٔ واسطه‌ای داشت وآن‌کیسینجربود . پیمان دوستی‌آنان با تعهد خدمت‌به‌ارباب‌مشترکشان‌ـ امپریالیسم آمریکاامضاء شد . اکنون‌نیز سادات‌به‌این پیمان وفادار مانده‌است . روزنامهٔ الوطن‌العربی ،چاپ پاریس ، نوشت‌که‌درنزدیکی‌قاهره‌اردوگاهی از چندهزارفراری‌ایرانی ،شامل‌افسران‌وافرادضدانقلابی برپاست ،که‌درآن مربیان آمریکایی به آنان‌فن "بازگشت "به‌ایران را تعلیم‌میدهند . رضاپهلوی ،که‌اکنون‌خودرا "شاه‌ایران" درتبعید میداند ،گاه‌به‌گام ازاین‌اردوگاه بازدیدمیکند . قیافهٔ سادات‌که‌درمراسم سالروز مرگ‌شاه‌ملعون درکنار "شاه‌درتبعید "ایستاده‌بود ،ازهر زمان دیگرنفرت‌انگیزتربود . شرکت‌سادات در این مراسم توهین‌آشکار به‌خاطره‌تابناک‌دهها هزار شهیدی‌است‌که‌جان‌های پاک‌خویش را درمبارزه برضدرژیم سفاک‌پهلوی فداکردند . سادات با این‌حرکت‌رسوای‌خویش‌به‌انقلاب‌بزرگ‌ما دهن‌کجی‌میکند ،وازخیانتکاری چون او بیش‌از این نمیتوان‌توقع داشت .

نشناختن دوستان...

بقیه از صفحه ۱

بنابه‌گفتهٔ امام ،آمریکا همه‌نوعش را دارد ،از جمله : ملی‌گرا ، مذهبی ونیز معمم . اینان‌زیرنقاب مسلمان دوآتشه‌عمل‌می‌کنند و کارشان‌تراشیدن دشمن‌موهوم برای "منسی "کردن‌آمریکا و نیز ایجادتفرقه درمیان‌نیروهای راستین‌انقلابی‌است . ساده‌اندیشی خواهدبوداگر تصورشودکه‌دیگر نیروهای راستین‌انقلابی حاکم‌از عناصری نظیرامیرانتظام‌ها ویا روحانیونی نظیر‌آن روحانیونی که در کودتای نوژه‌شرکت‌داشته‌اند ،بکلی پاک‌شده‌است .

علت‌موثرتر دیگری‌که‌باعث جلوگیری از انسجام کامل نیروهای راستین‌انقلابی‌واتحادعمل‌مستقیم‌تر وفعال‌تر آنها است ،وجود قشری در نیروهای راستین انقلابی مسلمان است که تصورمیکنند ،وصادقانه‌تصورمیکنند ،که‌هرکس همهٔ عقاید آنها را ازجمله درعرصهٔ ایدئولوژی ،عیناوبی‌کم‌وکاست قبول نداشته باشد ،انقلابی‌نیست وحتی ضدانقلابی‌است . اینان با صداقت تمام‌زیان‌بزرگی به‌انسجام نیروهای راستین‌انقلابی وارد می‌کنند . اینان‌خودراصادقانه در خط امام‌میدانند ،ولی هرگزتوجه لازم‌به‌توصیه‌های مکرر امام‌نکرده ونمی‌کنند که صاحبان عقاید مسلکی وسیاسی ومذهبی گوناگون ،درصورتیکه برضد دشمن اصلی‌ـ آمریکا مبارزه صادقانه وآشتی‌ناپذیر کنند ،میتوانند و باید متحدشوند و وحدت عمل داشته‌باشند .

"من برای چندمین بارتکرارمیکنم که در این امر حیاتی قشرهای ملت باهرمسلکی‌که‌دارند وباهر فکر سیاسی و مذهبی‌که دارند ،لازم‌است‌وحدت‌خودرا حفظ نموده وعلیه جنایات بی‌شمار دولت‌آمریکا موضعی خصمانه‌گرفته وبه‌فکر اشکال تراشی و تفرقه‌اندازی‌که‌به‌سود دشمنان‌کشورماست‌نباشند . " (امام خمینی ـ ۶ آذر ۱۳۵۸)

تمام مطلب دراین جملهٔ کوتاه امام توضیح داده‌شده‌است توضیح‌داده‌شده‌است‌که‌اشکال‌تراشی در راه وحدت نیروهای راستین انقلابی ،تفرقه‌اندازی‌بین‌آنها ،ایجاد محدودیت در فعالیت‌آنها به‌سوددشمن‌است ،نه‌بسود انقلاب . توضیح‌داده‌شده است‌که‌وحدت‌نیروهای دارای عقاید مسلکی و سیاسی و مذهبی مختلف علیه دشمن ،نه‌فقط ممکن ،بلکه‌لازم‌است . تاکید شده است که‌این دشمن‌امریکا (امپریالیسم به‌سرکردگی آمریکا) است و همهٔ نیروهای انقلابی ،قطع نظر از تفاوت‌های‌عقیدتی ،سیاسی و مذهبی‌میتوانندوباید حول‌محورمبارزه با این دشمن‌گرد هم‌آیند وباهم متحدشوند .

امام ،همانطورکه‌درهمین جمله‌اشاره‌شده ،مکرراین‌نظرخود را اعلام داشته‌اند ،ولی‌معلوم نیست‌چرا هنوز هم برخی ازنیروهای راستین‌انقلابی‌مسلمان‌پیروخط امام ،آنرانادیده‌می‌گیرند ، برای دیگر نیروهای‌انقلابی به‌دلیل ویابه‌بهانه تفاوت درعقاید ایدئولوژیک آنها باخویشتن ،محدودیت‌هائی درفعالیت‌انقلابی به‌وجودمی‌آورندو در راه اتحادنیروهای‌انقلابی اشکال‌تراشی میکنند .

اینان‌با این عمل خود ناخواسته درصف‌آن‌عناصر مشکوکی قرارمیگیرندکه‌عالما ‌عامدا ‌چوب لای چرخ‌جریان‌اتحاد نیروهای انقلابی‌میگذارندوضمنا‌ ناخواسته‌بهترین پوشش رابرای این‌عناصر مشکوک‌فراهم میکنند ،زیراعناصر مشکوک ، به‌کمک‌پوشش‌مسلمان‌نمائی‌آشتی‌ناپذیر بادیگرایدئولوژی‌ها ، میتوانندخودرا انقلابی جابزنند وبه کار تخریب دراتحاد نیروهای‌انقلابی بپردازند .

البته‌موکدا بایدگفت ،طی دوسال‌ونیمی‌که روند پیشرفت انقلاب جریان‌دارد ،روند دوست‌شناسی ،یعنی شناخت دوستان انقلاب ، شناخت‌نیروهای راستین‌انقلابی‌نیز ،گرچه‌کندتر ازروند دشمن‌شناسی ،ولی‌به‌هرحال پیشرفت محسوس‌داشته‌است . اکنون دیگربرخلاف‌روزهاوحتی‌ماه‌های پس از پیروزی‌انقلاب ، که حتی "لیبرال‌های مسلمان‌نما "انقلابی به‌حساب‌می‌آمدند و نیروهای مخالف‌آنان "بیگانه "پنداشته‌میشدند ،امروز دیگر نه‌فقط مسلمان نماهای لیبرال‌ومارکسیست‌نماهای‌پیکاری ورنجبری و دیگر مارکسیست‌های آمریکایی ویاخلقی‌نماهای "مجاهد "درجبهه‌واحد ضدانقلاب‌قرارگرفته وشناخته‌شده‌اند ،بلکه‌نیروهای روشن بین انقلابی‌مسلمان‌پیروخط امام ،درجریان‌عمل‌به‌مراتب‌بهترازگذشته به‌شناخت‌صداقت‌انقلابی‌نیروهای راستین انقلابی ،قطع نظر از تفاوت‌های‌عقیدتی وسیاسی ومذهبی آنها دست‌یافته‌اند ،و این خود زمینه‌وحدت‌عمل وامکان‌اتحاد تمام نیروهای‌راستین‌انقلابی را درجبهه‌مبارزه‌علیه‌امپریالیسم وضدانقلاب‌داخلی‌فراهم کرده است . تبدیل‌این‌امکان‌به‌واقعیت ،رفع محدودیت‌هائی‌که‌بر سر راه فعالیت‌برخی‌نیروهای‌راستین‌وصدیق‌انقلابی‌وجود دارد ، تحقق انسجام وفشردگی صفوف تمام‌نیروهای‌انقلابی رزمنده‌ـ قطع‌نظر ازتفاوت‌های عقیدتی ومسلکی آنها ـ وظیفهٔ انقلابی مهمی است که‌همه نیروهای‌انقلابی‌راستین ،به‌ویژه‌پیروان روشن‌بین خط امام امروز باید بیش‌ازپیش در انجام‌آن‌همت‌گمارند .

تجربیات سودمند لیبی در زمینهٔ دولتی کردن بازرگانی خارجی و ملی و تعاونی کردن بازرگانی داخلی

بهار امسال معمر قدافی ،رهبرانقلاب لیبی ، دو فروشگاه بزرگ شش‌طبقه‌را که‌روی‌همرفته ۵۰۰۰۰متر‌مربع مساحت دارند ،در طرابلس افتتاح کرد .این دوفروشگاه بیانگر دگرگونی‌های عمیقی است‌که‌در بازرگانی‌لیبی در دوران گذشته‌پدید آمده‌است .

در پائیز ۱۳۵۷ ،پس از آنکه بخش بزرگی از بازرگانی خارجی دولتی‌شد ،کارزاروسیعی نیز علیه‌بازرگانی‌خصوصی آغاز گردید ،که‌باتوجه‌به‌ساختار اجتماعی‌کشوری چون لیبی ،دارای اهمیت‌اقتصادی وسیاسی‌به‌سزایی‌بود . درآن‌هنگام مطبوعات لیبی‌بازرگانی‌خصوصی‌را "پدیده‌ای انگل‌وار ،مغایر با جامعه سوسیالیستی ،استثمارآفرین" و "سدی در راه تبدیل لیبی از جامعه‌ای مصرفی به‌جامعه‌ای تولیدی خواندندو محکوم کردند . همچنین به این واقعیت اشاره‌شدکه ،در حالیکه لیبی برای پیشبرد برنامه‌های‌اقتصادی خود به کارگر احتیاج فوری دارد ، ۴۵هزار کارگر بالقوه در بخش بازرگانی مشغول‌هستند . مطبوعات لیبی برای حل این‌معضل ایجادفروشگاه‌های دولتی و تعاونی را پیشنهاد کردند .

نخستین‌گام دراین راه نظارت دقیق بر قیمت‌ها بود . فروشندگان‌مجبور گردیدند که قیمت‌کالا ها‌رابه‌گونه‌ای خوانا مشخص‌سازند . متخلفان‌به‌دادگاه‌ها‌سپرده‌می‌شدند و نام آنها در مطبوعات انتشار می‌یافت . درجامعه‌ای چون‌لیبی ،صرفنظر از مجازات‌های نقدی ،محکومیت‌اخلاقی فروشندگان دارای اهمیتی فراوان‌است .

در سال‌های ۵۹– ۱۳۵۸ برای سراسر بازرگانی خارجی بنگاه‌های دولتی واردات‌تاسیس و در زمینهٔ بازرگانی داخلی‌شبکه وسیعی از فروشگاه‌های دولتی وتعاونی احداث شد . این‌تعاونی‌ها از زحمتکشان شاخه‌های‌اقتصادی وکارخانه‌های‌بزرگ تشکیل می‌گردند ،اما دیگرشهروندان وحتی اتباع خارجی مقیم لیبی نیز میتوانند به‌این‌تعاونی‌ها‌بپیوندند . در پایان سال ۱۹۸۰ ، در لیبی ۱۱۵۸ تعاونی مصرف وجود داشت ،که ۳۳۴۰۰۰عضو را در برمی‌گرفت . مراکز فروش دولتی ازیکسو فروشگاه‌های‌معمولی‌هستند و ،ازسوی دیگر ، "مراکز توزیع "ویژه ،که‌زیرنظر مستقیم بنگاه های دولتی واردات‌فعالیت‌می‌کنند . برپایه‌گزارش‌های رسمی ، در آغاز بهار امسال ، ۲۲۵ فروشگاه دولتی در لیبی وجود داشت . فزون براین ، ۳۰۱ فروشگاه‌دیگر در دست ساختمان‌است .

با کاهش تعداد واسطه‌ها قیمت‌ها بسی پائین‌آمد . بسیاری از واسطه‌های‌محتکر از کسب و کار منع شدند .

براندازی‌ریشه‌ای بازرگانی خارجی و بخش‌بزرگی‌ازبازرگانی داخلی‌نخست‌باکمبودهای‌چندی‌همراه‌بود . ازآنجا که‌تنها بخش محدودی‌از فروشندگان خصوصی‌میتوانست در فروشگاه‌های دولتی استخدام شوند، دراین‌زمینه‌نیزکاستی‌هایی‌ازنظرکارکنان پدیدآمد . هنوز شمارهٔ‌کسانی که‌مدارس‌حرفه‌ای‌بازرگانی را گذرانده‌اند به مراتب‌کمتر ازنیازاست . ازآنجاکه لیبی همچنان‌به واردات‌وابسته است وظرفیت بنادر آن‌اندک ،امکانات ترابریش بسیار محدود وگنجایش انبارهای‌آن ناکافی است (تاکنون تنها ۱۹۷۰۰مترمربع) دشواری‌های فروانی‌ازاین‌جهت‌نیز پدیدار شده‌است . هر چند در اواسط دیماه سال ۱۳۵۹ "دبیرخانه اقتصادی وبازرگانی‌لیبی" قراردادهایی دربارهٔ‌ایجاد انبارهای جدیدی‌به‌ظرفیت ۱۷۶۴۲۵ مترمربع منعقد ساخت ،ولی روشن‌است‌که‌اتمام این پروژه وقت می‌طلبد .

بنگاه‌های بازرگانی‌همچنین‌به‌علت‌آنکه‌برخی از مردم پس‌از دولتی‌کردن‌بازرگانی دستپاچه‌شدندو‌به‌خرید وذخیره‌خوار‌باراقدام کردند ،بادشواری‌هایی چندروبروگردیدند . باتوجه‌به‌وابستگی‌لیبی به‌واردات ،تورم‌جهان‌سرمایه‌داری گریبانگیر اقتصاد این‌کشور نیز شده‌است . (دوسال پیش نرخ‌تورم دراین‌کشور ۲۵ درصد بود) .اما مصرف‌مردم‌لیبی ،بعلت‌درآمد نسبتا بالای آنها ،چندان کاهش نیافت .

تعیین قیمت‌در بخش‌های دولتی وتعاونی بسیار ساده‌است . این‌قیمت‌معمولا از قیمت‌واردات به‌اضافه‌گمرک و به‌اضافه ۲۰–۱۵ درصد هزینه‌تشکیل‌می‌گردد . فزون‌براین ،دوازده‌کالای‌عمده غذایی سهمیه‌بندی‌شده‌است .

البته‌قشرکسبه دربرابراقدامات‌نامبرده مقاومت‌نشان‌داد و از برخی ازکاستی‌های سیستم به‌سود خوداستفاده‌جست . عده‌ای‌محتکر وسودجو برای بی‌اعتبارکردن بخش‌های دولتی وتعاونی ومقابله‌با آنها ،احتکارات‌گسترده‌ای راسازمان‌دادند وبه‌رونق بازارسیاه‌کمک رساندند . دولت‌برای‌مبارزه باانان‌یکسال پیش یکباره‌به‌تعویض‌پول مبادرت‌ورزید .

بازارسیاه‌در لیبی هنوز بکلی ازبین‌نرفته‌است . با اشاره به این‌واقعیت‌بودکه‌معمرقذافی‌چندی‌پیش "نیروهای‌سیاسی‌بیداروفعال کشور "رافراخواند تا با این "آخرین‌بازمانده‌های جامعهٔ استثماری به‌پیکار بی‌امان "بپردازند .

چنین‌می‌نماید که‌بخش‌های دولتی وتعاونی در لیبی تا آن اندازه‌تحکیم یافته‌است ،که "دبیرخانهٔ‌اقتصادی و بازرگانی‌لیبی" اعلام داشته‌است‌که ، تا اوایل دیماه ۱۳۶۱ ،بازرگانی‌خصوصی در این‌کشور بکلی ازبین‌خواهد رفت .

"امپریالیست‌هاکه‌اینقدر دربارهٔ‌حقوق بشر دم‌می‌زنند ،خود بزرگترین‌خطر برای بشر به‌شمار میروند وبه‌خشونتبارترین گونه حقوق‌انسان‌ها را پایمال‌می‌کنند . آنها مدعی مبارزه با "تروریسم بین‌المللی‌هستند ، در حالیکه تبه‌کارانه در راه نابودی جنبش آزادی‌بخش‌ملی‌میکوشند . (امپریالیست‌ها)میان‌تروریسم منفور جهانیان وپیکار عادلانهٔ‌خلق‌ها در راه‌آزادی‌خود علامت تساوی می‌گذارند . . .

کشورمن‌عزم‌راسخ‌داردکه با استعمار سنتی ونواستعمار ، علیه صهیونیسم نژادپرست وارتجاع به‌ستیزه‌برخیزد ،راه‌آزادی و رهایی قطعی ازبندهای داخلی وخارجی را به‌پیماید واستقلال ملی‌خویش راتحکیم بخشد . " (از سخنرانی‌معمرالقذافی درسفر اخیر اوبه اتحاد شوروی)

کارنامه ابوالحسن ...

بقیه از صفحه ۱

توفان سراسر ایران را درنوردید و توده‌ها یکپارچه‌در سراسرخاک‌پهناورمیهن‌ما به‌خیابان‌ها‌آمدندوآن‌راتاییدکردند . برای‌سیاست بازیکاری‌چون‌ابوالحسن‌بنی‌صدرفرصتی از این طلائی‌ترپیدانمیشد . اوبدون درنگ‌به‌تائید این عمل‌پرداخت :

" . . . اشغال سفارت‌آمریکانشانهٔ کمال هشیاری‌مردم ما وبیانگر قاطعیت‌نسل‌جوان‌امروز کشوردر دفاع‌از استقلال‌کشور وانقلاب خویش است . . . (۱۴آبان ۵۸– ازکتاب صد مقاله بنی‌صدر– جلد دوم)

و :

" . . . اشغال سفارت‌آمریکا ، عملی غیر از عمل‌یک‌گروه‌کوچک ،برای یک‌مقصد معین است . این‌عمل‌اعتراض‌تمامی یک ملت‌است . شانتاژ نیست . اعتراض‌است . اعتراض به سیاست ویرانگری‌که‌طی‌سی سال‌درایران‌عمل‌کرده‌است و هنوز نمی‌گذارد‌مردم‌ما‌خودبرسرنوشت خویش حاکم شوند . . . " (همان‌جا)

اما‌اگرتوجه‌داشته‌باشید ،اودردل همین حملات‌سرجای‌رابرای‌تعرض‌هادرنهایت محکوم کردن‌این‌عمل‌بازگذاشته‌است . بنی‌صدر اولا دانشجویان‌مبارز ومسلمان‌پیروخط‌امام را که عمل‌شان ، بنا به‌گفته‌امام‌خمینی ، باعث‌سرفرازی ملت‌شده "یک‌گروه‌کوچک" خواند ، تابعد بتواند "بچه" و "ازاین‌اشخاص" خطابشان‌کند ، ثانیا از "مقصد معین" صحبت‌کرد ، تا بازهم درآینده با کوبیدن‌آن "مقصد معین" پیروان‌خط امام‌رابکوبد

براساس همین سیاست‌بود که‌بنی‌صدر پس ازمدتی‌ازاین‌شاخ‌به‌آن‌شاخ پریدن‌برای‌استفاده‌های‌آتی‌ورود‌به سفارت را از "گروگانگیری" جدا کردواعلام‌داشت :

" . . . از روزی‌که دانشجویان به سفارت آمریکا بهتربگویم یکی‌از مراکز مهم‌حکومتی و جاسوسی‌آمریکا درجهان‌وارد‌شده‌اند ، دستگاه‌های‌تبلیغاتی ،تبلیغات‌شبانه‌روزی . . . به راه انداخته‌اند . . . (۱۹آبان ۵۸– کتاب‌صد مقاله– جلددوم)

بنی‌صدراین‌موضع راتا وقتی که رئیس جمهورشد– ۷بهمن ۱۳۵۸– حفظ کرد ، وقتی نزدیک‌به ۱۱ میلیون رای‌به دلایل مختلف ، واز جمله‌به‌دلیل‌حمایت‌ریاکارانهٔ‌او از اشغال "لانهٔ جاسوسی" ،اورابه‌مقام ریاست‌جمهوری رساند ، بنی‌صدربلافاصله‌تغییر موضع داد :

" . . . من ازابتدا باگروگان‌گرفتن مخالف بودم . . . رفتن‌دانشجویان به‌سفارت‌یک‌امری و گروگان‌گرفتن‌امر دیگری‌است . . . " (۲۷ بهمن ۵۸–مصاحبه‌بنی‌صدر با اطلاعات)

این‌تغییر موضع ،با استفاده از سیاست موذیانه‌ای‌که‌قبلا توسط بنی‌صدر اتخاذ شده‌بود ، درحساس‌ترین‌شرایط بعدازانقلاب انجام می‌شد . اینک– ۲۷بهمن ۵۸– ۴ ماه‌میشدکه‌صفوف‌پیوستهٔ مردم‌ازسراسرایران‌به‌تهران‌می‌آمدند ، تا در مقابل "لانه‌جاسوسی "ازعمل‌دانشجویان‌مسلمان پیروخط‌امام حمایت‌کنند . فریاد "مرگ‌برآمریکا" که‌ازمقابل‌لانه‌جاسوسی‌برمیخاست ، سراسرایران راپرکرده‌بود . جهان‌به‌این‌خشم توفندهٔ ضد– آمریکایی‌خیره‌شده‌بود . وماجرا به‌همین جا ختم نمیشد . دانشجویان مسلمان‌پیروخط‌امام پیاپی دوستان وجاسوسان آمریکا را در ایران ،براساس اسنادبدست‌آمده ،افشاء میکردند . پته‌خط سازش وتسلیم‌روی‌آب‌افتاده‌بود . امروزنزیه ،روز بعد مقدم مراغه‌ای ،بعدمدنی ،سپس‌امیرانتظام و . . . واین‌رشته دراز سرانجام به‌بنی‌صدرمیرسید .

اکنون‌بزرگترین خدمت‌به‌امپریالیسم‌آمریکا سست‌کردن‌پایهٔ‌این‌خروش ، یعنی اشغال لانهٔ جاسوسی ، وبی‌اعتبار کردن عاملان آن ، یعنی دانشجویان مسلمان پیروخط امام بود ، این خدمت‌همچنین شامل دوستان‌داخلی‌امپریالیسم آمریکاوجاسوسان‌آنهم میشد . بی اعتبار کردن اشغال "لانه‌جاسوسی "واسنادآن‌مانع از آبروریزی بیشتر "آقایان "میشد . انجام‌این‌خدمت‌درست‌در همان‌روزهائی که‌جیغ لیبرال‌ها به‌هوابلندشده‌بود به‌عهده‌بنی‌صدرافتاد . بی‌گمان تاریخ روشن خواهدکردکه‌اودر همکاری‌مستقیم‌با آمریکادراین نقشه‌شرکت‌داشت‌ویابراساس "کیش‌شخصیت‌بنی‌صدر" جاسوسان‌رنگارنگ‌امپریالیسم "من "او را به‌همان‌سومی‌بردندکه‌دشمن‌اصلی خلق های جهان‌میخواست‌به‌هرحال‌نتیجه‌یکی‌بود . سود به‌حساب‌امپریالیسم‌آمریکاواریز میشد . لیبرال‌ها که‌دیگربعدازملاقات‌با‌برژینسکی‌به‌زحمت می‌کوشیدند‌تتمه‌آبرویشان‌راحفظ‌کنند . این‌بنی‌صدر بودکه‌به‌فاصله‌ای‌کمتر ازیک‌ماه ، ۱۱میلیون رای‌را به‌دلایل‌گوناگون‌به‌خوداختصاص‌داده‌بود ، هنوز اکثریت‌مردم‌گمان‌می‌بردندکه‌وی‌درخط‌امام‌است هنوز ماسکش راپس‌نزده‌بود . ومهم‌تراز همه او بالاترین مقام‌اجرائی‌کشور ، یعنی اولین رئیس جمهوری‌اسلامی‌ایران‌بود . چه‌کسی‌بهتر ازاومی‌توانست‌به‌یاری‌امپریالیسم‌آمریکا بشتابد ؟ هیچ‌کس . فقط خودش . واوهم تردیدنکرد . وظیفه‌بنی‌صدرچیزی جزکوچک‌کردن‌مسئله "گروگان‌گیری" نبود . خودش‌هم‌اعتراف‌می‌کرد :

" . . . برنامه‌این‌بود که مسئله شاه را یک مسئله‌اصلی‌کنم‌وبه‌تدریج‌مسئله‌گروگان‌ها‌یک‌مسئله فرعی‌وکوچک‌شود ودراین‌خط عمل‌می‌کردم ومی‌رفتم . نتایج‌خوبی‌هم‌گرفته‌بودیم . . . " (کیهان– ۱۱دیماه ۱۳۵۸)

بنی‌صدراجرای‌این‌سیاست را ده‌روز بعد از اینکه‌رئیس‌جمهورشد ،چنین‌آغازکرد :

" . . . برماست‌که‌شجاع‌باشیم ،صریح‌باشیم انقلابی‌باشیم وبگوئیم‌کهاینگونه‌لجن‌مال‌کردن‌ها ،اینگونه‌سند در رادیو وتلویزیون‌خواندن‌ها و افشاگری‌ها ،وبلافاصله‌به‌خانهٔ‌افراد ریختن‌ها ،نه تنها‌بااسلام‌نمی‌خورند ،زمینه را برای استبداد فراهم‌می‌آورد . . . " (۴بهمن ۱۳۵۸–کتاب صد مقاله– جلد دوم)

بنی‌صدرالبته‌درحد حرف‌نماند ، روز ۱۶ بهمن ۱۳۵۸ ،وقتی‌دانشجویان‌مسلمان‌پیرو خط امام‌اسنادارتباط میناچی‌وزیراطلاعات‌دولت‌موقت راباآمریکاافشاکردند ،دادستان‌انقلاب‌اورادستگیر کرد . دستگیری میناچی ،که‌نوید اقدامات‌انقلابی آینده رادرمورددوستان‌آمریکا‌می‌داد ،سخت‌برای لیبرال‌هاگران‌تمام شد . آنهابافریادهای‌خودگوش فلک‌راکرکردند . مهندس‌بازرگان‌گفت :

" . . . عمل‌این‌آقایان‌بسیارعمل ضداسلام‌و ضدقانون‌است‌که‌یک‌طرفه‌بیایند وچیزهایی را به قول‌خودشان‌افشاءکنند وتهمت‌های ناروائی‌بزنند . . . این‌عمل‌بسیارعمل زشت وخلافی است‌که . . . همه‌بااین‌عمل‌آن‌مخالف‌هستند وعمل آنها‌ضدانقلاب ،اسلام ،امام وضدهمه‌چیزاست . . . " (۱۷ بهمن ۱۳۵۸ –کیهان)

وبنی‌صدر با او وبقیه لیبرال‌ها‌همصدا شد :

"دانشجویان‌خودکامه‌عمل‌می‌کنندوحکومت درحکومت‌به‌وجودآورده‌اند . . . وقتی مملکت امنیت‌قضایی‌نداشته‌باشد باهرج‌ومرج‌روبروخواهد شد . این‌ها (دانشجویان‌مسلمان‌پیروخط‌امام) حتی‌احترام شورای‌انقلاب رانگه‌نداشتندکه‌بگویند چنین‌گزارش‌هائی‌هست . . . " (کیهان –۱۷بهمن ۱۳۵۸)

وبعد ،ابوالحسن‌بنی‌صدر ، به عنوان‌اقدام در مقام‌ریاست‌جمهوری ، میناچی‌راآزاد کرد . و ازاین‌پس‌تلاش‌او ، برای‌گرفتن "گروگان‌ها" از دانشجویان‌وتحویل‌آنها‌به‌دولت آغازشد . فقط بعدها‌معلوم شدکه‌این‌تلاش باهماهنگی کارتر انجام شده‌است .

درست‌بعدازاینکه‌میناچی‌آزادشدوبنی‌صدر درمقام‌ریاست‌جمهوری ،بااستفاده از اکثریت لیبرال‌شورای‌انقلاب ،توانست‌پخش افشاگری دانشجویان را از رادیو وتلویزیون ممنوع‌کند ، تلاش بنی‌صدر برای‌تحویل‌گرفتن "گروگان ها" آغازشد . اوبه‌مخبرلوموندگفت :

" . . . مخبرلوموند سئوال‌نمود آیاشما در نظرداریدکه‌گروگان‌ها را از کنترل و حفاظت دانشجویان‌خارج‌نموده‌وحفاظت‌از آنان را به مقامات‌مسئول‌دولتی‌بسپارید ؟

بنی‌صدرگفت‌وی شخصا مایل‌است مراقبت ازگروگان‌ها از عهدهٔ دانشجویان حاضردر سفارت‌خارج شود وبه‌عهدهٔ‌دولت گذاشته شود . . . " (کیهان– ۲۳بهمن ۱۳۵۸)

وبه‌این‌ترتیب‌بنی‌صدر فعالیت را آغاز کرد وبلافاصله راه رابرای تائید اختلاف نظر خودباامام‌خمینی بازگذاشت :

" . . . بنی‌صدر در پاسخ‌به‌این‌سئوال که امام خمینی‌فرموده‌اندکه‌تا شاه راتحویل ایران ندهند ، ماگروگان‌هاراآزادنمیکنیم ،اظهارداشت برفرض‌امام‌خمینی‌چنین‌نظری داشته‌باشند ، نظرایشان‌اجراخواهدشد واین مانع ازآن نخواهدبودکه‌من‌نظر دیگری‌داشته‌باشم . " (کیهان–۲۷بهمن ۱۳۵۸)

ودرست ۴ روز بعد ،کمیسیونی به نام "کمیسیون رسیدگی به‌جنایات‌شاه" راهی ایران شد . فقط‌بعدا معلوم شدکه‌نام‌اصلی این هیئت ، "سیا" ساخته "کمیسیون‌آزادکردن‌گروگان ها" بوده‌است . به‌محض‌ورودکمیسیون ،صادق‌قطب‌زاده‌اعلام‌کرد :

"ایران‌باتشکیل‌کمیسیون بین‌المللی موافقت‌کرد . . " (کیهان –اول اسفند ۱۳۵۸)

وبنی‌صدرهم :

" . . . بنی‌صدررئیس جمهورایران‌موافقت رسمی خودرا دراین‌مورد به‌والدهایم مخابره کرده‌است . . . " (همانجا)

وقطب‌زاده ،که‌به‌تازگی‌ازسفر به‌فرانسه و ایتالیا (همان‌سفرکه‌طی‌آن‌با هامیلتون جردن ، نماینده‌کاخ‌سفید ، ملاقات‌کرد)بازگشته‌بود ، در همان‌روزمنشاءتشکیل‌کمیسیون‌را اعلام‌کرد :

"در این سفر تنها‌مسئله تشکیل کمیسیون تحقیق درباره جنایات‌شاه‌موردتوجه‌بود . این مسئله‌دریک‌ارتباط سه‌گانه‌بین‌والدهایم ، آقای بنی‌صدر ومن‌مورد بحث‌بوده‌است . . . "

بعدا‌معلوم شدکه‌تشکیل‌کمیسیون و آمدن آن‌به‌ایران‌دقیقا نقشه‌ای‌بوده‌که باواسطهٔ‌قطب‌زاده ، بین‌بنی‌صدر و آمریکا (ازطریق والدهایم) روی‌آن‌توافق‌شده ، تا "گروگان‌ها "آزاد شوند . البته‌درهمان‌روزنشریات امپریالیستی اصل‌قضیه رافاش‌کردند . خبرگزاری‌آمریکائی یونایتدپرس خبرزیر رامخابره‌کرد .

"این‌کمیسیون‌که‌به‌شکایت ایران علیه دخالت آمریکا در جنایات شاه‌مخلوع رسیدگی خواهدکرد ، ظاهرا گوشه‌ای از معاملهٔ‌حد وسطی است‌که‌به‌رهائی‌گروگان‌ها‌باید‌منجر شود . . . " (کیهان– اول اسفند ۱۳۵۸)

وروزنامهٔ‌نیویورک‌تایمز گزارش‌داد : " . . . اگرگروگان‌هاتا ۸ اسفندآزادنشوند ، کمیسیون مزبور تهران‌راترک خواهدکرد . . . " (همانجا)

وصدالبته ، قطب‌زاده ، واسطهٔ این معامله باکاخ‌سفید ، خبرهای بالا را "تکذیب "کرد . اما رویدادها نشان‌دادکه‌خبرها کاملا درست بوده‌و امپریالیسم‌آمریکانقشهٔ‌آزادکردن "گروگان‌ها" را داشته‌است .

این‌کمیسیون روز ۵ اسفند ۱۳۵۸ وارد تهران شد . درهمین‌روز هادینگ‌کارتر ، سخن‌گوی‌وزارت‌خارجه‌آمریکا ، رسما اعلام‌کرد :

" . . . کمیسیون‌سازمان‌ملل درتهران‌مجبور است‌برای‌رهائی‌گروگان‌ها‌تلاش‌کند واین‌کمیسیون نه‌تنها‌شکایات‌ایران‌رااستماع‌می‌کند ، بلکه‌درمورد گروگان‌ها‌هم تلاش لازم راصورت‌خواهدداد . " (کیهان ۵ اسفند ۱۳۵۸)

روز ۶ اسفند ۵۸ ، اعضای‌هیئت‌با‌بنی‌صدر ملاقات‌کردند . دوروزبعد قطب‌زاده‌گفت :

"ملاقات‌اعضای کمیسیون با گروگان های آمریکایی ازطرف دانشجویان پیرو خط‌امام در دست بررسی‌است . " (کیهان ۱۸ اسفند ۱۳۵۸)

برای توجه‌بیشتر خوانندگان‌یادآوری‌می‌کنیم‌که‌دراین‌روزها ، امام‌خمینی بیمار و در بیمارستان‌قلب بستری بودند .

روز ۱۲ اسفند : "خبرگزاری‌ها از قول‌دفتر ریاست‌جمهوری‌ایران‌گزارش‌دادند که احتمال ملاقاتی (باگروگان‌ها) درآینده‌نزدیک بعید

بقیه در صفحه ۷

اهمیت کمک کشورهای سوسیالیستی به کشورهای در راه رشد

کشورهای سوسیالیستی در همکاری نزدیک وصمیمانه باکشورهای درراه رشد انواع کمک اقتصادی وفنی را در اختیار آنها می گذارند. اشتراک منافع سیستم جهانی سوسیالیستی وجنبش رهائی ملی در مبارزه به خاطر صلح وبرضد استعمار وستم امپریالیستی درهمهٔ اشکال ومظاهر آن پایهٔ عینی این همکاری را تشکیل می دهد.

طبق موافقت نامه های به امضاء رسیده، کشورهای سوسیالیستی به ساختمان ۲۰۰۰ موسسهٔ صنعتی باکشاورزی، کارگاهها، مجتمع ـ ها و غیره درکشورهای در راه رشد کمک کرده ومی کنند. درحال حاضر، اتحاد شوروی بابیش از ۵۰ کشور نواستقلال موافقت نامه های همکاری فنی واقتصادی منعقد کرده است حجم کمک اقتصادی وفنی اتحاد شوروی به کشورهای آسیا آفریقا وآمریکای لاتین لاینقطع افزایش می ـ یابد. چنانکه درهند بیش از ۶۸ موسسهٔ بزرگ صنعتی، کشاورزی وموسسات آموزشی با مشارکت اتحاد شوروی ساخته شده یادر حال ساختمان است. کارخانهٔ ذوب آهن بهیلایی و بوکارو، کارخانهٔ ماشین سازی سنگین رانشی، کارخانهٔ لوازم برقی هاردوار و غیره از آن جمله اند.

باید توجه داشت که تاثیر این کمک ها تنها درارزش مطلق آنها نیست.

هنگام ارزش یابی ومقایسهٔ این کمک ها با روابط اقتصادی کشورهای در راه رشد و قدرت های امپریالیستی نباید از نظر دور بداریم که کمک سیستم جهانی سوسیالیستی قبل از هرچیز معطوف به این است که کشور ـ های مذکور بتوانند دراسرع وقت به عقب ماندگی اقتصادی و وابستگی شان به امپریالیسم پایان بخشند. خصلت مهم کمک اقتصادی و فنی اتحاد شوروی به کشورهای در راه رشد در سمت گیری آن که هماناباروکردن شاخه های اساسی اقتصاد ملی است نمایان می گردد. این کمک ها برای صنعت وانرژی ۷۳/۸٪، متالورژی ۳۷/۶٪ زمین شناسی ۸/۲٪، حمل ونقل ها و ارتباطات ۸/۱٪، کشاورزی ۵/۳٪، آموزش، بهداشت وسایرامور ۴/۶٪ است (ارقام مربوط به اول ژانویه ۱۹۷۴ است).

کشورهای سوسیالیستی باکمک به کشورهای جوان درتنظیم مسائل عظیم اقتصادی شان انحصارات و دولت های خارجی را وادار به دادن امتیازاتی در روابط شان به کشورهای در راه رشد می کند. چنانکه انحصارات کشورهای امپریالیستی تحت تاثیر ساختمان کارخانهٔ متالورژی بهیلائی (هند) بوسیلهٔ اتحاد شوروی ناچارشدند به یک سلسله از درخواست های کشورهای دیگر (پاکستان، تونس واتیوپی در پیش از انقلاب آن) تن در دهند. امتناع انحصارات انگلیسی وآمریکائی از کمک به هند درتاسیس موسسات ملی نفت موجب شد که دولت هند برای ایجاد موسسات مذکور خود اقدام نماید. کمک شوروی به هند وسوریه در اکتشاف واستخراج موادنفتی به شالوده ریزی صنعت ملی نفت دراین کشورها مساعدت نمود.

کمک کشورهای سوسیالیستی در زمینهٔ ایجاد مجتمع های اقتصادی در شاخه های کلیدی اقتصاد به کشورهای ذینفع امکان می ـ دهد که ازمنافع ملی خود بتمامی بهره برداری کنند. کشورهای سوسیالیستی برخلاف کشور ـ های امپریالیستی هرگز کمک خودرا به تصاحب بخشی ازسهام موسسات مشروط نمی سازند. کشورهائی که ازاین کمک ها برخوردارمی شوند مالک مطلق موسسات خویش اند.

کشورهای سوسیالیستی در روابط خود با کشورهای در راه رشد تنها به کمک بیغرضانه به این ملت ها می اندیشندودرمبادلات بازرگانی با آنهاهیچ قیدوشرط مصنوعی بوجود نمی ـ آورند. مبادلات بازرگانی کشورهای سوسیا ـ لیستی باکشورهای در راه رشد مبتنی برقرار ـ دادهای تضمین شدهٔ درازمدت است و صادرات و واردات کاملا مشخصی را در برمی گیرد. این روابط عادلانه وبرابرحقوق برای پیشرفت اقتصادی کشورهای عقب مانده نتایج مثبتی دارد. حجم بازرگانی خارجی اتحاد شوروی باکشورهای در راه رشددر دوران پس ازجنگ (بین ۱۹۴۶ و ۱۹۷۰)، به قیمت ـ های مشابه، ۴۵ بار افزایش یافت. کشورهای سوسیالیستی که می کوشنداز راه بازرگانی خارجی نیز به کشورهای در راه رشد کمک کنند خیلی بیش از آنچه که به آنها می فروشند از آنها کالا می خرند.

کشورهای سوسیالیستی اعتبارات قابل ملاحظه ای دراختیار کشورهای در راه رشد قرارمی دهند. این امر به کشورهای مذکورامکان می دهدکه ازلحاظ اقتصادی پیشرفت کنند. این اعتبارات ازحیث ماهیت وهدف با اعتبارات کشورهای سرمایه داری تفاوت دارند منظور ازاعطای این اعتبارات بدست آوردن سودهای کلان نیست، بلکه کمک به پیشرفت اقتصادی کشورهای استفاده کننده است. اعتبارات تفویضی که در چارچوب موافقت ـ های ۱۲ تا ۱۵ ساله انجام می گیرد بانرخ بهرهٔ ۲/۵ تا ۳٪ است.

کشورهای سوسیالیستی در زمینه تربیت کادرها مخصوصا تربیت تکنسین ها به کشور ـ های در راه رشد کمک می کنند. آنها برای این کشورها موسسات آموزشی می سازند ودرجریان ساختمان کارگاه های صنعتی وتولیدی به تربیت کادرهای محلی می پردازندو ازمحصلین آنها دعوت می کنندکه درموسسات عالی وبنگاه های تولیدی شان به آموزش وکسب تخصص مشغول شوند. تنها در اتحاد شوروی ۸۰۰۰۰ نفر از اتباع کشورهای درراه رشد باکسب تخصص عالی فارغ التحصیل شده وبیش از ۱۵۰۰۰ نفر در سال تحصیلی ۱۹۷۶ـ ۱۹۷۵ درموسسات عالی آن مشغول تحصیل بوده اند.

علاوه براین بیش از ۱۵۰ موسسه راهنمای اتحاد شوروی برای این کشورها متخصص و کارگر تربیت می کنند. بیاری اتحاد شوروی بیش از ۱۴۰ موسسهٔ آموزشی: انستیتو، مدارس فنی ومراکز تعلیم و تربیت درکشور ـ های در راه رشد تاسیس شده است. در این موسسات بیش از ۱۰۰ هزار نفر باکسب تخصص ـ های معین فارغ التحصیل شده اند. تنهاطی سالهای اخیر بیش از ۲۰۰ هزارکارگر متخصص واستادکار به یاری متخصصین شوروی درکار ـ گاه های درحال ساختمان کشورهای درراه رشد تربیت یافته اند.

اتحاد شوروی وسایرکشورهای سوسیا ـ لیستی ازبذل هیچ پشتیبانی اخلاقی وسیاسی نسبت به این کشورها درسازمان ملل متحد و سایر سازمان های بین المللی دریغ نمی دارند روابط اقتصادی و غیره بین کشورهای سوسیا ـ لیستی وکشورهای در راه رشد مبارزه آنها را برای رهائی از میراث سنگین استثمار استعماری وانجام دگرگونی های اجتماعی آسان می سازد.

درشناخت امپریالیسم معاصر (۱۱)

اهمیت تاریخی فروپاشی سیستم استعماری

فروپاشی سیستم استعماری اهمیت تاریخی عظیمی دارد. این پدیده دراعلامیهٔ کنفرانس نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری در ۱۹۶۰ چنین توصیف شده است: "از هم پاشیدن سیستم بردگی استعماری زیرفشار جنبش رهائی ملی پدیده ای است که بنابر اهمیت تاریخی خود بلافاصله پس ازتشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی به وقوع پیوسته است".

ورشکستگی سیستم استعماری به طور محسوس موجب تضعیف امپریالیسم شده و تناسب نیروهارا درمبارزه دوسیستم جهانی ـ سوسیالیسم بالنده وسرمایه داری میرنده ـ به نفع سوسیالیسم تغییر داده است. درحال حاضر، امپریالیسم دیگرقادر نیست مانند گذشته پیرامون سرنوشت صدها میلیون انسان کشورهای رهائی یافته تصمیم بگیرد. فروپاشی امپراتوری های استعماری ودست یافتن بسیاری ازکشورها به استقلال سیاسی شالوده هائی بوجود آورده که به دهها کشور امکان می دهد که در اسرع وقت برعقب ماندگی عظیم اقتصادی خود فایق آیندو به نوزائی ملی واجتماعی این خلق ها جامهٔ عمل پوشند.

براین اساس است که در دوران ما "سیاست خارجی کشورهای در راه رشد بطور محسوس فعال شده است. این واقعیت رامی توان درعرصه های مختلف: درخط مشی سیاسی جنبش کشورهای غیر متعهد، در فعالیت سازمان وحدت آفریقا و گروه بندی های مختلف اقتصادی کشورهای در راه رشد مشاهده نمود. ازهم اکنون روشن است که باتناسب کنونی نیروهای طبقاتی درجهان، کشورهای رهایی یافته کاملا می توانند در برابر امر ونهی های امپریالیسم مقاومت کنندو به کسب مناسبات درست اقتصادی برمبنای حقوق برابر نایل آیند. آنچه که امروز بیش از هر چیز عیان است این است که کمک این کشورها به مبارزه عمومی در راه صلح وامنیت خلقها هنوز می ـ تواند اهمیت بیشتری کسب کند".*

کشورهایی که به استقلال سیاسی نایل آمده اند به علت رهائی ازسلطه استعمار دیگر درصحنهٔ بین المللی ابزارمطیعی در دست قدرت های امپریالیستی نیستند. سازمان ملل متحدکه در زمان تاسیس (۱۹۴۵) ۵۱ عضو داشت در اول دسامبر ۱۹۷۵ تعداد اعضای آن به ۱۳۲ کشور رسیدکه ازآن میان ۸۷ عضو از کشورهای در راه رشد بودند. کشورهای جوان که تازه به استقلال رسیده اند به نیروی قدرتمندی در زندگی بین المللی بدل شده اند آنهاروابط بیش از پیش نزدیکی باکشور های سوسیالیستی برقرارکرده وازکمک سیاسی و دیپلماتیک آنها برخوردارمی شوند و به طور فزاینده دوش بدوش آنها برضد تهدیدات امپریالیسم وارتجاع برای صلح ودموکراسی مبارزه می کنند.

فروپاشی سیستم استعماری امپریالیسم پایه های آن راسخت بلرزه درآورده و روز نابودی آن را نزدیک کرده است. جنبش رهایی ملی خلقهائی که علیه استعمار و استعمار نو مبارزه می کنند، یکی ازسه نیروی عمده انقلابی سست کننده سرمایه داری راتشکیل می دهد وبه پیشرفت روند انقلابی جهان یاری می رساند. تاثیر جنبش رهائی ملی برسرنوشت جهان از بسیاری جهات به پیوندهای آن بادنیای سوسیالیستی وجنبش انقلابی کارگری کشور ـ های پیشرفتهٔ سرمایه داری بستگی دارد.

"بدین سان می بینیم که پیش بینی لنین بزرگ به تحقق می پیوندد: زیراخلق ـ های مستعمرات وکشورهای وابسته باورود به صحنهٔ مبارزهٔ رهائی ملی ناگزیر به مبارزه با خودپایه های رژیم استثمار کشانده می شوند و این بمعنای افول سرمایه داری درمجموع وافول سرمایه داری به مثابه یک سیستم اجتماعی جهانی است"**

*ـ کنگره بیست وپنجم ح.ک.ا.ش. صفحات ۱۵ و ۱۶

**ـ کنگره بیست وچهارم ح.ک.ا.ش. ص ۳۳

کارنامهٔ ابوالحسن...

بقیه از صفحه ۶

نیست." (کیهان)

به این ترتیب باطرح مسئله "دیدارهیئت با گروگان ها" توسط قطب زاده و تائید آن توسط بنی صدرالبته غیرمستقیم ـ هم نام هیئت وهم ماموریت آن، که رسیدگی به جنایات شاه مخلوع بود، بدست فراموشی سپرده شد وبسیار زیرکانه مسئله "دیدارهیئت باگروگان ها" در صدر اخبار قرار گرفت.

روز ۱۵ اسفند: "بنی صدر گفته است که قطب زاده با امام تماس گرفته وامام خمینی تصمیم شورای انقلاب رامبنی براینکه کمیسیون می تواند گروگان هارا ببیند تائیدکرده اند." (کیهان)

روز بعد معلوم شدکه این استناد به امام دروغ است:

"دکتربهشتی خاطرنشان ساخت که شورای انقلاب دراین مورد با امام صحبتی نکرده است." (۱۶ اسفند ۵۸ ـ کیهان)

دراین هنگام که دیگر دیدار هیئت با "گروگان ها" به مسئلهٔ اصلی تبدیل شده بود، مقاومت مرحله به مرحلهٔ دانشجویان مسلمان پیرو خط امام دربرابر آن شکل گرفت:

"...دانشجویان گفته اند در صورتی که امام چنین دستوری را بدهند، آن ها اطاعت خواهند کرد..." و: "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اعلام کردند، پس از تسلیم گزارش کمیسیون در مورد جنایات شاه وآمریکا به سازمان ملل، دیدن گروگان ها بلامانع است." (همانجا)

وبنی صدر، که باتمام نیرو وارد گود شده بود، درهمین روز گفت:

"دولت قبلا وعده داده بود و خلاف وعده موضع دولت راتضعیف می کند." (کیهان)

وناگهان روز ۱۸ اسفند، موضوع "ملاقات هیئت باگروگان ها"، ناگهان ابتدا به "تحویل گروگان ها به دولت" وسپس به "تحویل گروگان ها به قطب زاده" تبدیل شد.

دراین روز، درحالیکه دانشجویان خواستار نماینده ای غیرازقطب زاده بودند، خبرگزاری پارس اعلام کرد:

"صادق قطب زاده تائیدکردکه بعد از ظهر امروز برای اجرای مستقیم دستور شورای انقلاب مبنی برتحویل گرفتن گروگان ها به لانه جاسوسی خواهدرفت." (کیهان)

روز بعد آیت اله مهدوی کنی، عضو شورای انقلاب، گفت:

"شورای انقلاب اصراری به تحویل گرفتن گروگان ها ندارد..." (کیهان)

اماقطب زاده اعلام کرد:

"امام خمینی با دیدار گروگان ها بااعضای کمیسیون تحقیق موافقند" (۱۸ اسفند ۵۸ ـ ـ اطلاعات)

ولی سخنگوی دانشجویان مسلمان پیروخط امام اعلام کرد:

"...تاآن حدی که ما اطلاع داریم امام چنین نظری ندارندوبا این مسئله موافقت نکرده ـ اند..." (همان جا)

وسرانجام رز ۲۱ اسفند، امام خمینی با صدور فرمانی، رسیدگی به مسئله "گروگانها" را به مجلس واگذارکردند واعلام داشتند:

"کمیسیون هنگامی می تواندگروگان ها را ببیندکه نظریات خودش را در مورد تحقیقاتش در زمینهٔ جنایت شاه مخلوع ودخالت آمریکا در ایران علنا اعلام دارد." (کیهان)

وکمیسیون "سیا" ساخته با صدوراین فرمان دمش راروی کولش گذاشت وگریخت وحتی حاضر نشداسناد جنایات شاه را از دانشجویان، که آنها راتاپای پلکان هواپیما برده بودند، تحویل بگیرد.

وبه این ترتیب رشته های قطب زاده ـ بنی ـ صدر ـ والدهایم پنبه شد.

بردگی در قرن بیستم

یکی ازسازمان هایی که به مسئلهٔ بردگی و تجارت انسان ها می پردازد، "جامعه ضد بردگی برای حفظ حقوق بشر" است، که مقرآن در لندن است. این سازمان در سال ۱۸۲۳ پایه گذشته شد و امروزه یکی از سازمان های مشورتی "شورای اقتصادی واجتماعی سازمان ملل متحد" ("اکو ـ سوک") است.

این سازمان چند ماه پیش در گزارشی به مسئله کارکودکان در تایلند اشاره کرد. تخمین زده می شود، که دراین کشور ۳/۵ میلیون کودک جوانتر از ۱۴ سالگی به کاراشتغال دارند، که والدینشان آنها را به کارفرمایان فروخته اند. پدران ومادران این کودکان سالیانه ۴۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ ریال ازاین بابت دریافت می دارند. به موجب تحقیقات "جامعه ضد بردگی برای حفظ حقوق بشر"، درایتالیا واسپانیا نیز کار غیر ـ قانونی کودکان روبه افزایش است. اسپانیا با ۲۰۰۰۰۰ کودک "کارگر" دراین زمینه یکی از رکورد داران اروپا به شمار میرود.

کارکودکان منبع سودآوری برای کارفرمایان است، چه ازاینراه سطح دستمزد بزرگسالان نیز پائین می آید.

درسال ۱۹۲۶، "جامعه ملل" معاهده ای بین المللی برای مبارزه با بردگی وبرده فروشی تصویب کرد. "مجمع عمومی سازمان ملل متحد" هم درسال ۱۹۴۸ درماده ۴ "بیانیهٔ عمومی حقوق بشر" مقرر داشت که:

"هیچکس رانمیتوان به بردگی و اسارت درآورد."

برپایهٔ تعریف "سازمان ملل متحد" تملک انسانها، رهن افراد، فرزندخواندگی دروغین وهرگونه ازدواج برده وار شامل این ماده می گردد.

هشدار!

به اعضاء و هواداران سازمان مجاهدین خلق

وصیت نامهٔ سید محمّد رضا سعادتی

سطور زیر که در فاصله‌اندکی از مرگ نگاشته‌شده و عصاره نتایج یک‌تجربه‌نادرست، زیان‌بخش‌و‌تلخ‌است، از‌محمدرضا سعادتی ازاعضای موثر سازمان مجاهدین‌خلق‌است. این سطور هشداری است از پای جوبهٔ‌اعدام‌به‌اعضاء و هواداران سازمان مجاهدین خلق!

سعادتی مرگ خویش رادستمایه‌اعتبارسخنانش‌کرده‌وخطاب به‌اعضاوهواداران سازمان‌مجاهدین‌خلق‌نوشته‌است:

"من‌می‌توانستم‌قبل ازصدور حکم، با عنوان کردن نقطه نظراتم به‌طوررسمی، خودراازمرگ‌برهانم، ولی‌من‌مرگ را انتخاب کردم تامبادافکرشودکه‌این‌نقطه‌نظرات برای تمایلات شرک‌آلود ترس ازمرگ‌است:

دریک‌سال‌ونیم‌گذشته، هرکس از رهبری مجاهدین خلق انتقادکرد، هرگروه‌وحزبی که‌به‌آنها گفت اشتباه‌می‌کنید، رهبری مجاهدین‌خلق اورا "خائن‌ومرتجع" خواند. رهبری مجاهدین‌خلق بازدن‌این‌برچسب‌هابرهمهٔ‌نیروهاوعناصرانقلابی ومترقی، راه‌خود رابیشتروبیشتربه‌سوی‌ضدانقلاب بازکرد، تاجائی‌که امروز رهبری مجاهدین‌خلق‌کاملادست‌بدست‌امپریالیسم‌آمریکاوضدانقلاب‌داخلی داده، علیه‌انقلاب‌وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌قیام مسلحانه‌کرده‌وبه‌کشتار شخصیت‌های‌انقلابی ومردم بیگناه‌پرداخته‌است.

اماآنکس که‌سطورزیر رانوشته، تا امروز نزدرهبری‌مجاهدین قهرمان‌بزرگی‌بوده‌است. رهبری سازمان‌بارهاوبارها، سعادتی را سمبل مقاومت‌خلق‌معرفی‌کرده‌است. به‌این ترتیب وصیت‌نامهٔ سعادتی، سخنان‌یکی‌ازمعدودکسانی است‌که‌رهبری‌مجاهدین‌خلق— غیرازخودش— به‌اولقب قهرمانی داده‌است. وسعادتی‌نیز— چنان— که درووصیت‌نامه‌اش آمده— بادرک این‌مسئله که تنها مرگ او می‌تواند مانع‌ازاین‌شودکه‌رهبری مجاهدین‌خلق، یکشبه او را هم "خائن‌ومرتجع" بخواند، جان‌خودراوثیقهٔ درستی یافته های نوینش‌قرارداده‌است.

آنچه‌سعادتی دروصیت‌نامهٔ خود نگاشته— بااینکه همه تحلیل‌های آن موردتائیدمانیست— عمل شجاعانه فردی‌درلحظه اعدام‌است‌که‌بانگ‌برمیدارد تاسیاستی به‌غایت‌خائنانه‌راتیرباران کند، سیاستی‌که‌رهبری‌مجاهدین‌خلق‌آن‌رابه‌سازمان‌تحمیل‌کرده و آن‌را تااتحاد آشکار با امپریالیسم آمریکاوضدانقلاب داخلی‌پیش رانده‌است.

ماهمهٔ‌اعضاو هواداران سازمان‌مجاهدین‌خلق را به‌مطالعه دقیق وصیت‌نامه‌محمدرضاسعادتی جلب‌می‌کنیم و از آنها می— خواهیم‌که‌درباره‌این‌سخنان‌بیاندیشند وبیدرنگ راه خود را از رهبری ضدانقلابی مجاهدین‌خلق، که دست در دست‌امپریالیسم جهانی، به‌سرکردگی‌امریکای‌خونخوار و ضدانقلاب داخلی دارد، جداکنندوبه‌آغوش انقلاب بازگردند.

متن‌وصیت‌نامه‌اینجانب‌سیدمحمدرضا سعادتی به‌مادرمجاهد، مادر رضائی‌های شهید

بسم‌ا... الرحمن‌الرحیم

رب‌ادخلنی‌مدخل‌صدق‌واخرجنی مخرج‌صدق واجعل‌لی‌من لدنک سلطانانصیرا

مادر والای مجاهد! فرزند مجاهد تو در آخرین لحظات حیاتش حرف‌های درونی‌اش را از طریق تومیخواهدبه‌خواهران وبرادران مجاهدش‌برساند، آرزومیکنم که‌بااین‌عمل در پیشگاه‌خدا سرافکنده‌نباشم.

روی‌سخن‌من به‌سوی خواهران وبرادران مجاهدیست که با آرمان‌های والای توحیدی آرزوهای پرشکوهی رادارند. بخصوص روی سخن‌من‌باکسانی‌است که اکنون مسئولیت‌رهبری سازمان‌رابر دوش‌میکشند و در مرکزیت آن‌نشسته‌اند. برادران! من درشرایطی به‌سوی‌مرگ‌گام برمیدارم‌که‌نتوانستم مواضع جدید سازمان را درک کنم‌ونسبت‌به‌آن‌اقناع‌نشدم. من‌شاید ازپیش چنین خطری را احساس‌کرده‌بودم، ولی اکنون‌دراین‌آخرین‌لحظات‌خطر رابسیار جدی وملموس‌می‌بینم‌من به‌هیچ‌وجه‌نتوانستم خودرا قانع کنم که چنین‌خطری را ناگفته‌گذارم وازاین نظر خود را مسئول احساس می‌کنم. برادران‌منهم‌خودم را دراتخاذ مواضع جدید مسئول میدانم. هرچندکه‌در زندان وبه‌دور از تمامی بحث‌ها وتصمیم— گیری‌ها بودم، لیکن‌من‌به‌عنوان یک عضوی که قدرت درک و تشخیص سیاسی، استراتژیک داشت ومی‌توانست حداقلّ اظهار نظرکند، در رابطه با سازمان حضور و وجود داشتم.

برادران‌مابامواضع جدیدمرزهای سیاسی — استراتژیک خودمان‌راباتمایلات‌بورژوازی وخرده‌بورژوازی مرفه‌ازیک‌طرف و مواضع اپورتونیسم‌چپ از طرف دیگرکاملامخدوش کرده‌ایم. همان‌مرزهائی که ضامن‌حفظ‌وبقای سازمانی درابعادتوحیدی‌اش بوده‌حتمامیگوئیدکه‌من‌درزندان‌بودم وازکم‌وکیف مسائل جامعه اطلاعی‌ندارم. این‌درست‌است، ولی قبول‌کنیدکه‌مسایل جامعه آنقدر پوشیده‌نیست ومنهم‌آنقدر بیگانه‌نبوده‌ام، برادران من بارها وبارها در رابطه بامواضع جدید سازمان‌گریستم. و هم اینک هم درموضع شدیدترین‌تاثرات‌عاطفی‌این‌مطالب رامی‌نویسم.

برادران‌ماچه‌جبهه‌ای راگشوده‌ایم وقدم در چه صحنه ای گذاشته‌ایم؟ چه‌شدکه آنهمه تحمل وشکیبائی انقلابی خود را از دست‌دادیم. همان‌شکیبائی که‌به‌آن‌ویژگی خاص‌توحیدی را در این‌مرحله‌میداد. برادران‌مادر دامی که‌امپریالیست‌ها برایمان چیده‌بودندگرفتارشدیم. ماگام درصحنه‌ای گذاشته‌ایم‌که درآن صحنه‌تقابل‌هیچکدام‌ازطرفین‌دعواازآن پیروز بیرون نخواهند آمد، بلکه‌این‌امپریالیست‌هاومزدوران‌داخلی آنها هستند که کرکس‌وار بربالای صحنه‌پروازمیکنندوانتظار روزی رامیکشند تا فرودآیندوبابراه‌انداختن‌حمام‌خون (ازنوع‌اندونزی) دیکتاتوری وحشتناکی راحاکم‌گردانندوهزاران‌نفر را از طرفین به جوخهٔ اعدام بسپارند. برادران‌مابه‌سهم‌خود در گشودن این‌صحنه که زمینه‌های‌روانی تحقق‌چنین‌کودتائی رافراهم میکند، مسئولیم. شاید مطرح‌کنید که‌این‌مانبودیم که‌این‌صحنه‌راگشودیم، بلکه بر ما تحمیل‌گشت. ولی‌برادران، ماهم به‌عنوان‌یک‌طرف این‌دعوامی— توانیم ومی‌توانستیم از زیر باراین تحمیل خارج‌شویم، کمااینکه تاکنون‌چنین‌بود. برادران‌عزیز! گاه‌لازم‌است که‌حتی از حقوق اساسی‌خود دررابطه بامنافع تمامی خلق صرفنظرنمود، علی (ع) شیرمیدان‌جنگ‌ازحق‌خود ۲۵ سال صرفنظر نمود وشمشیرنکشید، باتوجه‌به‌اینکه‌میدانست‌که اگربیرون‌می‌آمد و فریاد حق طلبانه سرمیداد، صدها وهزاران جوان سلحشور وجنگجوی عرب به‌دور او حلقه‌می‌زدند.

برادران! حتماعنوان میکنیدکه‌از درون سیستم حاکم بالاخره امثال سادات‌ها درآینده‌بیرون‌خواهدآمد. ولی چه دلیلی داردکه‌امروز‌ما درمقابل‌ناصر موضعگیری‌کنیم. آیا وظیفهٔ انقلابی حکم نمی‌کندکه‌ناصر راتقویت‌نمود؟ برادران دفاع از لیبرال‌ها را درعمل‌مطلق کردیم وبالاخره در نهایت‌در این دام‌افتادیم.

برادران‌من‌هرچه‌که‌این‌جبهه‌وقطب‌بندی راجستجو کردم برای آن‌عمق طبقاتی‌نیافتم. برای آن‌نتوانستم‌مرز بین خلق و امپریالیسم راترسیم‌کنم. برادران در ویتنام، در کامبوج، ، در کوباو... ودر نیکاراگوئه نیروهای‌انقلابی با اتکاء به تمامی خلق در یکطرف قرارداشتند وامپریالیست‌ها، سرمایه— داران‌وابسته، فئودالیسم واشراف، ومزدوران‌داخلی در طرف دیگر واقع شده‌بودند، ولی برادران ما در این‌صحنه‌چه‌قطب— بندی را در روبروی خود داریم؟ وباچه منطقی خود را راضی کنیم. من‌هرچه‌فکر کردم‌نتوانستم خودم را راضی کنم که عمق این‌صحنه‌نبرد بین خلق وامپریالیسم رانشان‌میدهد. من در عمق صحنه‌دست‌های پلید وآتش‌افروزجهانخواران و مزدوران داخلی آنها رامی‌بینم که از آغاز پیروزی انقلاب‌کبیر۲۲بهمن سعی در رودررو قراردادن‌نیروهابویژه سازمان مجاهدین با حاکمیت بود.

برادران عزیزم! من‌شمارابه‌فکر واندیشهٔ‌کامل توصیه‌می— کنم. من‌هیچ‌آرزو ندارم که‌مرگم‌عاملی جهت رشد خشونت ها گردد، بلکه‌دراین‌آرزویم که‌حال‌که‌حیاتم در ایجادفضائی‌صلح— آمیز ومحبت‌گونه‌نقش نداشته‌است مرگم بتواندروح وحدت‌وصلح رادرجامعه‌گسترش‌دهد، یعنی همان‌روحی‌که‌دشمنان ما یعنی امپریالیست‌هاسخت‌ازآن‌وحشت‌دارند.

برادران‌مابه‌حساب‌کدام‌نیروی‌اجتماعی‌پا بدین صحنه گذاشته‌ایم، مطمئن‌باشیدکه‌کارگران‌ودهقانان‌به‌هیچ‌وجه‌ازهیچ— کدام از طرفین دعواحمایت‌فعال‌مادی ومعنوی نخواهندکرد و اساسا از صحنه‌سیاسی‌جامعه دورشده و موضع منفعل— خواهند گرفت. همان‌چیزی راکه لاشخورها در انتظار آنند.

برادران‌شما از دیکتاتوری وخفقان وحشت دارید، کدام دیکتاتوری؟ برادران، دیکتاتوری‌یامی‌بایدبربنیادهای‌فئودالی استوارباشدکه‌درایران‌چنین‌بنیادهایی‌وجودنداردویابراقتصاد کمپرادوری‌که‌اینهم‌موجودیتی درسیستم حاکم ندارد. حتما دیکتاتوری ازنوع‌سرمایه‌داری دولتی‌مانند مصر وعراق و... را نام‌می‌برید. برادران مامی‌توانیم در کنارسرمایه‌داری‌دولتی‌بر علیه‌امپریالیست‌هاباشیم، گواینکه‌دراین‌مسئله‌که‌نظام اقتصادی حاکم به‌سوی سرمایه‌داری دولتی‌می‌رود هنوز حرف هست. برادران فراموش‌نشودکه‌ایران همواره دریکصد سالهٔ‌اخیرکانون تحولات‌انقلابی درمنطقه‌خاورمیانه‌بوده، ایران‌مهدتشیع سرخ است وازیک فرهنگ‌انقلابی قوی برخورداراست، از طرف دیگر برادران‌شرایط‌واوضاع واحوال بین‌المللی اجازهٔ شکل گیری چنان‌استبدادی راکه‌عمدتا بورژوازی آنراتبلیغ می‌کند و ترس و وحشت ازآن را دامن می‌زند، نخواهد داد.

من‌فکرمی‌کنم که‌ما هنوز اسیر در چنگ‌مسایلی هستیم که در زندان‌باآن‌روبروبودیم وازسر گذرانديم. مابه‌طور خود— به‌خودی به‌رشدخصومت‌هاوکینه‌های شکل‌گرفته درداخل‌زندان کمک‌کردیم ودرنهایت حتی تامرز یک‌قطب‌بندی‌پیش‌بردیم، در صورتی‌که‌شرایط‌کنونی‌مبین‌شرایط بعداز انقلاب‌بنیادا" باشرایط زندان‌تفاوت‌داشت. برادران‌بورژوازی از یک‌طرف واپورتونیسم چپ از طرف دیگر چنان‌جو تبلیغاتی فراهم کردندکه ما را به دنبال خودشان‌کشاندندبطوریکه‌ما مجبور شدیم که‌از خود در مقابل اپورتونیسم‌چپ دفاع‌کنیم که‌ما"پی‌گیر"نیستیم‌و"انقلابی" هستیم. ماموضع قاطعی در قبال، اپورتونیسم‌چپ نگرفتیم. مادر قبال ماجراجویی‌های آنها پاسخ قاطع ندادیم. برادران من‌فکرمی‌کنم که‌خط‌اصولی وصحیح دفاع وتقویت مواضع ضد— امپریالیستی‌رژیم حاکم‌است ومقابله وتضعیف آن در این**مواضع** اپورتونیسم‌چپ است. ما از ابتدا چنین اصولی را تبلیغ **می—** کردیم‌و نیروها را دعوت‌می‌کردیم که دست‌از چپ‌روی و ماجراجویی بردارند و مواضع‌ضد امپریالیستی‌رژیم حاکم‌راتقویت‌کنندوحتی در گنبد توصیه‌می کنیم که‌تمامی‌دفاتر خودراتعطیل کنندولی خودمان به طور خودبخودی و تحت تاثیر جوفشار تبلیغاتی حاصل ازبورژوازی وخرده‌بورژوازی مرفه ازیک‌طرف و اپورتونیسم چپ از **طرف‌دیگر** این‌اصول را نادیده‌گرفتیم. برادران خصایل ضدامپریالیستی‌را که ما از برای رژیم ترسیم میکردیم از آن‌جناح‌لیبرال **مانبود،** چراکه‌خودبهترمیدانستیم که‌لیبرال‌هاهیچ توان‌درک‌**امپریالیسم** وخطر آنرا ندارند. این‌خصایل را مادر جناح دیگر**جستجومی—** کردیم، وبرادران‌خیلی صریح‌بگویم من این خصایل را **هنوز** مشاهده‌می‌کنم وآنرابه‌شدت قابل تقویت می‌بینم. برادران عزیزم! مااحتیاج به‌یک "تجدید نظر اساسی در خط **مشی‌مان** داریم. ما بانیروئی‌که‌در سطح جامعه دراختیار داریم، می— توانیم باچرخشی اصولی وتاریخی فضای‌تیره ودشمن شادکن میهنمان‌رادگرگون‌کنیم وآنرابه‌محیطی سرشار ازتلاش، سازندگی و محبت نمائیم. برادران تاریخ در موردماقضاوت‌خواهدکرد، مبادکه فردای تاریخ‌ماسهمی از مسئولیت‌شکست‌ها را بر دوش بکشیم.

عزیزان! مایکبار دچار غرور سازمانی شده‌ایم‌ونتیجه تلخ آن‌را نیز چشیده‌ایم، مباداکه‌دوباره‌مادچارهمان غرور سازمانی شده‌باشیم. من‌فکرمی‌کنم که‌این غرور فعلا وجود دارد، برادران فکرکنیم، به‌سرنوشت‌خلق، به‌سرنوشت انقلاب و به سرنوشت مکتبمان‌اسلام، مباداکه‌این‌غرور مارابه‌دام‌خودکشانده‌است.

برادران من، ازقبول‌شکست‌وپذیرش‌خطا واشتباه نباید هراسید، برادران‌بجای‌اینکه‌به‌منافع کوتاه‌مدت‌سیاسی‌اندیشید، بایدتاریخی‌اندیشید و یابهتربگویم باید تفکری توحیدی‌داشت هیچ‌مهم‌نیست‌که‌مادرحرکت‌های‌سیاسی‌مان شکست وعقب نشینی راپذیریم. درمقابل‌توده‌هاغرورهیچ‌معنی ومفهومی‌ندارد. باید خلوص‌داشت. برادران‌من‌فکرمی‌کنم که‌ما فریب این‌حمایت‌های صوری ولفظی قشری از جامعه راخورده‌ایم، حمایتی که قبل از اینکه‌عمق انقلابی وتوحیدی داشته‌باشد، عکس‌العمل عاطفی ناشی از گرایشات غیر انقلابی وطبقاتی قشرحمایت‌کننده‌است. برادران‌مرامی‌بخشیدکه‌چنین‌بی‌پروامی‌گویم، شایدبگوئیدکه "سید" بالاخره با این وصیتش‌به‌ماضربه‌زد ممکن‌است که این وصیت باعث‌شودتا از نظر سیاسی شما حداقل‌مورد سئوال واقع شوید ولی‌من‌با ایمان واعتقاد به حقانیت جهان‌بینی‌توحیدی وپیروزی نهائی آن‌حساب‌تمامی این‌مسایل راهم‌کرده‌ام‌واز نظر من‌هیچ‌مهم‌نیست‌که‌در ظاهر این‌وصیت‌نامه به سازمان‌ضربهٔ سیاسی بزند. ولی‌من‌این‌ضربه‌راهشداردهنده‌میدانم‌وآرزودارم که برادران عزیزم رابویژه برادرانی‌که‌درمرکزیت سازمان قرار گرفته‌اند به‌فکر وادارد.

برادران‌من‌می‌توانستم‌قبل‌ازصدور حکم اعدام با عنوان کردن نقطه‌نظراتم‌بطور رسمی خود را از مرگ برهانم ولی من مرگ را انتخاب‌کردم تامبادا فکر شودکه‌این نقطه نظرات برای تمایلات شرک‌آلود ترس از مرگ‌است.

من‌مرگ را با اشتیاق پذیرفتم وشاید چندساعتی به آن نمانده‌است‌که‌من‌خودم‌راشهید درمسیرتوطئه‌های‌امپریالیست— هامیدانم ومن هیچ‌فردی رادراین‌مورد مسئول‌نمی‌دانم‌وانتقام خون‌من‌جز ازجهانخواران و مزدوران‌داخلی آنهاپس گرفتنی نیست. باز دراینجا تکرارمی‌کنم به‌هیچ‌وجه آرزو ندارم که‌مرگ من عاملی درجهت رشد وگسترش خشونت‌هاگردد، بلکه‌آرزوی قلبی من‌اینست‌که‌این مرگ دریچه‌هارابه‌سوی وحدت و الفت بگشاید.

برادران‌عزیزم، درپایان‌این‌وصیت‌مجبورم نظرم‌راخیلی صریح وروشن در مورد‌امام خمینی مطرح‌کنم. برادران امام خمینی در شرایط‌کنونی‌تارخ‌میهن‌عزیزمان‌مظهرخشم‌توده‌های محروم‌ایران وحتی‌منطقه‌علیه‌غارتگری‌هاوجنایات‌جهانخواران است، برادرانم! چرااین‌خشم راتقویت‌نکنیم وچهره‌خندان‌امام خمینی رابرای خود وبرای‌توده‌هاطلب نکنیم. برادران امپریالیست‌هاومزدوران‌داخلی‌آنهابه‌شدت‌ازاین‌خشم انقلابی وحشت‌دارند، بورژوازی در داخل و سایر نیروهائی که برای امپریالیسم سفره پهن می‌کنند تلاش می‌کنند تا این مظهر را ازبین‌ببرند ویاضعیف‌کنند. برادران! مانباید بمانند لیبرال ها برخورد کنیم. فرق‌است بین یک سازمان‌انقلابی ومردمی با نیروهای‌لیبرال، نبایددچارهمان غرور وعواطفی‌بشویم که تمایلات‌لیبرالی در داخل جامعه تبلیغ می‌کند. برادران مجاهدم! من‌دراین‌آخرین لحظات‌شمارابه‌فکر و صبر توصیه می‌کنم به‌فکری عمیق وتاریخی وتوحیدی، صبری عمیق، تاریخی وتوحیدی.

سلام علیکم بماصبرتم فنعم عقبی‌الدار

بادرود به‌تمامی شهدای به‌خون‌خفته‌خلق

وبادرود به‌خلق‌قهرمانمان

زنده‌باد اسلام — مرگ بر امپریالیست‌ها

زندان‌اوین— ساعت ۶/۱۰

بعدازظهر یکشنبه۴/مرداد/۱۳۶۰

سیدمحمدرضا سعادتی— امضاء

(به‌نقل‌از "جمهوری‌اسلامی" ۶۰/۵/۷)

شرکت فعال در نبرد عادلانه بر ضد تجاوز رژیم صدام یک وظیفه انقلابی است!

مصلحت انقلاب ایران در پذیرش پیشنهاد مذاکرهٔ دولت افغانستان است

دولت انقلابی افغانستان بار دیگر از ایران وپاکستان تقاضا کرده است که برای عادی کردن مناسبات با یکدیگر به مذاکره بپردازند. از ۱۴ مه ۱۹۸۰ تاکنون، این هفتمین بار است که دولت افغانستان چنین پیشنهادی را مطرح ساخته است.

آخرین پیشنهاد دولت افغانستان در شرایطی طرح میشود که نه فقط واقعیات بسیاری از آنچه در افغانستان میگذرد، فاش گشته است و هر روز بیش از روز پیش تحریک و توطئه علیه افغانستان را به مثابهٔ یک توطئهٔ آمریکائی ـ چینی می نمایاند، بلکه تاثیر زیانبخش "مبارزان"، پناهندگان مهاجرین افغانی برای انقلاب ایران نیز فزونی وشدت یافته است جمهوری اسلامی ایران درست در شرایطی که با توطئه های خطرناک داخلی وخارجی امپریالیستی برضد موجودیت خویش روبروست، با دشواری های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مضاعفی که به واسطه وجود یک تا دو میلیون مهاجر افغانی و اقدامات گروه های آمریکائی افغانی به وجود آمده، مواجه است.

افغانستان انقلابی و ایران انقلابی این روزها در حال و هوای مشابهی بسر میبرند. گروه های تروریستی ضدانقلابی که توسط آمریکا وانگلیس و چین و پاکستان ومصر وعراق هدایت و تغذیه میشوند، مسئولین ومردم این دو کشور را آماج ترور و بمب گذاری ساخته اند، مداخله خارجی برای سرکوب هردو انقلاب از طریق پاکستان (علیه افغانستان) وعراق (علیه ایران)، با پی گیری ادامه می یابد وتوطئه های ضد انقلابی علیه هردو انقلاب در یک نقطه یعنی "کاخ سفید" طرح و به مجریان، یعنی کشورهای سرسپرده وگروه های ضدانقلابی ابلاغ میگردد.

امروز این واقعیت را همگان می دانند که ـ صرفنظر از افراد گمراه و فریبخورده ـ سازماندهندگان اصلی، گروه های افغانی، که تحت لوای "اسلام" به تحریک وتوطئه وترور وبمب گذاری علیه دولت افغانستان مشغولند، ازجانب آمریکا، انگلیس، چین، سادات وضیاء الحق، تغذیه وهدایت میشوند وحکمت یارها و مجددی ها وربانی ها به همان اندازه "مسلمان" و "انقلابی" اند که بختیار واویسی وهمپالکی هایشان.

گذشته از اینها، افعی های زهردار افغانی، که ایران را جولانگاه خود ساخته اند، درمیان خیل پناهندگان افغانی، که بدون کنترل به هرجائی روانند انقلاب ایران را نیز از نیش مسموم خود، در امان نمی گذارند وخود ازعوامل مهم موجد فساد، تحریک وتوطئه اند.

پناهندگان افغانی، موجد دشواری های اقتصادی برای جمهوری اسلامی ایران هستند. هزینه تغذیه و نگهداری خیل عظیمی بین یک تا دو میلیون افغانی، درشرایطی که تامین شرایط زندگی صدها هزار جنگ زدهٔ ایران، وظیفه ای حاد وجدی بر دوش دولت جمهوری اسلامی ایران قرارداده است، در شرایطی که بیکاری ناشی از فرو ریختن اقتصادی وابسته وپوک، میلیونها ایرانی را در تنگناهای معیشتی قرارداده است، باری سنگین وغیرضرور بر دوش جمهوری اسلامی ایران است. دولت افغانستان بارها پناهندگان افغانی را به بازگشت به خانه و کاشانهٔ خود فراخوانده است وچندی است که اندک اندک، باروشن شدن حقایق درباره چهره ومقصود واقعی گروه های آمریکائی ـ افغانی، افغان های گمراه وفریب خورده به کشورخویش بازمیگردند. ولی متاسفانه هنوز دولت جمهوری اسلامی ایران، علیرغم پیشنهادهای مکرر دولت افغانستان و علیرغم دشواری های عظیم ناشی از وجود یک تا دو میلیون افغانی، به مذاکره درباره حل این مسئله اقدام نکرده است.

پناهندگان افغانی، دشواری های سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران پدید می آورند. وجود گروه های ضدانقلابی افغانی که از آمریکا، انگلیس، چین، سادات وضیاءالحق، پول واسلحه ودستور می گیرند، درمیان مهاجران افغانی، بدانها امکان میدهد که خطری جدی ودائمی علیه جمهوری اسلامی ایران باشند و هر زمان که اربابان بخواهند، لبهٔ تحریک وتوطئه را علیه انقلاب ایران برگردانند. آنها با قاچاق اسلحه وارز، به دشمنان انقلاب ایران، یاری میرسانند..

دشواری های اجتماعی نیز از دیگر مسائلی است که خیل عظیم آوارگان افغانی پدیدآورده اند. گروه های اوباش وماجراجو که درمیان مهاجران افغانی پراکنده اند، همه جا را به فساد، دزدی، جنایت می آلایند، وازآنجاکه کنترل جدی از جانب دولت ایران اعمال نمی شود، بی محابا به قاچاق گستردهٔ هروئین، تریاک وحشیش، دزدی وقتل وآدمکشی، اقدام می کنند. آنها امنیت را دربسیاری نقاط، برهم زده اند ومحیط ترس وناامنی پدیدآورده اند.

این هاواقعیاتی انکارناپذیراند که دولت انقلابی ایران را به نگرشی تازه وبرخوردی شجاعانه به "مسئله افغانستان" فرامی خوانند. مسئله تنها این نیست که امپریالیسم آمریکا ومتحدانش وایادیشان در خاک ایران انقلابی، که در صدد سرنگون ساختن دولت آن هستند، برای تحریک و توطئه علیه افغانستان انقلابی سوء استفاده می کنند. مسئله تنها این نیست که تحریک وتوطئه افغان های ضد انقلابی علیه دولت انقلابی افغانستان، با منافع واقعی مسلمانان انقلابی ایران، در تضاد است، مسئله تنها این نیست که اسلام "مبارزان" افغانی همان "اسلام" آمریکایی اسلام "خلق مسلمان" واسلام "بنی صدر" است، مسئله همچنین آنستکه حل نشدن مسائل فیمابین ایران و افغانستان جز به زیان مصالح انقلاب وجمهوری اسلامی ایران، حزپذیرش دشواریهای غیرضروری اقتصادی، سیاسی واجتماعی نیست.

باید درباره پیشنهاد دولت انقلابی افغانستان برای مذاکره به طور جدی اندیشید. مصلحت انقلاب ایران درپذیرش این پیشنهاد سازنده وصمیمانه است.

فرار سپهسالار...

بقیه از صفحه ۱

متحد ضدانقلاب"، به آواز سوز ناک بخوانند:

"بیا سوته دلان گردهم آییم".

ولی مشکل این است که به قول گفتنی "دوپادشاه در اقلیمی نگنجند".

"شجاع السلطنه"، این مرد میدان که دلیری وپایداریش نیازی به شرح و وصف بیشتر ندارد، ـ "مشک آن است که خود نبوید، بلکه عطار در بوق و کرنا بگوید" ـ بله، ابوالحسن خان سپهسالار که می دانید "بزرگترین اندیشه جهان معاصر" هم هست، "مرغ طوفان" را جغد کوری بیش نمی داند که "جبهه" را، "جبهه ملی" را، رها کرده آمده در پاریس لم داده است. اگراین فرار از سنگر مبارزه نیست، پس چیست؟

"مرغ طوفان"، پای منقل آراسته اش، پشت چشم نازک می کند و با صدای شکستهٔ دلنوازش می گوید:

"هه! این شجاع السلطنهٔ ریقماسی را ببین! چلوصافی به آفتابه میگه: دو سوراخه اخودت، عمو، صد تا بیشترش را داری. مگر تونمی گفتی، "می ایستم و می ایستم"؟ پس چی شد، اینجا، توشانزه لیزه خودمان چی کار می کنی؟!"

ابوالحسن خان، برپایهٔ "روش تحقیق علمی" اعلام می کند که فرار "مرغ طوفان" بافرار خود او فرق "علمی" دارد. "مرغ طوفان"، بدبخت، از طوفان فرار کرده، اما او "توفان" رافرار داده است. آن فرارازنهایت ترس واین یکی از فرط شجاعت و "استقامت" است.

این تحلیل "علمی" را، خیال می کنید "مرغ طوفان" درک بکند و به آن گردن بگذارد؟ البته که نه! گردن می کشد و چشم می دراند وحاضراست با منقارچشم "شجاع السلطنه" را دربیاورد. ولی خود داری می کند. دراین "مهدتمدن"، در این شهرپاریس حیف!...

"مرغ طوفان" "حق مسلم خود می داند که "رئیس جمهور" باشد. اما "شجاع السلطنه" کسی نیست که ازاین "حق مسلم" خود بگذرد:

"عمو، حواست کجاست؟ من یازده میلیون رای دارم. توچه داری؟"

"عموتوکلانه! یازده تا هم رای نداری، بروپی کارت".

گزارش ها حاکی است که این دعوا سر دراز دارد وامیدی به توافق "جبهه ای شجاع السلطنه و "مرغ طوفان" نیست. مگر آن که "عموسام"، که آن همه زحمت در پرورش "شخصیت ها" خواباندنشان در آب پیاز برای روز مبادا کشیده است، به هردوشان تشربزند وبافشردن گلوی هر دوشان ـ نه آن قدر که خدای نکرده خفه شان بکند! ـ سرعقل وآشتی شان بیاورد. بله، دموکراسی... دنیای آزاد...

حماسه هائی که در خون می شکفند

صد پاسدار

سنگرهای تجاوزگران صدامی، چسبیده به یکدیگر، آن روبرو گسترده شده بود. تجاوزگران آسوده در سنگرها نهان شده بودند و دشت مقابل را زیر نظر داشتند. دشت از جنبنده تهی بود. سایه ای اگر به چشم می آمد، بی درنگ به رگبار گلوله وخمپاره بسته میشد. تجاوزگران چند ساعت قبل دستورفوق العاده ای دریافت داشته بودند که می بایست باتمام قوا از پیشروی رزمندگان ایرانی دراین نقطه ممانعت کنند. در جبهه مجاور، نبرد شدیدی جریان داشت تجاوزگران، باذهنی پرسئوال و قلبی سرد، برای حفظ چیزی که به آنها تعلق نداشت، تلاش میکردند. نبرد در اوج حدت بود وهیچکس هنوز نمی توانست نتیجهٔ آنرا معین سازد.

نیروهای پیشروندهٔ ایران، یک پارچه آتش، یورش می بردند، بر خاک می افتادند، قدراست می کردند و باز پیش می رفتند. آنها تجاوزگران ترسان و متزلزل ونا امید را به وحشت مرگ انداخته بودند.

یک رشته سنگر تجاوزگران، در نقطه ای مرتفع مجاور جبهه ـ همانها که ذکرشان رفت ـ توجه شدید رزمندگان ایرانی را به خود جلب کرده بود. اگر این سنگرها سقوط میکردند، کارجبهه مجاور پایان یافته بود. فرماندهان نیروی تجاوزکار نیز اینرا خوب میدانستند و به همین دلیل دستور حفظ آنها را به هر قیمت صادر کرده بودند.

به فاصلهٔ اندکی، چندین بار رزمندگان ایرانی سوی سنگرها یورش بردند، ولی یورش ها ناموفق بودند. اینجاوآنجا در دشت بی انتها، اجساد تکه تکه شده پاسداران وسربازان ایرانی، که تجاوزگران هراز گاهی، باخشم ووحشت ازدوباره برخاستن آنها، به سویشان تیر می انداختند، باخاک تنهاگویی راز دل می گفت.

علت شکست تمامی این یورش ها، میدان مین بزرگی بود که به فاصلهٔ ۵۰ متراز سنگرهای تجاوزگران، چون نیم حلقه ای، سنگرها را در حفاظ خود گرفته بود.

درزیرخاک تشنه، که آرزومند باران وبذر گندم بود، تجاوزگران جابه جا بذر مرگ کاشته بودند، تادر زیر پای سربازان وپاسدارانی که عاشق آن خاک بودند، بروید وبه خاکشان کشد. در زیر آن خاک تفته، فنرهای مین ها همه آماده رها شدن بودند ونبض کلکسیونی از پیشرفته ترین ابداعات برای تکه تکه کردن زندگی ها، هیاهو می کرد. این مین صدتانک است، آن دیگری تنها پای انسان را قطع می کند، آن دیگر از زمین بیرون می جهد و در ارتفاع یک متری منفجر میشود، آن یکی مینی است که خنثی کنندهٔ مین را خاکستر میکند و...

جمع آوری مین ها وبازکردن راه کار دشواری نبود، اما به زمان نیاز داشت. اگرمین جمع کن ها، سه روز، ازساعت ۹ تا یک بعدازظهر، یعنی زمانیکه حرارت پنجاه وچند درجهٔ هوا وانعکاس نور از خاک داغ، آنهارا از دیدهٔ تجاوز گران خارج میساخت، کار میکردند، سنگرها به آسانی فتح میشدند. اما اکنون کار، کار لحظه بود. نه ساعت و روز. این سنگرها می بایست به هرقیمت هر چه زودتر فرومی ریختند. چاره چه بود؟ پاسدارها گردهم نشستند وبه چشمان هم نگریستند. صدتن بودند. گوئی خورشید تمام انرژیش را در بدن آنها دمیده بود. صدای قلب هاشان را تجاوزگران، اگر خوب گوش میسپردند، می شنیدند.

تصمیم خیلی زود گرفته شد.

تجاوزگران صدامی، با پشتگرمی به میدان مین، خاطری آسوده داشتند. بااین همه، از گرمای خاک و خورشید بیگانه ای که گوئی باهمه دراتش به جنگ آنها آمده است، گله میکردند، چرا بدینجا آمده اند؟ خودنیزنمی دانستند. اماحال که آمده اند، باید بکشند و گرنه، بازگشت امکان پذیر نیست.

خورشید مغز آنهارا می گداخت. گرماورخوت چون مهی جلوی چشمان آنها راگرفته بود. ناگهان...

ناگهان صدای چندین انفجار پی در پی، همراه باغریولی که موبرتن هرتجاوزگر سیخ میکرد، آنها را از جا پراند.

الله اکبر... مرگ برآمریکا!

چندین نارنجک درون سنگرها منفجرشد ودقیقه ای بعد، سنگرها فرو ریخته بود. گروهی از تجاوزگران کشته و عده ای دستهارا به علامت تسلیم بلند کرده بودند ومبهوت وناباور و وحشتزده به چهره نجیب پاسدارانی که چشمان درخشان و پراشک خودرا از آنها پنهان می ساختند، می نگریستند.

درپشت سر، سی ودو پیکر پرشور، پابرسرمرگ نهاده به خاک افتاده بودند. آری، چند دقیقه پیش، آن صد روح پرشور دریک خط مستقیم میدان مین را شکافته به جانب دشمن یورش برده بودند، سی و دوتن ازآنان، که پیشاپیش می دویدند، درانفجارمین ها به خاک غلطیده و امکان داده بودند که بقیه از لای پیکرهایشان عبورکنند وسنگرهای دشمن را خنثی نمایند.

صحنه نبرد درجبهه مجاور بسرعت بسود رزمندگان ایرانی تغییر می یافت.



حرکت تازه درمسابقه تسلیحاتی

ایندیراگاندی:

تسلیح پاکستان محصول استراتژی تنش فزائی بین المللی آمریکاست

ایندیراگاندی، نخست وزیرهند، باردیگرنگرانی کشور خودرا از تسلیح پاکستان ازسوی ایالات متحدهٔ آمریکا ابراز داشت.

وی در سخنرانی در شهر سری ناگارگفت:

"هندتسلیح پاکستان رادر پیوند باروبارویی فزاینده ای می بیند، که درنتیجه استراتژی جهان شمول ایالات متحده پدیدآمده است".

ازسوی دیگر، آندره گرومیکو وزیرخارجه اتحادشوروی، گفته است، که قرارداد صلح، دوستی وهمکاری میان اتحاد شوروی وهند پایه گسترش مناسبات میان دو کشور است.

آندره گرومیکو درمقاله ای، که به مناسبت دهمین سالگرد امضای این قرارداد درمجله "سرزمین شوروی" (چاپ دهلی) نوشت، مناسبات میان اتحادشوروی وهندرا "نمونه بارز اجرای اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای نظام های اجتماعی گوناگون" خواند.

وزیرخارجه اتحادشوروی پشتیبانی خودرا از پیشنهاد کشورهای منطقه اقیانوس هند درباره تبدیل منطقه به منطقه صلح تائیدکرد.

در بزرگداشت روز...

از صفحه ۱

روز جمعه ۹ مرداد، روز قدس، شهرها و روستاهای ایران صحنه خشم باشکوه مردم قهرمان ایران علیه امپریالیسم آمریکا و اسرائیل جنایتکار بود. فریاد رعدآسای مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل در فضای میهن انقلابی ما طنین افکنده به رزمندگان انقلاب که در جبهه‌ها با مجریان توطئه مشترک امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم رودررو و مسلحانه درگیر نبرد هستند شور و تحرکی دیگر بخشید. سیل جمعیت در شهرها و روستاهای ایران در شرائطی که جنایتکاران اسرائیلی با پشتیبانی بی‌دریغ آمریکا مردم لبنان و رزمندگان فلسطینی را قتل‌عام می‌کنند در شرائطی که امپریالیسم آمریکا با بسیج تمامی نیروهایش در منطقه، انقلاب ایران را همچنان مورد تهدید جدی قرار داده است و در شرائطی که عوامل آمریکا و طیف وسیع ضدانقلاب در داخل کشور با شکست مفتضحانه دیگری روبرو شده‌اند، به بزرگداشت روز قدس پرداختند و حمایت بی‌دریغ خود را از رزمندگان فلسطین و دلاوران جبهه نبرد با امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم ابراز داشتند.

* * *

امواج خروشان جمعیت در تهران از نخستین ساعات روز ۹ مرداد ۶۰، در مسیرهای دهگانه اعلام شده، در صفوفی فشرده به سوی دانشگاه تهران روانه شدند. گزارش‌خبرنگاران "اتحاد مردم" از این مراسم حاکیست، مردم بطور منظم با شعارهای "مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، مرگ بر صهیونیسم" و "مرگ بر مفسدین صدام و سادات و بگین" و "برپا، برپا با مسلسلها، سوی اسرائیل، سوی آمریکا" و "آمریکا، اسرائیل، دشمن آزادگان"، خشم و نفرت خود را از امپریالیسم و صهیونیسم جهانی به سرکردگی آمریکا اعلام کردند. برطبق گزارش‌خبرنگاران "اتحاد مردم" گروه‌هائی از رزمندگان سپاه پاسداران انقلاب، بسیج مستضعفین و نیز واحدهائی از ارتش جمهوری اسلامی ایران با رژه نظامی خود در این مراسم، ابهت و شکوه فراوانی به تظاهرات بخشیده بودند. در طول راه‌پیمائی مردم انقلابی ایران همچنین خشم و نفرت خود را نسبت به جبهه متحد ضدانقلاب که در طیف گسترده و رنگارنگ خود، انقلاب ایران را هدف یورش جنایتکارانه خود قرار داده‌اند، اعلام کردند و پیمان بستند تا نابودی کامل این جبهه ضدانقلابی به نبرد خود که طی آن پیروزی‌های چشمگیری نیز تاکنون به دست آورده‌اند، ادامه دهند. گزارش خبرنگاران ما همچنین حاکیست در طول راه‌پیمائی مردم با شعارهای "مرگ بر فرانسه" نسبت به عمل خصمانه دولت فرانسه در اعطای پناهندگی سیاسی به بنی‌صدر اعتراض کردند و خواهان استرداد بنی‌صدر روزجوی شدند در ساعت ۹/۴۵ صبح در حالیکه دانشگاه تهران و خیابان‌های اطراف آن مملو از جمعیت بود، مراسم روز قدس با خواندن قطعنامه راه‌پیمائی میلیونی مردم آغاز شد. در این قطعنامه ضمن ستایش از رهبری قاطع و مدبرانه **امام خمینی**، با اشاره به انتخابات دوم مرداد و انتخاب ریاست جمهوری جدید ایران انقلابی، تاکید شده است: "تا وقتی (رئیس‌جمهور) در خط امام و خط انقلاب باشد، از حمایت بیدریغ توده‌های میلیونی برخوردار خواهد بود." در همین قطعنامه حملات و ویرانگری‌های صهیونیسم به مردم جنوب لبنان و فلسطینی‌های ساکن این مناطق، به شدت محکوم شده و بر حمایت مردم ایران از مبارزه مردم این نواحی و شریک بودن آنان با خلق لبنان و فلسطین در سوگ شهدای حوادث اخیر تاکید شده است.

در قسمت دیگری از این قطعنامه، حملات "عوامل مزدور و سرسپرده استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل" به سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، محکوم شده و از وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران خواسته شده است تا "به وضع سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور رسیدگی کرده و سعی کنند این سفارتخانه‌ها، مظاهر جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور گشته و پیام‌های انقلاب ایران را به گوش جهانیان برسانند". در همین قطعنامه با اشاره به عوامفریبی‌های دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیسم در قبال مجازات عوامل ضدانقلاب در ایران آمده است "ما این عوامفریبی‌ها را که به سرکردگی شیطان بزرگ آمریکا صورت می‌گیرد محکوم می‌کنیم". در قسمت دیگری از این قطعنامه با اشاره به فرار بنی‌صدر به فرانسه و ضمن حمایت از ارتشیان متعهد و مبارز آمده است: "از شورای عالی دفاع مصرانه می‌خواهیم تا پس از بررسی ریشه‌ای قضیه عاملین کمک در فرار بنی‌صدر مخلوع را شناسائی و هرچه زودتر به مردم معرفی کنند". پس از قرائت قطعنامه در میان غریو شعارهای "مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل" مهندس حسین موسوی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به مناسبت این روز سخنان مهمی بیان کرد. وی از جمله تاکید کرد، برگزاری این روز در شرائطی است که "نیروهای امپریالیستی آمریکا در سراسر اقیانوس هند، در منطقه، در سودان، در سومالی، در کنیا، در عمال با ایجاد پایگاه‌هائی سعی می‌کنند انقلاب اسلامی ما را محاصره نماید"، کشورهای مرتجع منطقه و حکام وابسته به آمریکا در منطقه بعنوان دفاع از قدس و با پوشش آزادی قدس دست به اتحاد شومی زدند و سعی می‌کنند راه حل های کمپ دیویدی را در منطقه گسترش دهند" و نیز "در مرزهای خود مشغول ستیزی خونبار با عوامل صهیونیسم و امپریالیسم هستیم". مهندس حسین موسوی آنگاه به اثرات برگزاری روز) باعث دریده شدن پرده ریا از چهره حاکمان مرتجع و متحد با امپریالیسم آمریکا در منطقه است. حاکمانی که تحت پوشش دفاع از فلسطین، هرچه بیشتر پایگاه‌های آمریکا را در منطقه استوارتر ساخته‌اند. حاکمانی که با نقشه‌های پلید خود سعی کرده‌اند، نیروهای رزمنده فلسطینی، سوری و کلا اسلامی را به سازشکاری بکشانند". وی همچنین با اشاره به تبلیغ پان‌عربیسم" و "ملیت‌گرائی" از سوی عوامل امپریالیسم در میان کشورهای منطقه تاکید کرد تنها "با اتحاد و یکپارچی ملت‌ها ریشه‌کن‌کردن سلطه صهیونیسم و امپریالیسم در کشورهای اسلامی "امکان‌پذیر است. وزیر امور خارجه سپس به بیان پاره‌ای از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخت و از جمله "استمرار مبارزه با آمریکا و استمرار شعار مرگ بر آمریکا را یادآور شد. وی گفت "با دادن این شعار می‌توانیم پیام انقلاب اسلامی ایران را به منطقه صادر کنیم... و مسلما مبارزه با آمریکا جزئی از مبارزه با صهیونیسم است و این دوازهم جدائی ناپذیرند.

وی در قسمت دیگری از سخنانش تاکید کرد: "کشور ما و دولت و ملت ما در کنار رزمندگان لبنانی و فلسطینی، سوری و تمام ملت‌هائی که با رژیم اشغالگر فلسطین در حال نبردند، نبرد خواهد کرد و در کنار آنان خواهند ایستاد".

مهندس موسوی همچنین گفت: "دولت برای ایجاد یک جبهه متحد اسلامی ضد‌امپریالیستی و ضد صهیونیستی در میان همه کشورهای اسلامی تلاش خواهد کرد" آنگاه پیام **امام خمینی** رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران توسط حجت‌الاسلام سید احمد خمینی قرائت شد. (نکات مهمی از این پیام، جداگانه، در همین شماره درج شده است). سپس یکی از افراد ارتش جمهوری اسلامی ایران به یاد سرهنگ شهید حسین شهرام‌فر که در نبرد با تجاوزگران صدامی به شهادت رسید سخنانی ایراد کرد.

آنگاه حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، امام جمعه موقت تهران طی خطبه‌های نماز به تاریخچه تشکیل اسرائیل و توطئه‌های امپریالیسم جهانی علیه خلق‌های منطقه که به کمک رژیم جنایتکار اسرائیل به اجرا در می‌آید اشاره کرد و از نقش ویژه امپریالیسم آمریکا در جنایات اسرائیل سخن گفت. وی تاکید کرد "باید بپذیریم که با آمریکا در جنگیم". حجت‌الاسلام رفسنجانی آنگاه به حوادث و رویدادهای هفته گذشته اشاره کرد و از جمله با اشاره به فرار بنی‌صدر و رجوی از کشور تاکید کرد که "تصمیم گرفتیم محیط نیروی هوائی باید پاک بشود" وی گفت "امیدواریم در آینده یک نیروی هوائی منسجم، انقلابی همراه با انقلاب (داشته باشیم)". امام جمعه موقت تهران، همچنین بار دیگر تاکید کرد فرار مفتضحانه بنی‌صدر به افشای بیشتر لیبرالیسم کمک فراوان کرد. مراسم روز قدس با شعارهای کوبنده مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، مرگ بر فرانسه پایان یافت. در پایان مراسم گروه‌های کثیری از مردم به نشانه اعتراض به روش خصمانه دولت فرانسه علیه انقلاب ایران در جلو سفارت فرانسه دست به تظاهرات زدند و خواستار استرداد بنی‌صدر شدند.

امام خمینی:

ایران برغم تبلیغات امپریالیسم و صهیونیسم... بسوی سازندگی نهائی پیش می رود

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران به مناسبت فرارسیدن روز قدس خطاب به مردم قهرمان ایران پیامی فرستادند. این پیام در مراسم روز قدس در دانشگاه تهران توسط حجت‌الاسلام سید احمد خمینی قرائت شد. در این پیام، رهبر انقلاب خطاب به مردم "مسلمان و مستضعف" سرزمین‌های عربی از جمله خاطرنشان کردند: **"تاکی قدس شما در زیر چکمه تفاله‌های آمریکا و اسرائیل غاصب، پای‌کوب شود. و تاکی سرزمین قدس، فلسطین و لبنان و مسلمانان آن دیار در زیر سلطه جنایتکاران به سر برند و شما تماشاچی باشید و بعضی حکام خائن شما آتش بیار آنها باشند".**

امام خمینی همچنین با اشاره به **"حضور یکپارچه مرد و زن، کوچک و بزرگ"** در صحنه و حضور یکپارچه و پرشور آنان در انتخابات تاکید کردند که مردم با این عمل **"توطئه‌گران و فتنه‌انگیزان"** را از صحنه خارج ساختند.

رهبر انقلاب در بخش دیگری از پیام خود تاکید کردند: **"امروز ایران به رغم بوق‌های خارج و دستگاه‌های تبلیغاتی آمریکا و صهیونیسم و سیلی خورده‌های از انقلاب به سوی سازندگی نهایی پیش میرود."**

امام خمینی خطاب به **"مسلمانان و مستضعفین"** جهان گفتند: **"مستضعفان جهان دست جنایتکاران را از کشورهای خود کوتاه نمایند و آزادی قدس شریف و فلسطین را سرلوحه برنامه خود قرار دهند و ننگ سلطه صهیونیسم، تفاله آمریکا را از دامن خود بزدایند"**

رهبر انقلاب در قسمت دیگری از پیام خود متذکر شدند: **(مردم کشورهای منطقه) بعضی از سران خائن (کشورهای عربی) را که برغم مسلمانان و اسلام دست در دست اسرائیل و چشم به فرمان آمریکا برخلاف مصالح مسلمین به زندگی سیاسی ننگین خود و به زندگی جنایتبار خویش ادامه میدهند، از صحنه خارج و در گورستان تاریخ مدفون نمایند"**

* استمرار مبارزه با آمریکا و استمرار شعار مرگ بر آمریکا از اصول سیاست خارجی ایران است

* مردم انقلابی ایران خواستار استرداد بنی صدر از فرانسه شدند

در حاشیه مراسم روز قدس

بنی صدر فراری

حجت‌الاسلام رفسنجانی در سخنان خود با اشاره به اینکه بنی‌صدر با سخنانش خود را به خوبی رسوا میکند از مقامات فرانسوی خواست او را هر روز برای مصاحبه پشت میکروفون ببرند!! وی همچنین گفت اگر بنی‌صدر سیاستمدار بود، ۲ ماه پیش میرفت، بدرقه‌هم می‌شد، مشتی از خاک ایران را با خودش میبرد و سبیلش را هم از دست نمیداد!!!

گرامیداشت شهدا

درجریان برگزاری مراسم باشکوه روز قدس در دانشگاه تهران، مردم انقلابی ایران خاطره شهید انقلابی حجت‌الاسلام محمد منتظری را که در طول زندگی خود با تلاش خستگی‌ناپذیر لزوم مبارزه همه‌جانبه با امپریالیسم آمریکا و اسرائیل جنایتکار را متذکر می‌شد، و در این راه بی‌مهابا می‌رزمید و نیز خاطره تمامی شهیدان انقلاب اسلامی ایران را با فریادهای "مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، مرگ بر صهیونیسم" گرامی داشتند و پیمان بستند مبارزه با امپریالیسم آمریکا را تا پیروزی نهائی ادامه دهند.

سلاح بیولوژیك «سیا»

سبب مرگ ۸ کودك کوبائی شد

فیدل کاسترو سیاست خارجی تجاوزکارانه ایالات متحده را، که به تشویق عملیات تخریبی علیه کوبا می‌پردازد، محکوم کرد.

وی در سخنرانی به مناسبت "رستاخیز ملی کوبا" گفت: "ایالات متحده آمریکا به محاصره اقتصادی کوبا دست زد، اقدامات تروریستی را علیه رهبران آن سازمان داد و در راه نابودی کشاورزی کشور کوشش کرد. از آنجا که به روش های کثیف "سیا" خوب آشنا هستیم، میتوانیم به یقین بگوئیم که آمریکا هنوز جنگ‌افزارهای بیولوژیک خود را علیه ما به کار می‌برد. بیماری واگیری، که چندی پیش به مرگ ۱۱۳ کوبایی، از جمله ۸۰ کودک، انجامید، کار "سیا" بود."



«سیم» (پارلمان لهستان) به بررسی تدابیر اقتصادی دولت پرداخت

یکی از اسناد کنگره فوق‌العاده "حزب متحد کارگری لهستان" در ورشو منتشر شد.

این سند بر "ضرورت بسیج همه نیروها در مبارزه علیه خطری، که بنیاد سوسیالیسم و استقلال و حاکمیت لهستان را تهدید می‌کند" اصرار می‌ورزد. سند نامبرده می‌افزاید:

"نقش رهبری حزب شرط لازم تکامل سوسیالیسم است".

کنگره فوق‌العاده "حزب متحد کارگری لهستان" سمتگیری سیاست خارجی لهستان را در زمینه تشنج‌زدایی و همکاری بین‌المللی یادآور شد. لهستان پشتیبانی کامل خود را از مصوبات کنگره بیست و ششم "حزب کمونیست اتحاد شوروی ابراز داشته است.

ازسوی دیگر، "سیم" (پارلمان لهستان) در اجلاسی، از جمله، به بررسی پیشنهادهای دولت درباره غلبه بر دشواری‌های اقتصادی کنونی پرداخت.

دشمن تنها آمریکاست
با متحدان و عمال و تفاله‌هایش

خط اصلی مبارزه برای تقویت، گستردگی وژرفایی مداوم انقلاب، خط پیروزی نهائی انقلاب یکی بیش نیست، وآن خط مبارزه با دشمن اصلی ــ آمریکا است، **یعنی مبارزه با امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی آمریکا، مبارزه** با آمریکا ومتحدان **وعمال دور و نزدیک آن، مبارزه** با آمریکا **وتفاله‌های ایرانی آن، مبارزه** با آمریکا وقشرهای **کلان سرمایه‌داری وابسته** وبزرگ مالکی **که پایگاه اقتصادی ــ اجتماعی** آمریکا درجامعه **ماهستند**.

ازفردای **سقوط رژیم دست نشانده شاه** ملعون، شعار "**بعدازشاه نوبت آمریکاست**"، بابیان صریح **محتوای ضدامپریالیستی و** استقلال طلبانه انقلاب، **خط اصلی مبارزه را** مشخص کرد. ولی، **همچنین، ازهمان فردای** انقلاب، خطی **که بعدها به‌نام خط برژینسکی** شهرت یافت **ابتدا ازسوی لیبرالها مطرح شد**، وسپس مجموعه **تفاله‌های آمریکا، با نام ها و** نقابهای گوناگون، **از حزب "خلق‌مسلمان" و** "حزب ایران" **و "جبهه ملی" گرفته تا "چپ** ــهای" قلابی **"پیکاری" و "رنجبری" وغیره**، بدان پیوستند **و همراه "سلطنت طلبان" و** "ساواکیها" **ودیگر اوباشان "جبهه ضد** انقلاب" **را زیر پرچم "سپهسالاربنی‌صدر"** تشکیل دادند.

شیوه **عمل رهروان خط برژینسکی**، طرح شعارهای **انحرافی از خط اصلی مبارزه بر** ضدآمریکا بود.

البته، **هیچیک ازاین "تفاله‌های" آمریکا** به دلیل آن قدرت **انقلابی که درخط اصلی** مبارزه متبلور **بودو به دلیل عظمت نیروی** انقلابی استقلال **طلب، ضدامپریالیستی و** مردمی به رهبری **امام خمینی، یارای آن** نداشتند که بی‌پرده **خواستار بازگشت آمریکا** شوند. ناچار **سیاست "گام به‌گام" برای‌هموار** کردن راه بازگشت **"عموسام" رادرپیش‌گرفتند** وباشعارهای **انحرافی، ازجمله‌برضد کشورهای** عربی جبهه **پایداری، برضدکشورهای‌سوسیا**ـلیستی و بویژه **برضد اتحادشوروی، به تیره** ساختن مناسبات **جمهوری اسلامی ایران با** جبهه ضدامپریالیستی **جهانی پرداختند**. درست، همان‌گونه **که امام فرموده‌اند، "خط** این بود که **آمریکا اصلامنسی (فراموش بشود** ... شوروی را **مطرح می‌کردند تاآمریکا منسی** بشود... خط **این بود که قضیه مرگ بر آمریکا** منسی بشود".

این خط انحرافی آمریکائی، معروف به "خط برژینسکی"، دوبار در رویارویی با **"خط امام"** درمعرض شکست سخت قرارگرفت. یک بار، پس از ملاقات و مذاکرات محرمانه‌سران دولت "گام به‌گام" با برژینسکی درالجزایرکه درپی‌آن دانشجویان مسلمان پیرو خط امام اقدام به تصرف جاسوسخانه آمریکاکردند و دولت "گام به گام" رابه سقوط کشاندند. باردیگر، پس از اوج درگیری نیروی‌انقلابی پیروخط امام باجریان بنی‌صدر که به سقوط وهزیمت وی‌منتهی گشت. درهردوبار، شعار "مرگ برآمریکا" که می‌رفت تا "منسی" شود، از نو باتمام قدرت درفضای کشور طنین افکن شدوسیاست ضدآمریکا، ضدامپریالیسم به‌سرکردگی آمریکا، سیاست مبارزه آشتی ناپذیر استقلال طلبانه بر ضد آمریکا و متحدان و "تفاله‌هایش" سیاست مسلط گردید.

غرض از یادآوری مجملی که ازمبارزه دوخط انقلاب و ضدانقلاب، **"خط امام" و "خط برژینسکی"**، دراین دوسال ونیم پس‌از بهمن ۵۷ به عمل آمد، جلب توجه همه‌نیرو ــهای راستین انقلابی به این نکته اساسی‌است که پیش کشیدن شعارهای انحرافی به جای شعار اصلی "مرگ برآمریکا" دارای محتوی و هدف مهم سیاسی است. این‌که پس از سقوط بنی‌صدر، پس از روزهایی‌که "مرگ برآمریکا" یگانه شعار توده‌ها در پهنه ایران بود، باز مشاهده می‌شود که‌اینجاو آنجا شعاری‌به گوش می‌رسدکه "شوروی رامطرح می‌کند"، هدف سیاسی آن باز همان "منسی" کردن آمریکاست به قصدانحراف مبارزه از خط اصلی خود.

مبارزه البته ادامه دارد، آمریکا البته همچنان درصدد شکستن‌انقلاب‌ایران‌واستقرار مجدد سلطه خود برکشورماست. "تفاله های" آمریکا نیز با نقابهای رنگارنگ البته هنوز هستند، وبنابراین کوشش آنها در جایگیر ساختن شعارهای انحرافی امری‌است طبیعی. اماسخن برسراین‌است که به نظرمی‌رسد هنوز **هستند برخی از نیروهای صادق وفادار به** انقلاب که در دام "شیطان" می‌افتند، شعار ــهای انحرافی را تکرارمی‌کنند و بدین سان ناخواسته آب به‌آسیاب خط سیاسی "برژینسکی" و "تفاله‌های" آمریکا می‌ریزند.

هرفرد یانیروی صادق وفادار به‌انقلاب بایدبه‌این نکته توجه جدی کند که شعاربیانگر خط سیاسی‌است. بنابراین هرشعاری که برای آمریکا شریک جرم بتراشد، هر شعاری که بخواهد مبارزه ضدآمریکایی رامنحرف کند و به سویی دیگر سوق دهد، هرشعاری که حتی به‌قدرخردلی‌سایه رضامندی‌برچهره منحوس آمریکاو "تفاله‌هایش" بنشاند، هر شعاری‌که دوستان انقلاب ایران رادشمن معرفی کند، شعاری است "آمریکایی"، به سود ضدانقلاب حتی‌اگر نه از روی غرض بلکه به‌انگیزه گمانی صادقانه طرح یاتکرار شود.

مسئله مبارزه باآمریکا، بسیج همه نیروهای بسیجیدنی برضدآمریکا، بهره مندی ازهمه نیروهای ضدآمریکایی‌وضدامپریالیستی درایران و جهان برای نبردانقلابی ضدآمریکایی، مسئله گرهی انقلاب و مسئله سرنوشت انقلاب است.

آمریکا، بامتحدان و عمال وتفاله‌هایش، باقدرت شیطانی سیاسی، اقتصادی، مالی، نظامی، جاسوسی و تبلیغاتی‌اش، با صدام هاو ضیاءالحق‌ها وخالدها وقابوس ها وسادات‌هاو بگین‌هایش، دشمن کوچکی‌نیست که‌انقلاب ضدامپریالیستی ومردمی واسلامی ایران‌بتواند بدون بسیج همه نیروهای انقلابی د جبهه ضدآمریکایی‌آن را شکست دهد. هرکس که به هرعنوان یابه هرنیت بخواهدجبهه دیگری غیر از جبهه نبردبرضدآمریکا و تفاله های خارجی و داخلی‌اش بگشاید، دانسته یا ندانسته، عملابه سودآمریکاگام برداشته‌است.

ما با آمریکا در جنگیم، ما با آمریکا و متحدان وعمال و تفاله‌هایش درجنگیم، نه با هیچکس دیگر. هرکس که این واقعیت رابداندو **آن را** به دیگران تفهیم کندو خوددرآن‌شرکت **جوید**، وظیفه انقلابی خودرابه‌درستی انجام **داده‌است**. هرکس که این واقعیت را بداند، **ولی آن را** بپوشاندو طفره برود و خلط مبحث **کند**، ضدانقلابی‌است. اماآن‌کس که هنوز این **واقعیت را** نمی‌داند ودرعین حال صادق به **انقلاب** و خواستار پیروزی نهائی آن است، فردی است انقلابی که هنوز قطب نما و مسیر حرکت انقلابی خود را بدرستی نیافته است و به‌آسانی می‌تواندطعمه فریبکاری "شیطان بزرگ" و "بچه شیطانها" شود. منطقی که بتواند هرانقلابی صادقی را درمسیر درست حرکت انقلابی قرار دهد ساده‌است: دشمن اصلی آمریکاست. هرکس، هرگروه، هرنیرو و هردولتی که‌باآمریکاست دسمن‌است. هر نیروی انقلابی، هرجاکه باشد، بایدبرضد آمریکا و متحدان وعمالش به کار رود. تضعیف جبهه ضدآمریکایی به هر عنوان که باشد به سود آمریکاست. ایجادجبهه مصنوعی یاجبهه‌فرعی خودبه خود جبهه ضدآمریکایی را تضعیف می‌کند. ازاین‌رو، ازافتادن به دام شعار هایی غیر ازشعار ضدآمریکایی بایدپرهیز کرد، زیرا این‌شعارها ــ دانسته‌یاندانسته ــ بیانگر خط آمریکایی و به سودآمریکاست.

شایداینجابپرسند که: پس شعار "نه شرقی، نه غربی" چه‌می‌شود؟ پاسخ‌این‌است که این شعار بیان‌خواست برحق استقلال‌تام‌و تمام کشور است، نه‌دشمنی وکینه و بدخواهی نسبت به دولتهایی‌که به هیچ روبرضدانقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران توطئه‌نکرده‌اندونمی‌کنند، بلکه درحدتوان خود و تاآنجا که توقع وخواست ماست ازانقلاب‌وجمهوری‌اسلامی ایران پشتیبانی‌کرده‌اندومی‌کنند. پاسخ‌این پرسش‌را همچنین می‌توان دربیانات حضرت آیه‌الله‌منتظری یافت که درمصاحبه اخیرخود بامجله **"الازمنة‌العربیه"** چاپ شارجه‌چنین تصریح کرده‌اند:

"ما باهرکشوری که سعی‌نکند خود را برما تحمیل و یا مارا استعمار کند دوستی خواهیم داشت. مانمی‌خواهیم دور خودرا دیواربکشیم ومیان‌خودودیگران‌جدایی ایجاد نماییم. ولی‌اسلام باافرادی که‌علیه‌آن‌توطئه می‌کنند مبارزه‌می‌کند..." (روزنامه جمهوری اسلامی ــ ۲۷ تیر ۱۳۶۰)

سخن‌ازاین‌روشنتر؟

مصاحبه‌ای با یکی از رهبران برجسته جنبش مقاومت السالوادور

انقلابیون السالوادور پایگاه اجتماعی خود را گسترده‌تر و فراگیرتر می سازند

چندی پیش، **مجله السالوادوری "پن ساميستوروولوسيوناريو"** (اندیشه انقلابی) مصاحبه‌ای با **"ماریوآخوئی ناداکارانسا"**، عضو "رهبری واحدانقلابی‌جبهه آزادیبخش ملی فارابوندومارتی وکمیسیون‌سیاسی دیپلماتیک "اف. ام. ال. ان. ــ اف. د. ر." ("جبهه آزادی بخش ملی فارابوندومارتی" ــ "جبهه دمکراتیک ــ انقلابی")، به عمل آورد، که قسمت های عمده آن در زیرازنظرخوانندگان می‌گذرد:

پرسش: آیاتضادمیان "خونتا" و "اف. ام. ال. ان. ــ اف. د. ار." درحال حاضر مهم ترین تضادکشورماست؟

پاسخ: بلی، مهمترین ویژگی اوضاع کنونی کشور ماتضادمیان "خونتا"ی نظامی دمکراتیک ــ مسیحی است، که می‌خواهد سیاست ضدخلقی خود رابه زور آتش وشمشیر اعمال‌کند و نیروهای "اف. ام. ال. ان." و "اف. د. ار."، که هدفشان سرنگونی خونتا و استقرار دولتی انقلابی ــ دمکراتیک است.

پرسش: آیاتضادهای فرعی دیگری نیز هست؟

پاسخ: بلی، تضادهای دیگری هم وجود دارد. ازجمله تضادمیان محافل گوناگون بورژوازی، تضادهای درونی دولت، حزب دمکرات مسیحی وارتش. پویائی تضادهای نامبرده به‌تضادمیان نیروهای انقلاب‌وضد انقلاب بستگی دارد.

پرسش: بحران اقتصادی واجتماعی رژیم دردوران کنونی به چه شکل بروزمی‌کند؟

پاسخ: بحران اقتصادی اشکال هر چه شدیدتری بخودمی‌گیرد. تولید ــ بویژه برای صدور ــ کاهش هنگفت یافته است. برای‌نمونه تولیدشکر از ۱۹۷۰ تاکنون از ۶/۳ میلیون مد وزن اسپانیائی (یک‌مدوزن اسپانیائی = ۴۶ کیلوگرم) به ۳/۵ میلیون مدوزن اسپانیائی تقلیل پذیرفت. بدین ترتیب، دراین‌زمینه حتی نیاز داخلی تامین نمی‌شود. کاهش‌تولید شکر ۹۰ میلیون دلار زیان ازبابت درآمدهای صادراتی را در پی داشته است.

درظرف سال گذشته، کشت پنبه ۳۳% کاهش یافت. نتیجه آن شد، که قیمت منسوجات نخی در داخل‌کشوربالارفت، عرضه روغن پنبه محدودگردید والسالوادوردرگستره صدور پنبه ۵۰ میلیون دلار ضررديد.

تولیدقهوه، که یکی ازپی ستون های اقتصاد راتشکیل‌می‌دهد، براثرکاهش قیمت‌ها دربازارهای بین‌المللی وبرخی‌مسائل‌فنی‌کشت بادشواری روبروست. این‌مسئله به‌کاهش‌درآمد صادراتی بمیزان ۳۰۰ میلیون دلارانجامیده است.

بعلت کاهش تولید، رویهمرفته، بیش از ۴۴۰ میلیون دلار به اقتصاد کشور زیان وارد آمده‌است. فزون براین، بایدازفرارسرمایه از مرزمیلیاردهادلارسخن‌گفت، تابه‌بعد راستین بحران اقتصادی پی ببریم. کوشش‌امپریالیسم‌را برای دادن کمک مالی به "خونتا" همچنین‌در این واقعیت باید جویا بود. خود "خونتا" نیز شتابزده نهادهای‌مالی بین‌المللی رابه یاری فرامی‌خواند.

درنتیجه بحران نامبرده، از پایان سال ۱۹۷۹ تاکنون، درحدود ۱۲۶ کارخانه تعطیل شده‌است. ۶۱% آنها اعلام ورشکستگی‌کرده‌اند. درنتیجه تعطیل این‌کارخانه‌ها، ۱۶۷۰۰ نفر کارخود راازدست دادند و، بدین‌ترتیب بیکاری مزمن باردیگر گسترش یافت. برای نمونه، صنعت مصالح ساختمانی تنها ۵۰% ظرفیت خود تولیدمی‌کند. کارخانه‌های‌سیمان "شن" و "مایا" درآستانه‌ورشکستگی‌قراردارند.

اینها تنها چند نمونه بحران‌عمیق اقتصادی کنونی‌است. بدینسان، مشهوداست که "اصلاحات" "خونتا"ی نظامی دمکرات ــ مسیحی باناکامی کامل روبرو شده‌است. تنها دولتی‌انقلابی ــ دمکراتیک می‌تواند در جوی صلح‌آمیز کشور را از این بحران رهائی‌بخشد.

هرچندتضادهای پارسال دردرون‌ارتش تااندازه‌ای تخفیف یافته است، اما این اختلافات‌اساسی‌هنوزبه‌گونه‌ای نهفته وجود دارد. مابه ارتشیان شرافتمندومیهن‌دوست فرصت می‌دهیم، که همدوش باما در راه‌برون رفت ازبحران کنونی گام بردارند.

آنچه به "حزب دمکرات مسیحی" مربوط می‌شود، سیاست خشونت و خلق کشی ونبود چشم‌انداز سیاسی ــ اجتماعی تضادهای‌درون حزبی را دامن زده‌است، دراینجامقصود من گروهی نیست، که درچهارماه اول ۱۹۸۰ از این حزب جداگردید واکنون خود را "جنبش خلقی سوسیال مسیحی" می‌نامد، بلکه‌تضادهای داخلی را درنظر دارم، که در بالاترین سطح دولت میان گروه "فیدل‌شاوس‌منا" ودارودسته "دوآرته" آشکار شده‌است. علاوه براین، باید از اختلاف میان گروه نخست و دیگر نهادهای حزبی، میان "دوآرته" وشهرداران منتسب به حزب، سخن گفت، که از ترس کشته شدن، ازمقام خوداستعفاکرده‌اند.

پرسش: درباره پشتیبانی‌مردم‌ازسیاست "اف. ام. ال. ان." و "اف. د. ار." چه‌می‌توانیدبگوئید؟

پاسخ، مردم کماکان پشتیبان ماهستند البته این‌پشتیبانی دیگربصورت‌سنتی‌مبارزات توده‌ای نیست. مادیگر ازامکان بهره‌گیری از رسانه‌های گروهی برخوردارنیستیم. ازاین‌رو، چندان ساده نیست که مردم را بطور منظم درباره سیاست خودآگاه سازیم. تشدیدپیکار بویژه درگستره نظامی، امکانات ما را برای سازماندهی اقدامات توده‌ای درشهرهامحدود کرده‌است. این روستاهاست، که به کانون این‌گونه‌مبارزات‌بدل‌شده‌است. گرچه پیکارهای سخت‌مانع ازآن‌گردیدتا درشهرها دست‌به سازماندهی تظاهرات بزنیم، ولی این‌واقعیت رانادیده نمی‌انگاریم، که‌دراین زمینه دچار اشتباهاتی نیز شده‌ایم. ما اکنون به تصحیح این اشتباهات مشغولیم‌وقصد داریم که‌پایگاه اجتماعی‌انقلاب راهمه جانبه گسترش دهیم. سیاست توده‌ای ما برپایه انفراد نیروهای وابسته به فاشیسم و مداخله گر استوار است.

ماآماده‌ایم تا باسرمایه‌داران خرده پا ومتوسط قراردادهائی برای همکاری با دولت انقلابی ــ دمکراتیک آینده ببندیم، که هم به سود آنان و هم به نفع مردم باشد. دشمن مشترک همه ماعبارتست ازفاشیسم، ستاد فرماندهی‌ارتجاعی‌ارتش، "خونتا"ی‌خونخوار ودولت مداخله گرایالات متحده آمریکا.

اکثریت مطلق مردم دارای منافع مشترک اند واز این‌رو سیاست ماآنست که جبهه‌ای گسترده تر و فراگیرتر از همه نیروها طبقات و قشرهای اجتماعی پدیدآوریم.

پرسش: آیامی‌توان سیاستی را، که در قبال سرمایه داران خرده پا و متوسط دنبال می‌کنید، درهمه جوانب آن، برای جلب محافل میهن دوست ارتش نیز بکاربست؟

پاسخ: ما از سیاست واقع بینانه و پر جاذبه‌ای پیروی می‌کنیم، که‌ازجمله متوجه جلب سرمایه‌داران خرده‌پا و متوسطی است، که خواهان ره‌یافتی میهن‌دوستانه، ضدفاشیستی و ضدمداخله جوئی هستند. محافل شرافتمند ومیهن دوست ارتش نیز جزء نیروهای ضدفاشیست و ضدمداخله جوبشمار می‌آیند. این سیاست همچنین متوجه اینانست. ماخواهان برنامه‌مشترکی‌هستیم، بدون آن که بخواهیم همه این نیروها را در صفوف خود گردآوریم.

ازاین‌رو طبیعی‌است، که باید درپی جلب محافل نامبرده از میان سرمایه‌داران و خواستار توافقی سیاسی با آنان بود. این به معنای آن نیست، که مبارزه مسلحانه راپایان بخشیم، از پیکار در راه سرنگونی رژیم حاکم چشم پوشیم، یاآنکه از عزم خود، مبنی بر پایداری نظامی در برابر مداخله گران‌یانکی، دست برداریم. برعکس، ازیکسو، مبارزه مسلحانه و حقه خود را به پی ستون سیاست هم پیمان جوئی‌خودبدل می‌کنیم و از سوی دیگر می‌کوشیم تا بامحافل پیشگفته جویای‌راه حلی عادلانه باشیم.

وقایع مهم جهان در یک هفته

در پی کودتای گامبیا نیروهای مداخله‌گر سنگال وارد آن کشور شد

پس‌ازوقوع کودتایی در گامبیا، رادیو این کشور، تشکیل یک "شورای ملی‌ـ انقلابی" را گزارش‌داد. ریاست این شورارا کوکلی سامباسانیان، یکی از رهبران مخالفان، به عهده دارد. حکمرانان جدید قانون اساسی را به‌تعلیق انداخته‌اند، پارلمان‌را منحل‌کرده‌اند و فعالیت همه‌احزاب سیاسی را غیرقانونی اعلام داشته‌اند.

داوداجوارا، رئیس جمهورگامبیا، به‌هنگام وقوع کودتا در لندن بود. وی گفته است‌که‌خویش‌را معزول‌نمی‌داند وبخشی‌ازارتشیان‌نسبت به‌او وفادارمانده‌اند.

به‌گزارش‌خبرگزاری‌های غربی نیروهای‌کشور همسایه، سنگال، برای سرکوب کودتاوارد گامبیا شده‌اند.

حمله نژادپرستان آفریقای جنوبی به‌آنگولا

شب‌چهارشنبه ۷ مرداد نیروهای‌مسلح‌افریقای جنوبی‌از طریق‌نامی‌بیا به آنگولا حمله کردندوشش‌قریه‌را به‌تصرف خود درآوردند. نیروهای‌مهاجم، که ازپشتیبانی چندهواپیما برخوردار بودند، چندیگان پیاده و گردان‌هایی‌از مزدوران را شامل می‌شدند.

تشکیلات دمکراتیک زنان ایران کشتار وحشیانه مردم بیگناه جنوب لبنان را محکوم می‌کند

خواهران و برادران عزیز!

یکبار دیگر دست جنایتکار آمریکا از آستین‌صهیونیسم بین‌المللی بیرون‌آمدوباکشتاروحشیانه‌مردم بیگناه جنوب لبنان‌داغ‌ننگ‌دیگری برپیشانی‌امپریالیسم جهانی‌نهاد.

حادثه دلخراش جنوب‌لبنان وکشتار زنان و کودکان به‌خوبی پوچ‌بودن‌ادعاهای مدافعان حقوق بشر آمریکایی را نمایان‌ساخت.

مامادران ایرانی‌که‌خود از جنایت‌های‌آمریکای‌جهان‌ـ خوار داغ‌های بی‌شمار بردل داریم، با غم ودرد بسیار، این‌جنایت هولناک‌را شاهد بودیم وبااراده محکم‌تر و کینه افزونتر همراه باشما به‌مبارزه‌سازش‌ناپذیرخویش‌باامپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم‌آمریکاادامه‌خواهیم داد.

پیروز باد مبارزات‌مردم محروم‌جهان علیه ستم‌جهانخواران
مرگ‌برامپریالیسم جهانی به‌سرکردگی آمریکا.

بااطمینان‌کامل به‌پیروزی‌انقلاب
تشکیلات دمکراتیک زنان‌ایران

اختصاص یکی دیگر از اردوگاه‌های ارتشی به تظاهرکنندگان جوان بریتانیا

پس‌از چند روز آرامش، بار دیگر در لیورپول جوانان به تظاهرات دست‌زدند. در درگیری میان پلیس و تظاهرکنندگان سه نفر زخمی شدند.

این تظاهرات‌درپی اعتراضات وسیع چندی پیش جوانان‌بریتانیا در ده‌ها شهراین کشورعلیه‌بیکاری، فقرونژادپرستی صورت‌گرفت. پلیس با گلوله‌های‌پلاستیکی‌وگاز "سی. اس." به‌مقابله‌وحشیانه‌باجوانان‌دست‌زد. سه‌هزارتن دستگیرشدند. بیش از ۹۰۰ هزار جوان بریتانیایی بیکارند. مقامات بریتانیایی‌یکی‌دیگر از اردوگاه‌های ارتشی رابه بازداشتگاه دستگیرشدگان‌نامبرده‌اختصاص‌دادند. به‌گزارش خبرگزاری فرانسه "، ۳۰۰نفر از آنها به‌این اردوگاه‌فرستاده‌خواهندشد.

نقض مداوم قرارآتش بس لبنان از سوی اسرائیل

علیرغم قراردادآتش‌بس۲۴ مرداد ۶۰، هواپیماهای‌اسرائیلی کماکان به پرواز های اکتشافی‌خود بر فراز جنوب لبنان‌ادامه‌دادند. **مناخیم بگین**، ضمن تائید ادامهٔ این پروازها، گفت:

"اسرائیل در این زمینه‌تعهدی نسبت به‌قرارداد آتش‌بس‌ندارد وایالات‌متحده بر این‌امرآگاه‌است."

وزارت‌خارجه‌ایالات‌متحده‌هم پشتیبانی خودرااز‌پروازهای‌اکتشافی‌اسرائیل‌ابراز داشت واستـ‌نظامی "تل‌آویو" در "واشینگتن" آمادگی کشور خود را برای تکرارعملیاتی‌چون بمباران‌بیروت‌در روز۲۶تیر ۶۰اعلام‌کرد. در جریان‌این‌بمباران‌تنهادر عرض‌یک‌ساعت ۴۲۰ نفرکشته‌و ۸۰۰نفر زخمی شدند.

رهبری‌نیروهای‌ملی‌ـمیهنی‌لبنان‌پرواز‌ـ های‌اکتشافی اسرائیل رابر فراز لبنان "ادامه تجاوز" خواندو اظهارداشت‌که اسرائیل از قراردادآتش‌بس‌برای تدارک‌تحریکات‌مسلحانه بیشتراستفاده‌می‌کند.

نخست‌وزیرلبنان‌خواستارآن‌شدکه‌سران کشورهای‌عرب‌هرچه‌زودتر در گردهمایی به بررسی تحریکات‌مداوم‌اسرائیل علیه لبنان بپردازند.

ازسوی دیگر، یاسرعرفات، رهبر سازمان آزادی‌بخش‌فلسطین"، در مصاحبه‌ای در تلویزیون آمریکاگفت‌که‌مسئله فلسطین، "مسئله کلیدی خاورمیانه" است. اودولت‌آمریکا را به تماس مستقیم با "سازمان‌آزادی‌بخش‌فلسطین" فراخواند. عرفات‌اسرائیل‌را‌متهم‌کرد که‌می‌ـ خواهد به‌یاری آمریکا مردم فلسطین را نابود سازد.

مجلهٔ «نیوایج» (هند):
پنجاه‌سازمان «سیا» ساخته در ایران به‌توطئه علیه ایران و افغانستان مشغولند

به‌گزارش هفته‌نامه "نیوایج" (هند)، در حدود‌پنجاه‌سازمان "سیا" ساخته‌افغانی‌های ضدانقلابی‌درایران‌فعالیت‌می‌کنند.

به‌موجب‌خبر "نیوایج"، "این‌سازمان‌ها نه‌تنهابه‌اقدامات‌تخریبی علیه‌افغانستان‌دست می‌زنند، بلکه‌به‌ثبات‌زدایی در ایران نیز مشغولند."

"نشنال‌هرالد" هندنیز خبرمیدهد که چندی‌پیش‌عده‌ای‌ضدانقلابیون‌افغانی از مرز هندگذشتند واینک در تدارک ترور وزیران‌آن کشور ودیپلمات‌های‌خارجی هستند. این تروریست‌هارانیز "سیا" آموزش‌داده‌است.

مجله "نیوری‌پابلیک" (چاپ‌نیویورک) می‌نویسدکه "سیا" واگذاری‌سلاح‌رابه‌تروریست‌ـ های‌افغانی‌سازمان‌وهماهنگی می‌دهد. به‌نوشته این‌مجله:

"عملیات مخفیانه‌نامبرده در زمان‌کارتر آغازشدوتاکنون‌ادامه‌دارد. حتی‌در آن‌زمان، ایالت‌متحده‌این‌فعالیت‌ها را با چین هماهنگ می‌ساخت. همچنین‌مصر و عربستان نیز به بهانه دفاع از "اسلام" دراین‌اقدامات شرکت داشته‌اند".

نیروهای‌امنیتی‌افغانستان‌عملیات‌امنیتی خودراعلیه‌عناصرضدانقلابی‌باموفقیت ادامه میدهند. رادیوکابل اعلام‌داشت که درجریان یکی‌ازاین‌عملیات‌سرکرده‌یکی‌از این‌گروه‌هاکشته شد. وی‌که‌ازپاکستان‌به‌افغانستان‌فرستاده شده بود، عامل‌قتل بسیاری از مردم غیرنظامی و بیگناه‌بود. درفیض‌آباد نیز گروهی از ضد‌ـ انقلابیون نابودگردید.

یوری کورنی‌لوف، یکی‌از مفسران "تاس" رادیو "صدای‌آمریکا" رامتهم ساخت‌که‌درتفسیر چهارشنبه۷مردادخود درباره‌اوضاع افغانستان دست به تحریف زده است. "صدای امریکا" ادعاکرده‌بودکه‌کورنی‌لوف‌باهرگونه راه حلی دراینباره بکلی مخالف‌است، در حالیکه مفسر "تاس" تنها پیشنهادهای غرب را در این زمینه‌مردود شمرده‌بود.

کورنی‌لوف‌گفته‌بودکه‌برای‌مسئله‌افغانستان راه‌حلی‌میتواند وباید پیداشود واین‌راه حل باید برپایهٔ پیشنهاد دولت افغانستان درباره مذاکره‌باکشورهای‌همسایه‌استوار باشد. از سوی دیگر، غرب‌میخواهددربه‌اصطلاح "کنفرانسی بین‌المللی" وبدون‌حضور نمایندگان افغانستان مسئله‌افغانستان‌رامطرح‌کند. افغانستان واتحاد شوروی این‌پیشنهادرا "غیرواقع بینانه‌وغیر ـ قابل‌قبول" خوانده‌اند.

وزیر دفاع اتحاد شوروی:
اتحاد شوروی خواهان امنیت خلیج فارس است

"کمیته‌شوروی‌برای‌امنیت وهمکاری اروپا" روزپنج‌شنبه ۸ مرداد ۱۳۶۰دراجلاسی‌ویژه در مسکوششمین سالگرد "کنفرانس هلسینکی" را بزرگ‌داشت.

آلکسی شی تی کوف، رئیس این‌کمیته، در سخنرانی دراین‌اجلاس‌گفت:

"ابتکارجدید شوروی درباره‌گسترش تدابیر اعتماد‌ـ آفرین در زمینه نظامی و وضع "موراتوریوم" بر موشک های هسته‌ای‌جدیدمیان‌برد دراروپا راه‌رابرای گفتگوهای جدی درباره‌تحدیدمسابقه‌تسلیحاتی هسته‌ای‌صاف‌خواهدکرد."

"**پراودا**" در این باره نوشت:

"علیرغم همه تغییرات موقت‌در سیاست‌برخی‌کشورها تصمیمات "کنفرانس‌هلسینکی" سمتگیری‌درازمدت‌سیاست‌صلح دراروپابوده‌است‌وخواهدبود. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از این‌تصمیمات پشتیبانی‌میکندو همهٔ اصول مناسبات‌خارجی را، که در هلسینکی‌اتخاذشد، در قانون اساسی۱۹۷۷ خود تسجیل نموده‌است."

"**پراودا**" از ایالات متحده‌به‌خاطر نقض‌تصمیمات "کنفرانس‌هلسینکی" انتقاد کردونوشت:

"کوشش‌ایالات متحده برای‌برهم‌زدن‌تعادل‌نیروهادر اروپا ازراه‌استقرار موشک های هسته‌ای‌جدید امنیت قاره را تهدیدمی‌کند."

مارشال‌اوستینوف، وزیر دفاع‌شوروی، دولت‌آمریکا را فراخواندتااز "مشی خطرناک خودمبنی‌برتسریع مسابقه تسلیحاتی‌دست‌بردارد و با اتحادشوروی‌درباره‌تنش‌زدایی سیاسی‌ونظامی‌بگفتگوبپردازد."

وی در روزنامه "**پراودا**" نوشت:

"دولت ریگان هدف اصلی خودراکسب‌برتری‌نظامی براتحادشوروی‌اعلام‌کرده‌است ودرراه‌افزایش تشنجات در جهان‌گام‌برمیدارد. اتحاد شوروی، که‌مشی‌آن‌تحکیم‌صلح است، بااین سیاست مخالف است."

اوستینوف افزود:

"ماحاضریم‌که‌حتی فردا پشت‌میز مذاکره بنشینیم و بر پایه‌رعایت‌اصل برابری‌امنیت طرفین‌به‌تحدید وحتی تقلیل همه‌جانبه‌موشک‌های میان برد هسته‌ای‌دراروپا بپردازیم."

درمقاله**اوستینوف** گفته میشود:

"اتحادشوروی خواهان تقویت‌امنیت‌بین‌المللی‌درهمه مناطق‌جهان، ازجمله‌در خاور نزدیک‌وخاورمیانه، منطقه اقیانوس‌هند و خلیج فارس است."

ازسوی دیگر، "راه‌ـ پیمایی صلح۸۰"، که روز ۳۱ خرداد ۶۰ درکپنهاک آغازشد، به‌پاریس‌نزدیک می‌گردد. قرار است‌که‌روز پنج‌شنبه ۱۵مرداد ۱۳۶۰، سالگردبمباران اتمی هیروشیما ازسوی آمریکایی‌ها، تظاهرات‌بین‌المللی‌دراین‌شهر برگزارشود.

علیرغم عظمت بی‌نظیر این‌راه‌پیمایی رسانه‌های‌گروهی امپریالیستی‌تاکنون‌در اینباره سکوت‌کرده‌اند.

خلق ما

غول است
با پیکری ستبر
با قامتی بلند چو الوند

غول است این، غلام حبش نیست
کرنش نمی‌کند
و سر نمی‌نهد این غول در پای هرخسی

غولی است رسته بند گسسته
دیوار سنگ ظلم شکسته
و سر برون کشیده از آفاق
و اینك
پیکار واپسین را
پا درنهاده به میدان

برخاسته است
از خاستگاه ناصرخسرو
استاد طوس بابك حیدر
و دل نهاده است به آزادی
و آوازداده مردم دنیا را
تا در تلاش کینه و خشم و خون
خود را رها کنند زبیدادی

این اوست او ـ
این غول مهربان
آموخته به رنج فراوان
مردانه ایستاده به میدان
آموزگار دودهٔ انسان
اکنون در این زمان

۹ تیر ۶۰

جلال سرفراز

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دمکراتیك مردم ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
محمود اعتمادزاده (م. ا. به‌آذین)
آدرس: منطقه ۱۳ پستی ـ صندوق پستی ۱۴/۱۱۱۷